

مروری بر عهد عتیق ۲

از ایوب تا ملاکی



آموزشگاه تربیت خادمین

هرمز شریعت

بایز ۲۰۰۸



Iranian Christian Church
740 E.Arques Ave
Sunnyvale, CA 94085
USA

مروری بر عهد عتیق ۲

نویسنده: دکتر هرمز شریعت

هدف کلیسای ایرانیان:

با قدرت روح القدس، نجات، شفا و آزادی روحانی در عیسای مسیح را به ایرانیان اعلام نماییم
و آنها را شاگرد بسازیم تا مانند مسیح زندگی و محبت کنند تا اینکه این کلیسا یکی از ابزار دست
خداوند برای وقوع پیوستن ارمیاء ۴۹: ۳۸-۳۹ باشد و در نتیجه خدا جلال یابد.

برای هر نوع سؤالات یا اطلاعات با نشانی زیر تماس بگیرید:

www.kelisa-iranian.com

Copyright © 2002 by Iran Alive Ministries, INC

New Version 2008

فهرست مطالب

۲	 مقدمه
۳	 آشنایی با روش تدریس
۵	 ترتیب زمانی کتب عهد عتیق
۶	 ترتیب زمانی خدمت انبیاء و وقایع تاریخی
۷	 ایوب
۱۴	 مزامیر
۲۱	 امثال سلیمان
۲۷	 جامعه
۳۱	 غزل غزل ها
۳۷	 اشعیاء
۴۵	 ارمیاء
۵۳	 مرثی ارمیاء
۵۸	 حزقیال
۶۶	 دانیال
۷۲	 هوشع
۷۸	 یوئیل
۸۲	 عاموس
۸۶	 عوبدیا
۹۱	 یونس
۹۶	 میکاه
۱۰۱	 ناحوم
۱۰۶	 حبقوق
۱۱۱	 صفنیا
۱۱۵	 حجی
۱۲۱	 زکریا
۱۲۶	 ملاکی
۱۳۱	 لیست کتب عهد عتیق
۱۳۳	 تاریخ تصویری عهد عتیق

مقدمه

دورهٔ درسی «مروری بر کتاب مقدس» شامل سه کلاس «مروری بر عهد عتیق ۱»، «مروری بر عهد عتیق ۲» و «مروری بر عهد جدید» می باشد. در این کلاس ها، کتاب های کتاب مقدس مورد بررسی کلی قرار می گیرد. هدف این است که دانشجو با تم اصلی، اهمیت و کاربرد هر کتاب آشنا شده و جای آن را در نقشه کلی خدا برای بشر بداند.

هر مسیحی می بایست با کتاب مقدس آشنایی کامل و عمیق داشته باشد. بخصوص یک خادم خدا موظف است که اطلاعات عمیق از کتاب مقدس داشته، آن را در زندگی خود به عمل آورده و سپس به دیگران تعلیم دهد. اساس زندگی و خدمت هر مسیحی کتاب مقدس می باشد. در کتاب مقدس است که با شخصیت، روحیه و روش کار خداوندمان آشنا می شویم. در آنجا است که از اراده او و نقشه های او با خبر می شویم تا بتوانیم با او همکار شویم. پس بدانید هر ساعتی که برای مطالعه کتاب مقدس می گذارید در تمامی عمرتان برای خود شما و هر کس که روبرو می شوید بازدهی، منفعت و برکت خواهد داشت. بنابراین با جدیت سعی کنید مطالب این کلاس را بیاموزید. بگذارید این حقایق نه تنها فکر شما را لمس کرده و پر کند، بلکه قلب و روح شما را لمس و لبریز نماید.

در کلاس «مروری بر عهد عتیق ۱»، ۵ کتب تورات و ۱۲ کتب تاریخی را مطالعه کردیم. در این کلاس، باقی کتب عهد عتیق مورد بررسی قرار خواهند گرفت. پس ابتدا ۵ کتب شعری، سپس ۵ کتب انبیای بزرگ و در آخر ۱۲ کتب انبیای کوچک را مطالعه خواهیم نمود (جمعا ۲۲ کتاب). مطالب این ۲۲ کتاب کمتر وقایع تاریخی را بیان می کنند و بیشتر حاوی درس ها و پیغام های روحانی می باشند که هم برای خوانندگان اولیه و هم خود ما لازم و مفید می باشند.

برای بهتر درک کردن این ۲۲ کتاب، لازم است بدانید که هر کتاب در چه زمان و تحت چه شرایط تاریخی نوشته شده است. ترتیب زمانی کتاب های عهد عتیق در نمودار «ترتیب زمانی کتب عهد عتیق» در صفحه بعد نشان داده شده است. در طول کلاس، به این صفحه مکررا" مراجعه نمایید تا ببینید شرایط تاریخی هر کتاب چه بوده است. وقایع عهد عتیق در صفحات ۱۴۱ تا ۱۴۸ به صورت شکل نشان داده شده است. لطفا" این صفحات را چند بار مرور نمایید تا تصویر کلی از وقایع تاریخی عهد عتیق در فکر شما نقش ببندد. همچنین وقتی در طول کلاس به کتاب های انبیای بزرگ و کوچک رسیدیم، خوب است مکررا به نمودار «ترتیب زمانی خدمت انبیاء و وقایع تاریخی» در صفحات بعد مراجعه نمایید تا با تاریخ خدمت و محل خدمت هر نبی آشنا شوید.

آشنایی با روش تدریس

همانطور که خواهید دید، معرفی و بررسی هر کتاب، شامل بخش های زیر خواهد بود. در زیر توضیح داده شده است که هدف و اهمیت هر کدام از این بخش ها چه می باشد :

نویسنده و تاریخ نگارش _ در این بخش، نویسنده آن کتاب معرفی می گردد. اگر می بایست نکته خاصی در مورد او بدانید، در اینجا مطرح می شود. تاریخ نگارش به ما کمک می کند تا بدانیم نگارش آن کتاب در مقایسه با وقایع تاریخی کجا قرار می گیرد و نویسنده آن را در چه شرایط تاریخی نوشته است.

زمینه و موضوعات اصلی _ در اینجا با تم کلی آن کتاب آشنا می شوید و بطور کلی دست شما می آید که آن کتاب در مورد چه چیزی است و چرا نوشته شده است. همچنین اطلاعاتی که به فهم آن کتاب کمک می کند، مطرح می شود. بخصوص زمینه تاریخی و یا فرهنگی هر کتاب بیان می شود که کمک می کند تا معنی آن را بهتر درک نماییم.

در این بخش، همواره «کلمه کلیدی» آن کتاب مطرح می گردد. این کلمه کلیدی، مهم ترین اطلاعاتی است که می بایست در مورد هر کتاب بدانید. کلمه کلیدی سعی می کند موضوع هر کتاب را در یک کلمه خلاصه کند. در نتیجه با دانستن آن کلمه، موضوع اصلی آن کتاب بخاطر شما خواهد ماند. از شما انتظار می رود، کلمه کلیدی هر کتاب را حفظ نمایید. به «آیات کلیدی» نیز توجه و دقت نمایید. در این آیات کلیدی، خلاصه تمام آن کتاب را در یکی دو آیه می توانید مشاهده نمایید. «فصل کلیدی» مهم ترین فصل هر کتاب را معرفی می کند.

بررسی _ در این قسمت، آن کتاب به چند بخش اصلی تقسیم بندی می گردد و هر بخش با جزئیات بیشتر شرح داده می شود. بدینوسیله، با هر کتاب آشنایی عمیق تری را پیدا می کنید. از شما انتظار می رود، بخش های اصلی هر کتاب را نیز حفظ نمایید. برای کمک به حفظ کردن، به درس «روش مطالعه و حفظ کردن دروس» در کتاب «مروری بر عهد عتیق ۱» مراجعه نمایید.

مکاشفه عیسای مسیح _ همانطور که خواهیم دید، در هر کتاب مقدس، می توان رد پای عیسای مسیح را پیدا نمود. هر کتاب در کتاب مقدس، مسیح را به نحوی معرفی می کند. بسیاری از آنها بطور مستقیم در مورد آمدن او و نقش او پیشگویی می کند.

مکاشفه روح القدس _ در هر کتاب در کتاب مقدس، می توان نقش و اثر روح القدس را نیز مشاهده نمود. این مکاشفه گاهی مستقیم می باشد و گاهی در قالب سمبل ها می باشد.

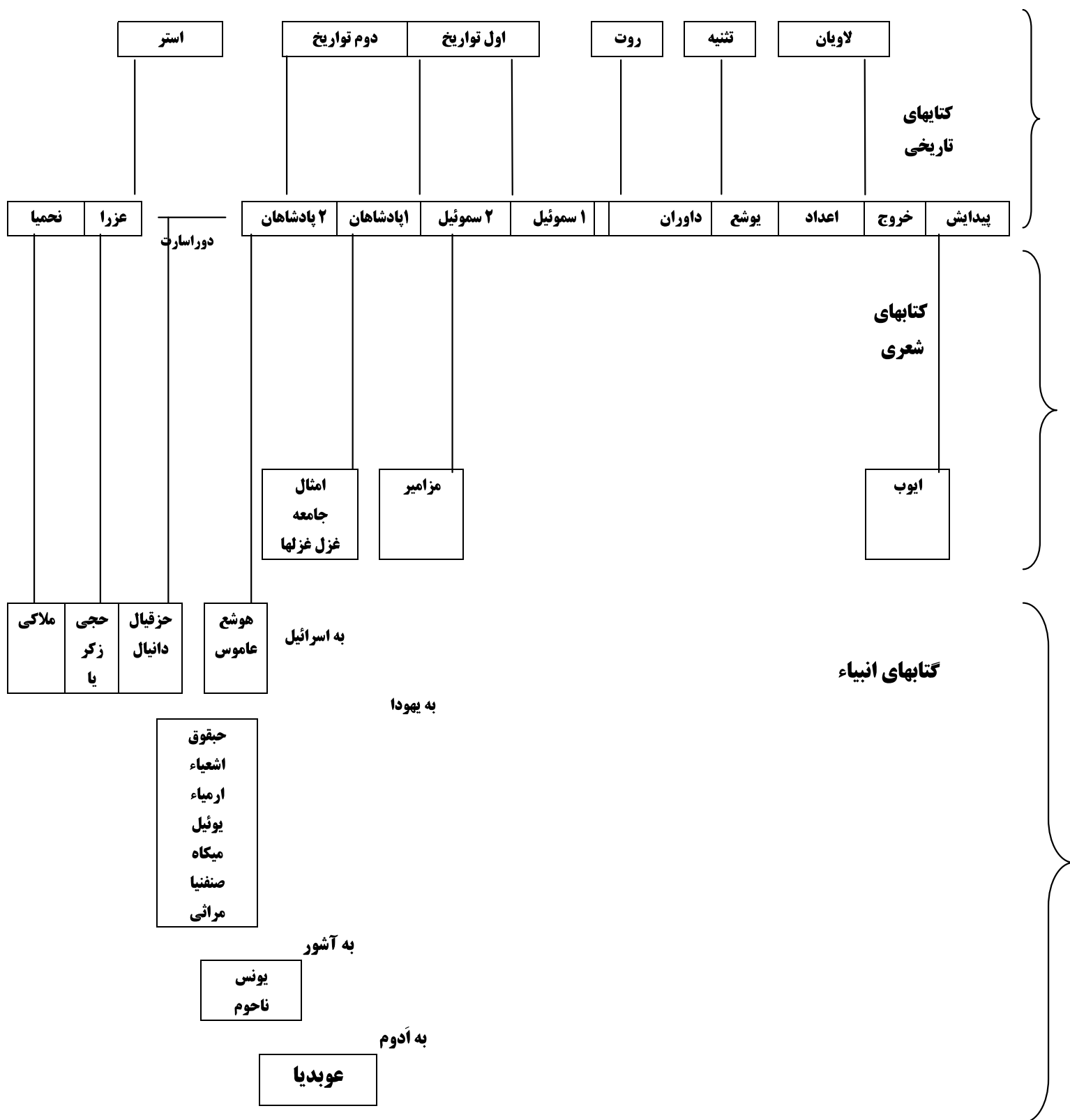
دروس اصلی روحانی _ هر كتاب از كتاب مقدس، حاوی درس های متعدد روحانی می باشد. از میان آنها چند درس روحانی انتخاب شده و بیان می گردد. موضوع این دروس اکثراً "طوری انتخاب شده اند که نشان دهند از کل این کتاب چه دوس روحانی و عملی جامعی می توان گرفت.

این درس ها را به دقت بخوانید و بگذارید بر قلب و زندگی و عملکرد شما تاثیر بگذارد. این دروس بر اساس مکاشفات و تجربه های شخصی و همچنین تجربیات خدمتی در کلیسای ایرانیان نوشته شده اند. در نتیجه مسایل فرهنگی ما ایرانیان و روش خدمتی بین ایرانیان در آنها در نظر گرفته شده است. بنابراین این دروس کمک می کنند تا نه تنها خواننده در شخصیت و زندگی روحانی خود پیش رود، بلکه او را آماده می کند تا خادم مؤثرتری در بین ایرانیان باشد.

بعضی از درسهای روحانی به خواننده می آموزد که در کلیساهای خانگی چگونه خدمت نماید. لازم به تذکر است که در این درس ها وقتی از کلمه «**شباهنگ**» استفاده می شود، مقصود همان گروه ها یا کلیساهای خانگی می باشند. کلیساهای خانگی در کلیسای ایرانیان سن حوزه، «شباهنگ» نامگذاری شده است که به معنی «ستاره درخشنده صبح» و لقب عیسای مسیح در کتاب مکاشفه می باشد.

سوالات برای مرور درس _ این سوالات دو هدف دارند : کمک برای مرور درس تا خود دانشجو بداند که آیا در واقع این درس را یاد گرفته است یا خیر. همچنین این سوالات، دانشجو را برای امتحان جلسه بعدی حاضر می کند. سوالات آن امتحان بر اساس همین سوالات مطرح می شود. سوالات در مورد هر کتاب حداقل شامل سه مورد زیر می شود (گرچه به آن محدود نمی گردد) : «کلمه کلیدی آن کتاب چیست؟» ، «بخش های اصلی آن کتاب کدامند؟» و «دروس اصلی روحانی آن کتاب چه می باشند؟» در امتحان نهایی، کلاس، کلمه کلیدی و بخش های اصلی هر کتاب پرسیده خواهد شد.

ترتیب زمانی کتب عهد عتیق



ترتیب زمانی خدمت انبیاء و وقایع تاریخی

تاریخ (قبل از میلاد)	انبیاء بزرگ	انبیاء کوچک	محل خدمت	وقایع تاریخی
۹۳۱				جدا شدن سلطنت جنوبی و شمالی
۸۷۰			اسرائیل	خدمت ایلیا
۸۵۰			اسرائیل	خدمت الیشع
۸۴۰		عوبدیا	یهودا	
۸۳۵		یوئیل	یهودا	
۷۶۰		یونسی	آشور	
۷۵۵		عاموسی	اسرائیل (اما از یهودا)	
۷۵۰	اشعیا		یهودا	
۷۴۰		هوشع	اسرائیل	
۷۳۰		میکاه	یهودا	
۷۲۲				به اسارت رفتن اسرائیل
۶۶۰		ناحوم	آشور	
۶۲۵		صفنیا	یهودا	
۶۰۷		حبقوق	یهودا	
۵۸۶				خرابی اورشلیم و اسارت یهودا
۵۸۵	ارمیا		یهودا	
۵۶۵	حزقیال		بابل	
۵۳۰	دانیال		بابل	
۵۲۰		حجی	یهودا	
۵۱۵		زکریا	یهودا	
۴۳۰		ملاکی	یهودا	

ایوب

نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده و تاریخ نگارش این کتاب نامعلوم می باشد. کتاب تلمود نگارش آنرا به موسی نسبت می دهد. اگر موسی نویسنده آن باشد، در این صورت تاریخ نگارش حدود ۱۴۵۰ سال قبل از میلاد می باشد. اما تاریخ اتفاقات این کتاب حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد و همزمان با ابراهیم می باشد. معلوم نیست که آیا کلمه «ایوب» ریشه عبری دارد یا عربی. در هر صورت، کلمه «ایوب» به عبری به معنی «جفا دیده» و به عربی به معنی «توبه کرده» می باشد.

کتاب های شعری

ایوب اولین کتاب از ۵ کتاب شعری (شامل ایوب، مزامیر، امثال، جامعه و غزل غزل ها) می باشد. این کتاب ها تاریخ را بیان نمی کنند بلکه درسهایی در مورد شناخت خدا و زندگی ایمانی را در قالب شعر بیان می کنند. بیشتر از یک سوم عهد عتیق به صورت شعر نوشته شده است. اکثر کتاب های عهد عتیق، قسمتهایی دارد که به صورت شعر می باشد. برای ما ایرانی ها که اکثراً از شعر لذت می بریم، جالب است که بدانیم خداوند ما نیز شعر را دوست دارد. خداوند خود خالق زیبایی ها می باشد پس تعجبی ندارد که او بخواهد با شعر با بشر صحبت نماید. شعر دو مزیت دارد :

۱) شعر زبان قلب و روح می باشد. مسایلی که با شعر بیان می شوند، بلافاصله با قلب و روح ما صحبت می کنند.

۲) حفظ کردن شعر راحت تر است. انسان معمولاً شعر را راحت تر حفظ می نماید تا نثر را.

البته سبک شعر کتاب مقدس، سبک یهودی می باشد و با سبک شعر فارسی فرق می کند. شعر فارسی بر اساس وزن و قافیه می باشد اما سبک یهودی، بجای توازن در وزن و قافیه، در فکر و معنی متوازن است. در این سبک شعر، تشبیه و استعاره بسیار بکار برده می شود. بجای تکرار وزن و قافیه، در این نوع شعر، معانی در بیت های مختلف و طرق مختلف تکرار می شوند.

زمینه و موضوعات اصلی

کتاب ایوب، داستان مردی خداپرست است که همه چیز از قبیل مال، خانواده و سلامتی خود را از دست می دهد و با این سوال روبرو می شود که «چرا این بلاها سر من آمده است؟». البته این سوال مهمی است چرا که برای هر شخص که در سختی و رنج بسیار قرار می گیرد، پیش می آید. در تمام اعصار، انسان با این سوال روبرو شده است

که: «اگر خدا محبت است و قادر مطلق است پس چرا انسان های سختی می کشند؟ پس یا محبت نیست و یا قادر مطلق نیست.»

در بیشتر این کتاب، ایوب همراه با دوستانش سعی در جواب دادن این سوال دارند. سه دوستش با سه نظر متفاوت و از سه جنبه، این مساله را بررسی می کنند. اما هیچکدام جواب درست به این سوال نمی دهند (گرچه دوست چهارم، الیهو تا حدودی راهنمایی درست می کند). بعد از مباحثات بسیار با دوستانش که به نتیجه هم نمی رسد، ایوب با خدا ملاقات کرده و خود خدا جواب او را می دهد. جواب آخر خدا این است که او حاکم مطلق می باشد و باید در هر حال و در هر موقعیت به او اعتماد کرد و او را پرستید. در آخر، خدا ایوب را بیشتر از اول برکت می دهد.

کلمات کلیدی: حاکم مطلق

این کتاب نشان می دهد خدا حاکم مطلق است. ایوب اصولا خدا را به نام «إل شادی» (قادر مطلق) می شناسد و ۳۰ بار این کلمه را بکار می برد.

آیات کلیدی: ۱۳: ۱۵ و ۳۷: ۲۳-۲۴

۱۳: ۱۵ ... «اگرچه مرا بکشد، برای او انتظار خواهم کشید. لیکن راه خود را بحضور او ثابت خواهم ساخت.»

۳۷: ۲۳-۲۴ ... «قادر مطلق را ادراک می توانیم کرد. او در قوت و راستی عظیم است و در عدالت کبیر که بی انصافی نخواهد کرد. لهذا مردمان از او می ترسند. اما او بر جمیع داندلان نمی نگرد.»

فصل کلیدی: فصل ۴۲

در این فصل آخر کتاب، ایوب با جلال و قدرت مطلق خدا روبرو شده و توبه کرده و دیگر از او طلب نمی کند که حتما «چرای» اتفاقات را برای او توضیح دهد.

بررسی

کتاب ایوب به سه بخش اصلی تقسیم می شود.

(۱) مشکل ایوب (فصل ۱ تا ۲) _ ایوب مردی کامل و راست و خداترس است. اما شیطان که «مدعی» می باشد، او را متهم می کند که بخاطر برکات است که او خدا را خدمت می کند. با اجازه خدا، شیطان بلاهایی را به زندگی ایوب وارد می کند. اما ایوب به دهان خود، خدا را رد نکرده و گناه نمی کند.

(۲) مباحثات ایوب (فصل های ۳ تا ۳۷) _ دوستان ایوب برای تسلی به نزدش می آیند و بعد از یک هفته همدردی در سکوت، سخن گفته و با او به بحث می پردازند. ایوب با دوستانش (الیفاز، بیلداد و زوفر)، سه

دوره مباحثه دارد. هر بار، ایوب به طور مفصل از خود دفاع می کند و در نتیجه در گناه «خود را عادل دانستن» می افتد. شکایت او سه قسمت دارد :

۱. خدا مرا نمی شنود (۱۳ : ۲۴ و ۱۹ : ۷ و ۲۳ : ۳ _ ۵ و ۳۰ : ۲۰).

۲. خدا دارد مرا تنبیه می کند (۶ : ۴ و ۷ : ۲۰ و ۹ : ۱۷).

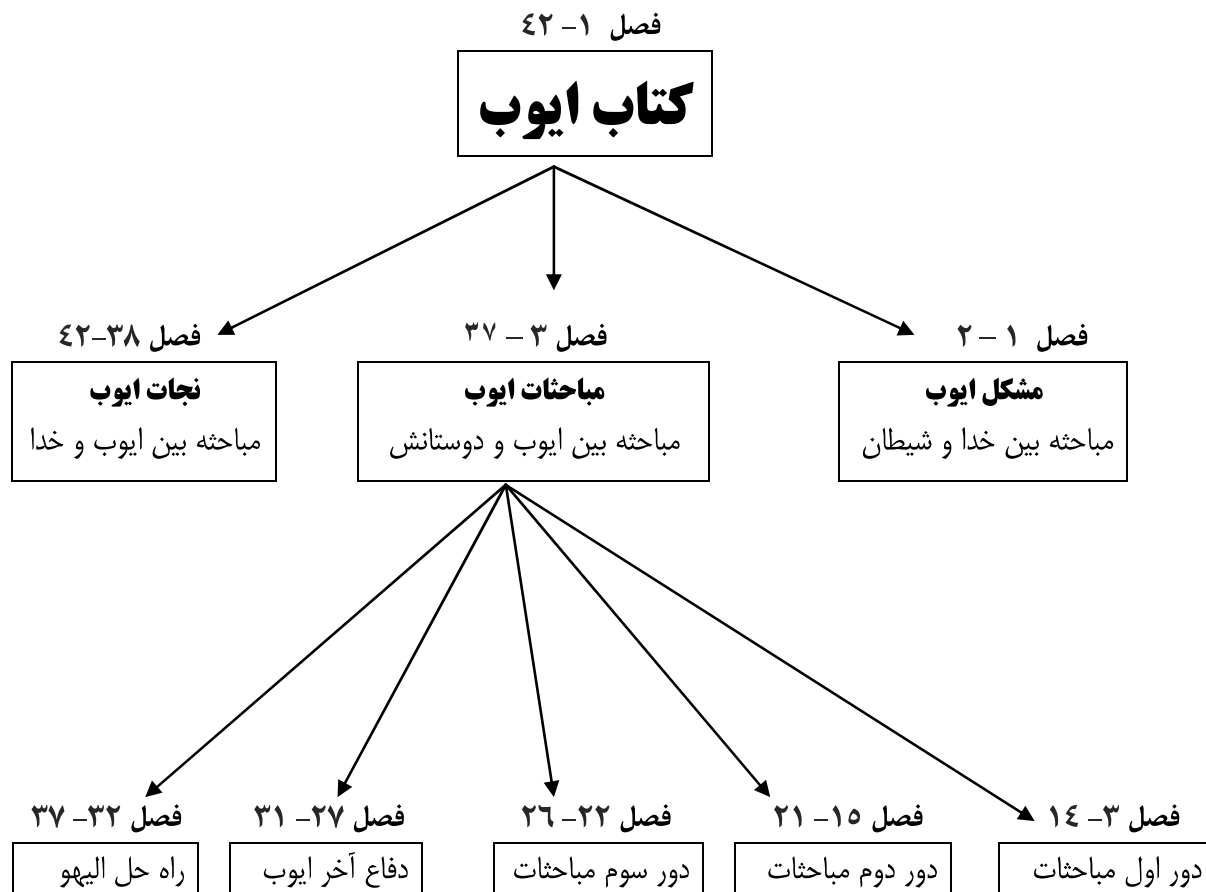
۳. خدا می گذارد شریر کامیاب شود (۲۱ : ۷).

در آخر، بعد از ۵ فصل که فقط ایوب صحبت می کند (۲۷_۳۱)، دوستش الیهو نظری را مطرح می کند که از نظرات آن سه دوست دیگر درست تر و مفیدتر است (۳۲_۳۷). او می گوید که ایوب خود را از خدا عادلتر می داند پس باید در مقابل خدا فروتن شود تا خدا زندگی او را از طریق این سختی پاک کند. نظرات این دوستان را می توان در جدول زیر خلاصه کرد :

الیفاز	بلد	صوفر	الیهو
نقطه نظر	فلسفی	تاریخی و قانونی	الهی و منطقی
تکیه بر	مشاهده و تجربه	سنت	تعلیم و تربیت
شخصیت	با ملاحظه	اهل بحث	عمیق اما کمی مغرور
نکته اصلی	اگر گناه کنی سختی می کشی	حتما داری گناه می کنی	خدا پاک کرده و تعلیم می دهد
دید نسبت به خدا	عادل و پاداش دهنده شریر و عادل	قاضی	معلم و تأدیب کننده
آیات اصلی	۴ : ۸ و ۵ : ۷	۸ : ۸	۲۲ : ۳۷
معنی اسم	خدا قسمت می دهد	پسر مجادله	او خدای من است

۳) نجات ایوب (فصل ۳۸ تا ۴۲) _ خدا از میان گردباد سخن گفته و در پیغام اول خود، قوت و حکمت خود را به عنوان خالق توضیح می دهد. ایوب جوابی ندارد بدهد جز اینکه اعتراف کند که حقیر و نادان است (۴۰ : ۳ _ ۵).

سپس خدا در پیغام دومش، قدرت و حاکمیت خود را بیان می کند. در جواب، ایوب به اشتباه و گناه خود اقرار می کند (۴۲ : ۱ _ ۶). خدا به ایوب می فهماند که اگر او مسایل طبیعی را نمی تواند درک کند، چگونه می تواند مسایل روحانی را درک کند؟ خدا سه دوست ایوب را توبیخ می کند (اما الیهو را محکوم نمی کند). ایوب دوستانش را بخشیده و برای آنها دعا می کند. در آخر، خداوند ایوب را دوچندان از آنچه اول داشت برکت می دهد.



مکاشفه عیسای مسیح

ولی _ ایوب به نجات دهنده (عیسای مسیح) ایمان دارد و می داند که «در ایام آخر بر زمین خواهد برخاست» و ایوب او را به چشم خواهد دید (۱۹ : ۲۵_۲۷).

مکاشفه روح القدس

روح حکمت _ الیهو بیان می کند که در انسان حکمتی نیست ولی روح القدس («نَفَسِ قَادِرِ مَطْلُق») به انسان حکمت و فطانت می بخشد (۳۲ : ۸).

نقش در آفرینش _ الیهو می گوید روح خدا در آفرینش انسان دست داشته است (۳۳ : ۴).

روح حیات _ باز الیهو بیان می کند که روح القدس روح حیات و زندگی می باشد (۳۳ : ۴) بطوریکه اگر خدا روح خود را از بشر باز گیرد، «تمامی بشر باهم هلاک می شوند» (۳۴ : ۱۴ _ ۱۵).

دروس اصلی روحانی

۱- داشتن خدا در زندگی تنها چیزی است که لازم و کافی است.

ایوب همه چیز داشت (ثروت، خانواده خوب، سلامت، ...) و فکر می کرد به همه آنها در زندگی احتیاج دارد. اما وقتی همه چیز را از دست داد، آن موقع بود که به این حقیقت پی برد که در واقع به هیچ کس و هیچ چیز (نه فرزندان، نه مال، نه سلامتی، نه همسر و نه دوستان) جز خدا احتیاج ندارد.

ما نیز فکر می کنیم به بسیاری از چیزها در زندگی احتیاج داریم و مرتب در ترس از دست دادن آنها زندگی می کنیم. فکر از دست دادن ثروت، سلامتی، نزدیکان، کار، دوستان، ... آرامش را از ما می گیرد. اگر متوجه باشیم که در زندگی فقط به یک چیز احتیاج داریم که خود خدا می باشد، از بسیاری از ترس ها و نگرانی ها آزاد شده و در آرامش، از آنچه که داریم بیشتر لذت برده و قدر آن را بیشتر می دانیم.

گاهی وقتی آنها را از دست می دهیم، آن موقع است که متوجه می شویم احتیاج واقعی ما خود خدا می باشد. هرآنچه دارید خوب است و باید خدا را برای آنها شکر کنید اما آیا متوجه هستید که احتیاج واقعی شما خود خداست؟ پس با شادی و آزادی زندگی نمایید.

۲- خدا نیکوست و باید در هر حال به او اعتماد کرد.

خدا قادر مطلق، عالم کل و نیکوست. اما راههای او گاهی برای ما انسان های خاکی و محدود، قابل درک و فهم نیستند. اشتباه اکثر انسانها این است که در سختی ها، خدا را دشمن می بینند تا دوست. بجای اعتماد به او و دویدن به سوی او، از خدا دلخور شده و از او قهر کرده و دور می شوند.

خدا شبان نیکوی ماست (یوحنا ۱۰). پس در این شرایط باید برخلاف آنچه احساسات ما به ما می گوید، به خدا اعتماد کرده و به او بگوییم: «خداوندا درک نمی کنم که چرا این اتفاق دردناک باید برای من می افتاد. اما به نیکویی تو ایمان دارم و می دانم همه چیز در نهایت تحت کنترل تو است. پس به تو اعتماد کرده و در این شرایط سخت به تو نزدیک تر می شوم چون بیشتر به حضور پر محبت و فیض بخش تو احتیاج دارم.»

۳- سختی همیشه نتیجه مستقیم گناه نیست.

گرچه گناه عواقب خود را دارد و معمولاً به درد و رنج و سختی می انجامد. اما نه اینکه هر که در سختی می افتد لزوماً بخاطر گناهش بوده است. این فکر انسانی و اسلامی که در ایران بما آموخته اند را باید کنار بگذاریم که تا کسی را می بینیم که به ظاهر موفق است و سختی ندارد می گوییم: «خدا خیلی دوستش دارد.» و وقتی کسی را در سختی ببینیم می گوییم: «خدا از او ناراحت است و دارد تنبیه اش می کند.» یا اینکه در سختی ها از خدا بپرسیم: «خداوندا مگر من چه کرده ام که مستحق این باشم.»

خداوند اجازه نمی دهد سختی به زندگی فرزندش آید تا او را تنبیه کند و از او انتقام بگیرد، بلکه تا او را تعلیم دهد، پاک کند و بسازد. فراموش نکنید، خدا فرزندش را تنبیه نمی کند بلکه تادیب می کند. تنبیه نظر به گذشته دارد تا توان بگیرد و جریمه کند اما تادیب نظر به آینده دارد و برای بنای شخصیت و تغییر رفتار و گفتار می باشد.

۴- کتاب مقدس کلام خداست و در آن هیچ اشتباه وجود ندارد.

تمام مطالب اشاره شده در کتاب مقدس درست می باشد. باستانشناسی ثابت کرده است که در کتاب مقدس هیچ اشتباه تاریخی و یا جغرافیایی وجود ندارد. بعلاوه گرچه کتاب مقدس، کتاب علمی نیست (نوشته نشده است تا علم را توضیح دهد) اما چون نویسنده آن خداست، هر موقع به مسایل علمی اشاره می کند، درست می گوید. مثلاً قرن‌ها قبل از آنکه گالیله کشف کند که زمین گرد است، ایوب ۲۲ : ۱۴ راجع به کروی بودن زمین صحبت می کند و در ۲۶ : ۷ بیان می کند که زمین در فضا معلق است.

۵- سختی ها و ملاقات با خدا باعث رشد و دگرگونی ما می شود.

تجربه سختی که ایوب داشت و ملاقاتی که با خدا داشت او را در ایمان بالغ تر و در شخصیت روحانی خود کامل تر کرد بطوری که ایوبی که در فصل آخر می بینیم با ایوب فصل اول بسیار متفاوت است. ایوب فصل اول، مردی است مذهبی که در مورد خدا اطلاع دارد و سعی در انجام دستورات او دارد. ایوب فصل آخر. شخصی است که خدا را از نزدیک می شناسد و با او ملاقات روبرو داشته است.

هر سختی می تواند برای ما تبدیل به برکت شود تا در آن خدا را بهتر بشناسیم و به او بیشتر اعتماد کنیم. هر سختی می تواند به ما کمک کند تا شخصیت ما بیشتر شبیه خدا شود. اما همه اینها به شرطی انجام می شود که با او ملاقات کنیم. سختی ها بهترین موقعیت برای ملاقات های روبرو با خداوند و دریافت مکاشفات جدید از او می باشند. امروز با چه سختی روبرو هستید؟ قدر این سختی را بدانید. از آن حداکثر استفاده را ببرید. با خدا ملاقات کرده و بگذارید این سختی برای روح و زندگی شما تبدیل به برکت شود.

۶- شیطان بدون اجازه خدا نمی تواند کاری بکند.

از کتاب ایوب در مورد شخصیت و محدوده کاری شیطان حقایقی را یاد می گیریم. از این کتاب می آموزیم که :

- ۱) شیطان مدعی و متهم کننده ایمانداران در مقابل خدا می باشد (این معنی تازه ای به کار مسیح به عنوان شفیع و وکیل مدافع ما می دهد _ اول یوحنا ۲ : ۱).
- ۲) شیطان به خدا جوابگو می باشد.
- ۳) خدا فکر شیطان را می خواند.
- ۴) شیطان همه چیز را نمی داند و در همه جا حاضر نیست.
- ۵) بدون اجازه خدا، شیطان نمی تواند کاری بکند.
- ۶) خدا حد و حدود کاری شیطان را تعیین می کند.

۷- برای شفای الهی باید ابتدا دیگران را بخشید.

در این کتاب می بینیم که گرچه خدا اجازه می دهد، ولی مریضی از جانب شیطان است (۲ : ۷). این حقیقت را نیز در این کتاب می بینیم که خدا شفا دهنده است.

یکی از موانع رایج شفای افراد، این است که نسبت به دیگران در قلب خود تلخی و دلخوری دارند. ایوب وقتی شفا پیدا کرد که دوستانش را بخشید. برای دریافت شفای الهی باید مثل ایوب ابتدا دیگران را بخشید (۴۲ : ۱۰). اگر

تقاضای شفا کرده اید و شفا نیافته اید و یا اگر برای شخصی دعا می کنید که شفا نمی یابد، شاید تلخی در قلب مانع دریافت شفا می باشد. خدا روحیه تلخ و نابخشودگی را تایید نمی نماید. ابتدا باید دیگران را از دل بخشید تا شفای الهی جاری شود.

سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی ایوب چه می باشد؟
- (۲) کتاب ایوب دارای سه قسمت اصلی می باشد آنها را نام برده و با یک جمله توضیح دهید.
- (۳) در کتاب ایوب، در مورد روح القدس به عنوان روح حیات چه گفته شده است؟
- (۴) عیسای مسیح در کتاب ایوب به چه عنوان معرفی شده است؟
- (۵) چرا خدا از شعر در کلامش استفاده کرده است؟ (دو دلیل را نام ببرید)
- (۶) چهار درس روحانی از کتاب ایوب را بیان کنید.
- (۷) سه شکایت ایوب از خدا چه می باشد؟
- (۸) در کتاب ایوب، به چه گناه او اشاره شده است؟
- (۹) جواب نهایی خدا به ایوب چه چیزی می باشد؟

مزامیر

نویسنده و تاریخ نگارش

کتاب مزامیر نویسنده های مختلف دارد. نصف مزامیر (۷۵ از ۱۵۰) بوسیله داود نوشته شده است. ۱۲ مزمور بوسیله آصاف، ۱۰ بوسیله پسران قورح، ۲ بوسیله سلیمان، ۱ بوسیله موسی، ۱ بوسیله هیمان، ۱ بوسیله ایتان نوشته شده است و نویسنده ۴۸ تای بقیه نیز نامعلوم می باشد. احتمالاً نویسنده بسیاری از آنها خود داود و عزرا می باشند.

زمینه و موضوعات اصلی

کتاب مزامیر بلند ترین کتاب در کتاب مقدس می باشد. این کتاب شعری شاید بیشتر از هر کتاب دیگر در کتاب مقدس خواننده دارد. نویسنده هایی مانند داود با تجربیات گوناگون تلخ و شیرین که در نقش شبان، موسیقیدان، سردار لشکر و پادشاه داشته اند، مسایل بسیاری را در مورد تجربیات بشر مطرح می کنند که برای هر انسان در هر قرن و زمانه ای قابل ملموس می باشد.

گرچه احساسات و تجربیات مختلف انسانی را در اشعار این کتاب می توان مشاهده نمود، اما در واقع می توان گفت که تم اصلی این کتاب، «عبادت» می باشد. در این عبادت، خصوصیات خدا و بخصوص وفاداری و محبت او در هر شرایط و موقعیت بیان شده است.

بیشتر مزامیر با سرود و آهنگ مخصوص خود خوانده می شدند. در نتیجه کتاب مزامیر به عنوان سرودنامه در معبد بکار برده می شده است. همچنین مزامیر در طی قرن ها، به عنوان «راهنمایی برای رازگهان» مورد استفاده هر ایماندار بوده و می باشد.

از کتاب مزامیر در بقیه کتاب مقدس بسیار نقل قول می شود. خود عیسای مسیح مرتب از آن استفاده می کرد. در موعظه سرکوه، در تعالیم مختلفش، در هنگام جواب به رهبران دینی، هنگام پاک کرده معبد و در شام آخر، عیسای مسیح از کتاب مزامیر نقل قول می کند.

کلمه کلیدی : عبادت

آیات کلیدی : ۱۹ : ۱۴ و ۱۴۵ : ۲۱

۱۹ : ۱۴ ... « آنگاه بی عیب و از گناه عظیم مبرا خواهم بود. سخنان زبانم و تفکر دلم منظور نظر تو باشد ای خداوند که صخره من و نجات دهنده من هستی.»

۱۴۵ : ۲۱ ... « دهان من تسبیح خداوند را خواهد گفت و همه بشر، نام قدوس او را متبارک بخوانند تا ابدالابد.»

فصل کلیدی : فصل ۱۰۰

در کتاب مزامیر فصل ها عالی متعددی وجود دارد و مشکل است که یکی از آنها را انتخاب کرد. مزامیر کلیدی عبارتند از : ۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۳۷ و ۷۲ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۱۹ و ۱۲۱ و ۱۵۰. اما دو موضوع پرستش و عبادت بطور ساده و زیبایی در مزمور ۱۰۰ بیان شده است.

مقدمه در مزامیر

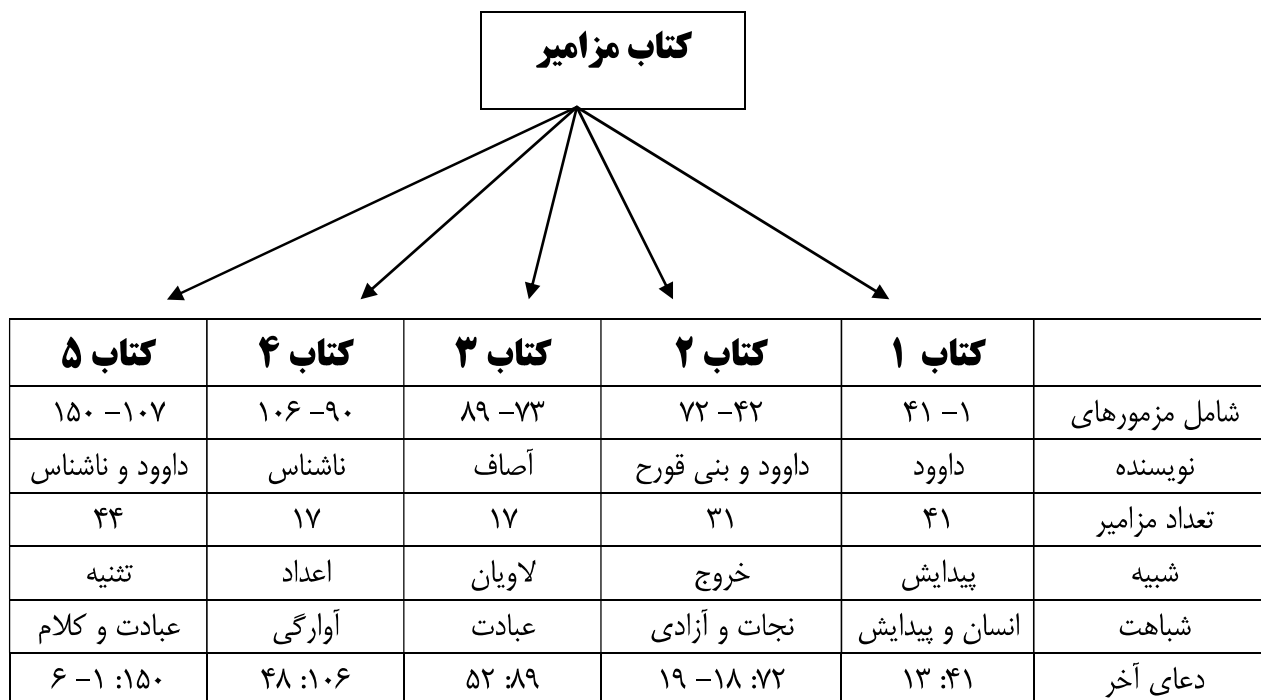
بسیاری از مزامیر شامل مقدمه می باشد. در بسیاری از این مقدمه ها، نویسندگان آن مزمور معرفی می شود (مثل مزمور ۲۳ و ۲۴ و ۲۵). در بعضی از مقدمه ها، توضیح داده می شود که نویسندگان آن مزمور هنگام نوشتن آن مزمور در چه شرایطی قرار داشته است (مثل مزمور ۵۷ و ۵۹ و ۶۰). دانستن این موضوع، به آن مزمور مفهوم خاصی می بخشد و کمک می کند معنی آن برای ما بهتر باز شود (مثل مزمور ۳ و ۳۴ و ۵۱). مقدمه بعضی از مزامیر خطاب به خوانندگان و نوازندگان گروه عبادتی در معبد نوشته شده است و به آنها راهنمایی می کند که آن سرود را به چه سبکی بخوانند. معادل آن در فرهنگ ایرانی این است که مشخص شود یک شعر را در چه دستگاهی باید خواند (مثل مزمور ۸ و ۹ و ۲۲). گاهی در مقدمه به گروه عبادتی می گوید که آنرا با چه سازهای زهی (ذوات اوتار) و یا سازهای بادی (ذوات نفخه) بنوازند (مثل مزمور ۵۵ و ۶۱ و ۶۷).

کلمات خاص در مزامیر

در مزامیر کلمات خاصی بکار برده شده است که هر کدام مفهوم خاصی دارند. کلمه «سلاه» که بسیار بکار برده می شود (اما خوانده نمی شود) به معنی «ایست» و یا «سکوت» است و علامتی است که به خوانندگان می گوید نخوانند و در مورد آنچه خوانده شده تفکر کنند. در عین حال به نوازندگان می گوید که در این قسمت، بین دو بند سرود، فقط موسیقی بنوازند. منظور از «سالار مغنیان»، رهبر ارکستر یا رهبر عبادتی می باشد. خود کلمه «مزمور» به معنی سرودی است که با سازهای زهی خوانده می شود. «مکتوم» به معنی «تصنیف» است (مثلا مزمور ۵۶ _ ۶۰). «درجات» سرودهایی بودند که هنگام رفتن به معبد در مراحل (درجات) مختلف عبادت و انجام مراسم خوانده می شدند.

بررسی

کتاب مزامیر در حقیقت ۵ کتاب می باشد که هر کدام از این ۵ کتاب با یک دعای آخر و آمین و هلولیاه تمام می شود. تم و موضوع کلی هر کدام از این کتاب شباهتی به تم و موضوع ۵ کتاب تورات دارد.



مکاشفه عیسیای مسیح

در مزامیر، ده ها پیشگویی در مورد آمدن مسیح ذکر شده است. بسیاری از این پیشگویی ها، مستقیم و واضح می باشد (مثل زمور ۲۲). بعضی از پیشگویی ها غیر مستقیم است به این صورت که در وهله اول در مورد داود و خاندان او می باشند اما در نهایت، بوسیله عیسیای مسیح کامل می شوند (مثل مزامیر ۲ و ۴۵ و ۷۲). بعضی از مزامیر راجع به آمدن اولیه عیسیای مسیح به عنوان نجات دهنده می باشد و بسیاری به بازگشت ثانوی او به عنوان داور و پادشاه اشاره می کند (مثل مزامیر ۹۶ _ ۹۹). در مقایسه با اناجیل، بعضی پیشگویی ها به شرح زیر می باشد.

عیسای مسیح در نقش پادشاه (آنطور که در متی معرفی شده است)

زمور ۲: مسیح به عنوان پادشاه ملل طرد می شود.

زمور ۱۸: مسیح نجات دهنده و محافظت کننده می باشد.

زمور ۲۰: مسیح نجات می دهد.

زمور ۲۱: خدا مسیح را جلال می دهد.

زمور ۲۴: مسیح پادشاه جلال می باشد.

زمور ۴۷: مسیح در ملکوت خود سلطنت می کند.

زمور ۱۱۰: مسیح پادشاه و کاهن است.

زمور ۱۳۲: مسیح بر تخت سلطنت می نشیند.

عیسای مسیح در نقش غلام (آنطور که در مرقس معرفی شده است)

مزمور ۱۷ : مسیح شفاعت می کند.

مزمور ۲۲ : مسیح نجات دهنده ای است که می میرد.

مزمور ۲۳ : مسیح شبان نیکو است.

مزمور ۴۰ : مسیح تا حد مرگ اطاعت می کند.

مزمور ۴۱ : دوست نزدیکی به مسیح خیانت می کند.

مزمور ۶۹ : بی دلیل، مسیح منفور همه است.

مزمور ۱۰۹ : مسیح آنهایی که او را طرد کرده اند را دوست دارد.

عیسای مسیح در نقش پسر انسان (آنطور که در لوقا معرفی شده است)

مزمور ۱۶ : رستاخیز مسیح وعده داده می شود.

مزمور ۴۰ : رستاخیز مسیح به انجام می رسد.

عیسای مسیح در نقش پسر خدا (آنطور که در یوحنا معرفی شده است)

مزمور ۱۹ : مسیح خالق جهان است.

مزمور ۱۰۲ : مسیح ابدی است.

مزمور ۱۱۸ : مسیح سنگ زاویه است.

در کتاب مزامیر ده ها پیشگویی دقیق در مورد مسیح وجود دارد. به عنوان نمونه :

مزمور	نبوت	انجام نبوت
۷:۲	خدا او را پسر خود می خواند	متی ۳: ۱۷
۶:۸	همه چیز زیر پاهای او خواهد بود	عبرانیان ۲: ۸
۱۰:۱۶	از مردگان بر خواهد خواست	مرقس ۱۶: ۶-۷
۱:۲۲	خدا او را بر روی صلیب ترک خواهد کرد	متی ۲۷: ۴۶
۸-۷:۲۲	او را مسخره خواهند کرد	لوقا ۲۳: ۳۵
۱۶:۲۲	دست ها و پاهای او سوراخ خواهند شد	یوحنا ۲: ۲۵ و ۲۷
۱۸:۲۲	برای لباس های او قرعه خواهند انداخت	متی ۲۷: ۳۵-۳۶
۲۰:۳۴	هیچکدام از استخوان های او شکسته نخواهد شد	یوحنا ۱۹: ۳۲-۳۳ و ۳۶
۱۱:۳۵	به او به دروغ تهمت خواهند زد	مرقس ۱۴: ۵۷
۱۹:۳۵	بدون دلیل از او نفرت خواهند داشت	یوحنا ۱۵: ۲۵
۸-۷:۴۰	می آید که اراده خدا را انجام دهد	عبرانیان ۱۰: ۷
۹:۴۱	بوسیله یک دوست به او خیانت می شود	لوقا ۲۲: ۴۷

تخت سلطنت او ابدی خواهد بود	عبرانیان ۱ : ۸	۶:۴۵
به دست راست خدا بالا برده خواهد شد	مرقس ۱۶ : ۱۹	۱۸:۶۸
غیرت خانه خدا او را در بر خواهد گرفت	یوحنا ۲ : ۱۷	۹:۶۹
به او سرکه و زردآب خواهند داد	متی ۲۷ : ۳۴	۲۱:۶۹
برای دشمنانش دعا خواهد کرد	لوقا ۲۳ : ۳۴	۴:۱۰۹
مقام خائن او به شخص دیگری سپرده می شود	اعمال ۱ : ۲۰	۸:۱۰۹
دشمنانش مطیع او خواهند شد	متی ۲۲ : ۴۴	۱:۱۱۰
او کاهنی مانند ملکی صدق خواهد بود	عبرانیان ۵ : ۶	۴:۱۱۰
او سنگ اصلی زاویه خواهد بود	متی ۲۱ : ۴۲	۲۲:۱۱۸
او در نام خداوند خواهد آمد	متی ۲۱ : ۹	۲۶:۱۱۸

مکاشفه روح القدس

روح عبادت _ روح القدس، روح عبادت می باشد. روح القدس است که هم از اعماق قلب انسان آگاه است و هم از اعماق قلب خدا و می تواند آنها را به یکدیگر وصل کند. داود این سرودها را تحت الهام روح القدس می سراید (دوم سموئیل ۲۳ : ۱ _ ۲).

روح آفرینش و حیات _ روح القدس در آفرینش نقش داشته است و هر جا که باشد، در آنجا حیات و تازگی می بخشد (۱۰۴ : ۳۰).

حضور او در همه جا _ روح القدس در همه جا حاضر است پس نمی توان از حضور او گریخت (۱۳۹ : ۷).
روح هدایت _ با هدایت روح القدس می توانیم همیشه در زمین هموار قدم برداریم تا لغزش نخوریم. (۱۴۳ : ۱۰)

روح توبه _ روح القدس شخص گناهکار را به توبه دعوت می کند. آنگاه توبه کار را تازه ساخته، آزاد می کند و شادی نجات را به او بر می گرداند (۵۱ : ۱۱ _ ۱۲).

دروس اصلی روحانی

۱ _ عبادت عکس العمل طبیعی شناخت خدا می باشد.

کتاب مزامیر کتاب عبادت می باشد. اما عبادت آن تو خالی و سطحی نمی باشد بلکه عمیق و حقیقی است. چرا؟ چونکه روش عبادتی در مزامیر این است که در هر امر، اول خدا معرفی و شناخته می شود و خصوصیات، شخصیت، قدرت و کارهای عظیم او بیان می شود. آنوقت است که چنین خدایی پرستش می شود. به عبارت دیگر، عبادت عکس العمل طبیعی هر انسان در مقابل شناخت چنین خدایی می باشد. پس برای داشتن عبادت عمیق و حقیقی، باید خود او را بطور عمیق و حقیقی شناخت.

برای آنکه عبادت شما عمیق تر، حقیقی تر و پر قدرت تر باشد، ابتدا شخصیت، خصوصیات و کارهای او را بیان نمایید و سپس او را بپرستید.

۲- در زندگی، هرچه شرایط مشکل تر و سختی ها بیشتر می شود، باید بیشتر در خداوند فرو رویم.

بسیاری از مزامیر در سخت ترین شرایط نویسنده نوشته شده اند (در خطر مرگ، بعد از از دست دادن فرزند، خیانت دوستان، خیانت فرزندان، ...) و نشان می دهد که خادم خدا در سختی ها به خدا باید نزدیک تر شود نه دورتر چرا که خداوند برای هر موقعیت کافی است.

عکس العمل شما در سختی ها چیست؟ از خدا دورتر می شوید یا نزدیک تر؟ آیا می توانید مانند داود در میان سختی ها سرود بسرایید و خدا را عبادت کنید؟ اگر در سختی هستید، بهترین موقعیت است که به حضور خدا رفته، در آغوش او فرو روید، از او تسلی و قدرت یابید و برای او سرودهای تازه بسرایید.

۳- برای رابطه عمیق و حقیقی با خداوند، باید با او کاملاً رو راست بود.

داود تمام قلب خود را جلوی خدا باز می کرد. در مزامیر می بینیم که او دل شکستگی ها، سرخوردگی ها، گناهان، غم ها، ترس ها، نگرانی ها، ناامیدی ها، شکایت ها، سوالات و حتی احساس خشم و نفرت خود را به حضور خدا می آورد. وقتی شائلول درمقابل محبت ها، گذشت ها و خدمات صادقانه او با او دشمنی می کرد، داود قلب خود را جلوی خدا باز می کرد و از خدا شفا می گرفت. برای همین بود که می توانست روحیه درست خود را در مقابل شائلول حفظ کند، با او با احترام رفتار و صحبت کند و حتی با داشتن موقعیت قتل شائلول، انتقامجویی نکند. شما با درد ها و شکستگی ها و شکایت ها و احساسات منفی خود چه می کنید؟ از انسان برای آنها شفا می جوید یا از خدا. متأسفانه بعضی از مسیحیان هر آنچه تلخی و خشم در دل دارند را بسیار براحتی در مقابل دیگران بیرون می ریزند اما وقتی به حضور خدا می روند ماسک زده و فقط حرف های قشنگ قشنگ می زنند و بعد برایشان سوال است که چرا عبادت آنها عمیق و حقیقی نیست. خدا می خواهد این موضوع برعکس باشد. او می خواهد ما قلب و احساسات منفی خود را رک و راست در مقابل او باز کنیم تا او آنها را شفا داده و عوض کند. آنگاه می توانیم در مقابل دیگران روحیه شیرین و مثبت داشته باشیم. آنگاه می توانیم قلب خود را در مقابل آنها نیز باز کنیم چون آنوقت دیگر در آن تلخی و خشم و نفرتی وجود نخواهد داشت.

۴- در پرستش باید آزادی داشت.

اکثر مواقع ما با یک نوع پرستش آشنا می شویم و به آن عادت می کنیم و فکر می کنیم تنها روش و راه پرستشی همان است که ما انجام می دهیم. در نتیجه اگر جلسه پرستشی از آن تجربه و دیدگاه ما خارج شود، نمی توانیم پرستش کنیم و حتی با آن نوع پرستش مخالفت می کنیم و آنرا « غیر روحانی » می نامیم. در حقیقت بدون آنکه خودمان خبر داشته باشیم برای خود سنتی را بنا کرده و هر آنچه مخالف آن سنت است را ناخودآگاه می کوبیم.

بعضی از مسیحیان با پرستش بسیار بلند و شاد عادت کرده اند که حتی در آن می رقصند. این نوع مسیحیان وقتی به کلیسایی می روند که پرستش آنها با سرودهای آرام می باشد، نمی توانند پرستش کنند و حتی گاهی آنها را قضاوت کرده و می گویند آنها روح القدس را ندارند. برعکس، بعضی مسیحیان به پرستش آرام عادت

کرده اند و وقتی به جایی می روند که افراد دست می زنند و یا دست های خود را بلند می کنند و یا می رقصند، قادر به عبادت نیستند. حتی گاهی آنها را قضاوت کرده و می گویند اینها روحانی نیستند بلکه احساساتی هستند. پس روحیه و برخورد درست چیست؟

در کتاب مزامیر می بینیم که پرستش ابعاد و شیوه های متنوعی دارد. همه جور ساز در آن دیده می شود. در بعضی جاها عبادتی ساکت و آرام و با روحیه دعا دیده می شود و در بعضی جاها سرودهای بلند و فریادها و صدای بلند انواع سازها و ابراز احساسات در مقابل خدا مشاهده می شود. در بعضی جاها زانو زدن و سر به خاک گذاشتن دیده می شود و در بعضی موارد دستور به رقص در عبادت داده می شود. یک عبادت کامل می تواند شامل همه اینها باشد. یک مسیحی باید بیاموزد که با همه آنها خدا را عبادت نماید.

آیا می توانید در انواع مختلف عبادت شرکت کنید و واقعا "به حضور خدا رفته و عبادت کنید؟ آیا می توانید در سکوت عبادت کنید؟ آیا می توانید در میان فریادهای شادی و سازهای بلند عبادت کنید؟ آیا می توانید به آزادی احساسات خود را به خدا ابراز کنید یا فکر می کنید جای ابراز احساسات در مسابقات فوتبال است و در کلیسا باید آسته آمد و آسته رفت؟ آیا می توانید در حضور خدا برقصید و با رقص او را عبادت کنید؟ با کدامیک از این روش های عبادتی راحت نیستید، با تمرین یاد بگیرید که از آنها لذت برده و بعد تازه ای به عبادت خود بدهید. مثلاً "اگر با رقصیدن در عبادت آشنا نیستید، بهترین راه این است که ابتدا در خلوت خانه خود سرود پرستشی گذاشته و در حضور خدا با رقص او را پرستش نمایید.

سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی مزامیر چه می باشد؟
- (۲) کتاب مزامیر خود شامل چند کتاب می باشد. این کتاب ها چه شباهتی با کتابهای تورات دارند؟
- (۳) سه مکاشفه روح القدس را در کتاب مزامیر نام ببرید.
- (۴) چهار پیشگویی راجع به عیسای مسیح را در کتاب مزامیر بیان کنید (از جدول نبوت ها).
- (۵) کلمه «سلا» به چه معنی می باشد؟
- (۶) سه درس روحانی از کتاب مزامیر را بیان کنید.

امثال سلیمان

نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده اصلی امثال، سلیمان می باشد. اما تعدادی از آنرا پادشاه حزقیا جمع آوری کرده اند (امثال ۲۵ - ۲۹). «آکور» و «لموئیل» نیز هر کدام یک فصل از امثال را نوشته اند (۳۰ - ۳۱). سلیمان از خدا حکمت خواست (اول پادشاهان ۳: ۵ - ۹) و خدا به او حکمت داد (اول پادشاهان ۴: ۲۹ - ۳۱). طبق اول پادشاهان ۴: ۳۲، او بیشتر از ۳۰۰۰ مثل گفته است که از آن میان، ۸۰۰ تایی آن در کتاب امثال جمع آوری شده است. کتاب امثال کلا شامل ۹۰۰ مثل می باشد. سلیمان این مثل ها را در میانسال خود، قبل از آنکه به گناه و انحطاط روحانی و اخلاقی کشیده شود نوشته است. در نتیجه، تاریخ نگارش آن حدوداً ۳۹۰ قبل از میلاد می باشد.

زمینه و موضوعات اصلی

کتاب امثال عملی ترین کتاب عهد عتیق می باشد که حکمت زندگی را می آموزد. در این کتاب، هر حوزه زندگی انسان مورد بررسی و راهنمایی قرار می گیرد. گرچه خواندن هر مثل چند ثانیه بیشتر طول نمی کشد، ولی زندگی کردن آن یک عمر وقت می خواهد. «مثل» جمله کوتاهی است که حقیقتی عمیق را بیان می کند. کتاب مزامیر به ما یاد می دهد چگونه با خدا رابطه درست داشته باشیم و کتاب امثال به ما می آموزد که چگونه با انسان ها رابطه سالم داشته باشیم. کتاب مزامیر بیشتر رابطه عمودی با خدا را توضیح می دهد اما کتاب امثال بیشتر رابطه افقی با مردم را بیان می کند. کتاب مزامیر طرز زانو زدن و عبادت کردن را یاد می دهد، اما کتاب امثال طرز راه رفتن و زندگی کردن را آموزش می دهد. کتاب مزامیر بیشتر روی داشتن قلب درست کار می کند اما کتاب امثال بیشتر روی داشتن فکر درست تمرکز می نماید. بسیاری از مسیحیان، روزانه ۵ فصل از مزامیر و ۱ فصل از امثال می خوانند تا هم در قلب و هم در فکر خود رشد کنند. در نتیجه هر ماه یک بار کامل کتاب مزامیر (۱۵۰ فصل) و کتاب امثال (۳۱ فصل) را می خوانند.

«حکمت» یعنی مسایل و راه حل های آنرا از چشم خدا دیدن. «علم» فقط اطلاعات می باشد و به تنهایی مفید نمی باشد. اما حکمت مفید است زیرا به ما می آموزد که این علم را چگونه در زندگی عملاً استفاده کنیم. این کتاب بوسیله شعر و داستان و ضرب المثل، حکمت خدا را در مورد مسایلی چون روابط مان با خدا، با والدین، با فرزندان، با همسایگان و با دولت بیان می کند. حکمت این کتاب طوری است که کاربرد آن در همه اعصار و همه فرهنگ ها صادق می باشد. کتابی که ۳۰۰۰ هزار سال پیش نوشته شده است، جمله به جمله آن برای زندگی امروز بشر قابل استفاده می باشد. البته از کتابی که نویسنده اصلی آن روح القدس می باشد، کمتر از این نمی توان انتظار داشت.

کتاب امثال شباهت زیادی به کتاب «یعقوب» در عهد جدید دارد چراکه هردو راجع به حکمت عملی در زندگی صحبت می کنند. در عهد جدید بیشتر از ۱۴ بار از این کتاب نقل قول شده است. این کتاب و کتاب جامعه خطاب به «پسر من» نوشته شده اند که البته مقصود فقط پسر جسمانی نیست بلکه پسر روحانی نیز مورد نظر می باشد. در نتیجه این کتاب نه تنها در مورد تربیت فرزندان بلکه برای شاگردسازی درس های مهم و حیاتی دارد.

کلمه کلیدی : حکمت

آیات کلیدی : ۱ : ۵ و ۷ : ۳ : ۵ _ ۶

۱ : ۵ _ ۷ ... « تا مرد حکیم بشنود و علم را بیفزاید و مرد فهیم تدابیر را تحصیل نماید تا امثال و کنایات را بفهمند کلمات حکیمان و غوامض ایشان را. ترس یهوه آغاز علم است لیکن جاهلان حکمت و ادب را خوار می شمارند.»

۳ : ۵ _ ۶ ... « به تمامی دل خود بر خداوند توکل نما و بر عقل خود تکیه مکن. در همه راه های خود او را بشناس و او طریق هایت را راست خواهد گردانید.»

فصل کلیدی : فصل ۳۱

در این فصل، خصوصیات یک زن صالحه بیان می شود. در میان نوشته های قدیمی، این فصل منحصر به فرد است چرا که بر خلاف آنها زن را موجودی با ارزش، محترم و شریف معرفی می کند.

بررسی

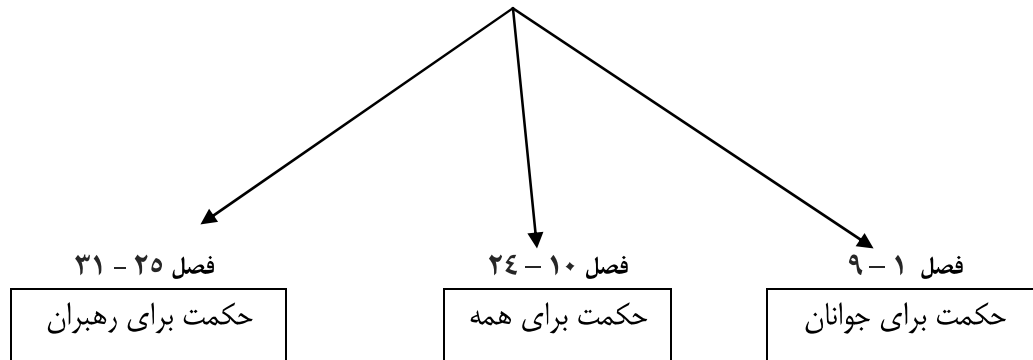
هدف این کتاب بطور واضح در ابتدای کتاب بیان شده است (۱ : ۲ _ ۴). کتاب امثال به سه بخش تقسیم می شود.

۱) حکمت برای جوانان (فصل ۱ تا ۹) _ در این بخش، نویسنده «پسر» خود را در ۱۰ نوبت تعلیم می دهد. او هر بار با «ای پسر من» شروع می کند. قلب پر محبت یک پدر را در این نصیحت ها می توان مشاهده نمود که می خواهد با انتقال حکمت به فرزند خود، او را از شکست ها، خرابی ها و دردهای ناشی از تصمیمات اشتباه در زندگی حفظ کرده و زندگی موفق را در خداوند برایش تضمین نماید.

۲) حکمت برای همه (فصل ۱۰ تا ۲۴) _ در این بخش، سلیمان حکمتی را بیان می کند که به درد همه از زن و مرد، پیر و جوان، فقیر و غنی می خورد. او می خواهد به همه روش زندگی درست را یاد بدهد.

۳) حکمت برای رهبران (فصل ۲۵ تا ۳۱) _ گرچه بسیاری از امثال در این بخش عمومی هستند و به درد همه می خورند، اما به طور خاص به درد کسانی می خورند که در موردی مسئولیت رهبری را به عهده دارند.

کتاب امثال



مکاشفه عیسای مسیح

حکمت _ در فصل ۸، حکمت به عنوان یک شخصیت معرفی می شود. این حکمت، در عیسای مسیح جسم پوشید که «در او تمامی خزاین حکمت و علم مخفی است» (کولسیان ۲ : ۳). عیسای مسیح از جانب خدا برای ما حکمت شده است (اول قرنیتیان ۱ : ۳۰) چون «مسیح قوت خدا و حکمت خدا است.» (اول قرنیتیان ۱ : ۲۲ _ ۲۴). در تمام این کتاب، می توان بجای کلمه «حکمت»، کلمه «مسیح» را گذاشت و خصوصیات مسیح را دید.

پسر خدا _ آیه ۳۰ : ۴، در مورد خدا و پسر او صحبت می کند.

مکاشفه روح القدس

روح حکمت _ روح القدس در ۱ : ۲۳، روح حکمت خوانده شده است.

دروس اصلی روحانی

۱ _ ترس یهوه آغاز علم است.

در ۱ : ۷ می بینیم که برای حکمت داشتن، قدم اول این است که با خدا رابطه درست داشته باشیم. حکمت، جدا از خدا، پوچ و مخرب می باشد. حکمت عالمان و دانایان دنیا که به حساب ما انسان ها قابل قبول و منطقی می آید، در مقابل حکمت خدا، حماقت محض است. چه بسا عالمان علم روانشناسی، جامعه شناسی، تربیت فرزندان، ... حکمتی را از خود بیان می کنند که در مقایسه با استاندارد های کلام خدا بسیار احمقانه می باشد و البته نتیجه آن حکمت را هم می بینیم که چیزی جز خرابی و فساد نیست.

منظور از ترس یهوه، حرمت و احترام گذاشتن به پاکی خدا، عدالت خدا، جلال و قدرت او می باشد. این ترسی است که از محبت ناشی می شود. ترسی است که یک فرزند دارد از اینکه ن کند دل پدرش را بشکند. ترسی است که یک ایماندار دارد که نکند پدر آسمانی خود را محزون سازد. این ترس آمیخته با محبت و احترام، باعث

می شود که از گناه دوری جسته و به دنبال پاکی و قدوسیت باشیم. این نوع ترس باعث می شود که از خدا و کلام او اطاعت کرده و با فروتنی در زندگی به او وابسته باشیم.

آیا همراه با محبت خدا، ترس خداوند نیز در شما می باشد؟ آیا این ترس آمیخته با احترام را نسبت به پدر آسمانی خود دارید که مواظب باشید در گفتار و رفتار تان گناه نورزید؟ بدانید که بدون چنین ترس سالمی، هرگز نخواهید توانست حکیمانه زندگی کنید. بدون چنین ترسی، اشتباهات احمقانه بسیار در زندگی خواهیم کرد که به خود و اطرافیانمان ضربه خواهیم زد.

۲ _ خادم خدا باید در رابطه با مردم حکیمانه رفتار کند.

برای روحانی بودن تنها کافی نیست رابطه درست با خدا داشته باشیم و در کلام و دعا و پرستش قوی باشیم. البته اینها لازم است. اما علاوه بر اینها، باید رابطه درست با دیگران داشته باشیم و در این دنیا حکیمانه زندگی کنیم. برای همین است که در کتاب مقدس هم کتاب «مزامیر» را داریم و هم کتاب «امثال» را.

در خدمت خود، چه بسیار خادمین ایرانی را دیده ام که از لحاظ رابطه با خدا قوی بوده اند اما به غلط فکر می کرده اند که روحانیت یعنی اینکه عقل و منطق و بخصوص حکمت را بوسیدن و کنار گذاشتن. در نتیجه این افراد اشتباهاتی آن چنان فاحش و بچگانه در تصمیم گیری های زندگی و خدمت خود کرده اند که حتی افراد غیر ایماندار از این ناپختگی یکه خورده اند. و متأسفانه نه تنها خودشان بلکه قوم خدا از این روش ها و تصمیمات آنها ضربه خورده اند.

بیایید همانطور که در روح قوی می شویم، در حکمت روحانی نیز قوی شویم. بطوریکه طرز فکر ما و تصمیم گیری های ما مطابق کلام خدا و فکر خدا باشد. بیایید کلام خدا را نه فقط به منظور داشتن رابطه قوی عمودی با خدا بخوانیم بلکه با این هدف نیز که حکمت زمینی کسب کنیم تا رابطه سالم با دیگران داشته باشیم و در زندگی و خدمت خود موفق شویم.

۳ _ خادم خدا می تواند احمق باشد و خودش خبر نداشته باشد.

کتاب امثال راجع به شخص احمق، بسیار صحبت می کند. البته منظور از کلمه «احمق» در کتاب امثال کسی نیست که از لحاظ مغزی کم دارد و ضریب هوشی او پایین می باشد، بلکه منظور **کسی است که از نظر خودش حکیم است و همه چیز را می داند** (۹ : ۷). چنین شخصی تعلیم پذیر و تصحیح پذیر نمی باشد. او خود را محتاج به هیچ چیز و هیچ کس نمی داند. اگر چنین شخصی را نصیحت کنید و یا تصحیح نمایید، دشمن شما می شود. چه بارها در خدمت قلب من عمیقاً به درد آمده است. چراکه بارها کسی که به شدت دوست داشته ام و برای خدمت او و آینده او دید و دلسوزی داشته ام را نصیحت و تصحیح کرده ام. اما او این نصیحت و تصحیح مرا نه دلیل بر اینکه او را دوست دارم دیده است بلکه دلیل محکمی که از او نفرت دارم و با او و خدمتش مخالفت دارم. در نتیجه دشمن و مخالف من شده است، آن رابطه سالم از بین رفته است و آن شخص هرگز به خواندگی خود نرسیده است.

شخص حکیم نه تنها تعلیم پذیر و تصحیح پذیر است، بلکه **تعلیم جو** و **تصحیح جو** می باشد. یعنی اینکه نه تنها از انتقاد دیگران ناراحت نمی شود و تازه آن را دلیل محبت واقعی آن شخص نسبت به خود می داند، بلکه کسی است که خود از دیگران می خواهد که ایرادهای او را بگیرند.

آیا شما تعلیم جو و تصحیح جو هستید؟ وقتی کسی از شما ایرادی می گیرد، آیا فکر می کنید که او دشمن شما است یا دوست شما؟ آیا از ته دل از او تشکر می کنید یا اینکه به دنبال این هستید که چگونه جوابش را بدهید و یا تلافی کنید؟ بیایید واقعا خود را چک کنیم که آیا به راستی حکیم هستیم یا اینکه خدای ناکرده احمقی هستیم که فکر می کنیم حکیم هستیم.

۴ _ خدا به زنان اهمیت داده و می خواهد آنها نمونه باشند.

در امثال و بخصوص در فصل ۳۱، راجع به یک زن خدا صحبت می کند. بعد از گذشتن حدود ۳۰۰۰ سال از نوشتن این مزمور، هنوز این مزمور تصویر زیبایی از یک زن خدا را می دهد که به فرهنگ و زمان و تاریخ بستگی ندارد. در این مزمور می بینیم که زن نمونه خدا،

- (۱) زنی است که اعتماد شوهرش را کسب کرده است (۱۱).
- (۲) زنی فعال و پرکار است که با روحیه درست و بدون غرغر کردن، فعالیت می کند او از وقت های خود استفاده کرده خانواده خود را خدمت می کند و برای آنها، منبع برکت می باشد (۱۲ _ ۱۵ و ۲۱).
- (۳) پول و اموال خانه را حیف و میل نکرده برعکس، همیشه فکر کرده و برنامه ریزی می کند که چگونه آنها افزون کند (۱۶ _ ۱۹ و ۲۴).
- (۴) نسبت به احتیاجات افراد جامعه اش حساس بوده و در آن مورد عمل می نماید (۲۰).
- (۵) آینده اندیش است و فقط برای امروز زندگی نمی کند (۲۱).
- (۶) به سر و وضع خود نیز می رسد و شلخته نمی باشد (۲۲).
- (۷) پشتیبان شوهرش می باشد و شوهرش را کوچک و بی آبرو نمی کند (۲۳).
- (۸) روحیه ای قوی، محترم و مثبت دارد (۲۵).
- (۹) حکیم است و صحبت های او حکیمانه و حساب شده می باشد (۲۶).
- (۱۰) چشم بصیرت برای خانواده خود دارد و رفتار و حالات شوهر و بچه هایش را زیر نظر دارد. نسبت به احتیاجات آنها حساس است و آنها را برآورده می کند (۲۷).
- (۱۱) مورد احترام و ستایش شوهر و بچه هایش و جامعه اش می باشد (۲۸ _ ۲۹ و ۳۱).
- (۱۲) ممکن است ظاهرا "زیبا باشد و یا نباشد ولی در هر حال، شخصیت زیبایی او طوری به چشم می خورد که در درجه اول شخصیت او مورد ستایش است نه زیبایی او (۳۰).

هر کدام از شما خواهران عزیز که ازدواج کرده اید، باید خود را با معیار بالا بسنجید. در کدام قسمت ها قوی و در چه مواردی ضعیف هستید؟ آنها را علامت زده و بطور جدی برای رفع آن ضعف و گناه در زندگی خود دعا کنید و بکوشید. با این کار، نه تنها باعث برکت خود و خانواده خود قرار می گیرید، بلکه مورد تحسین شوهر خود، آشنایان خود و از همه مهمتر، خداوند خود خواهید بود.

سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی امثال سلیمان چه می باشد؟
- (۲) کتاب امثال شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- (۳) کتاب امثال، شبیه چه کتابی در عهد جدید می باشد؟
- (۴) تعریف «حکمت»: چیست؟
- (۵) کتاب امثال چه فرقی با کتاب مزامیر دارد؟
- (۶) دو درس روحانی از کتاب امثال را بیان کنید.
- (۷) دو مکاشفه عیسای مسیح را در کتاب امثال بیان کنید.
- (۸) «ترس از خدا» در کتاب مقدس به چه معنی می باشد؟

جامعه

نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این کتاب سلیمان می باشد که آنرا در اواخر عمر خود بعد از آنکه مدتی در زندگی گناه آلود و دور از خدا به سر برده است نوشته است. تاریخ نگارش حدوداً ۹۳۵ قبل از میلاد می باشد.

زمینه و موضوعات اصلی

کلمه اصلی این کتاب، «بطالت» می باشد. این کتاب کوشش ها و جستجوی یک انسان را نشان می دهد که به دنبال خوشبختی و معنی زندگی، جدا از رابطه با خدا، می گردد. در این جستجو، برای او ثابت می شود که نه قدرت، نه احترام مردم، نه پول، نه لذات زندگی هیچکدام خلایق که در قلب انسان وجود دارد را پر نمی کند. زندگی بدون خدا، پوچ، باطل، بی معنی و به دنبال باد دویدن است.

کتاب امثال نشان می دهد که رابطه با خدا ابتدای هر چیز می باشد و کتاب جامعه اعلام می کند که انتهای هر چیز نیز رابطه با خدا می باشد.

در این کتاب خدا به عنوان «خدای خالق» و انسان به عنوان مخلوق معرفی شده است. در نتیجه فقط کلمه «الوهیم» برای خدا بکار برده شده است (۴۱ بار) و کلمه «یهوه» اصلاً بکار برده نشده است. کلمه «الوهیم» بیشتر جنبه «خدای خالق» را نشان می دهد و «یهوه» بیشتر جنبه خدای نجات دهنده و خدایی که می توان با او رابطه شخصی داشت را نشان می دهد.

کلمه «جامعه» به معنی «جماعت» می باشد و منظور این است که این کتاب موعظه و پیغامی است که به جماعت داده می شود.

کلمه کلیدی : بطالت

آیات کلیدی : ۱ : ۱۴ و ۱۲ : ۱۳ _ ۱۴

۱ : ۱۴ ... « و تمامی کارهایی را که زیر آسمان کرده می شود، دیدم که اینک همه آنها بطالت و در پی باد زحمت کشیدن است.»

۱۲ : ۱۳ _ ۱۴ ... « پس ختم امر را بشنویم. از خدا بترس و اوامر او را نگاه دار چونکه تمامی تکلیف انسان این است.»

فصل کلیدی : فصل ۱۲

در این فصل، بعد از آنکه نتیجه گیری می شود که همه چیز بطالت است، نویسنده به این نتیجه نهایی می رسد که فقط باید از خدا ترسید و اوامر او را اطاعت کرد.

بررسی

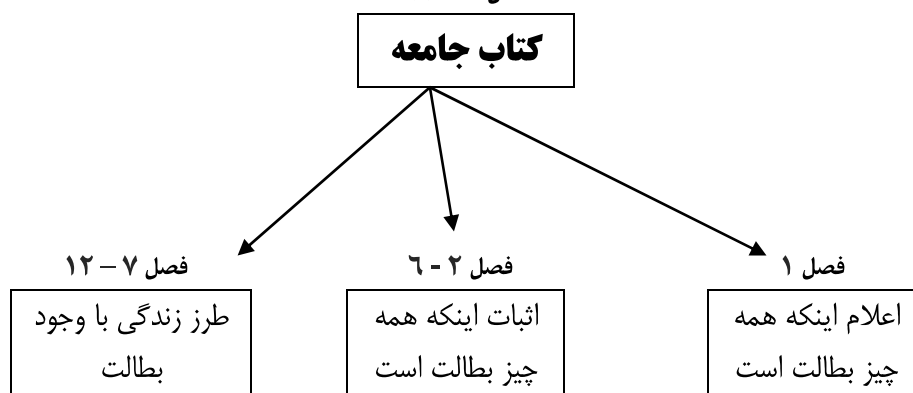
کتاب جامعه به سه بخش تقسیم می شود.

(۱) اعلام اینکه همه چیز بطلالت است (فصل ۱) _ از همان ابتدا، نویسنده تم خود را معرفی می کند که : زندگی و دنیا باطل اباطیل (یعنی بطلالت کامل)، همه چیز باطل است. سپس می گوید که این بطلالت را حتی می توان در طبیعت مشاهده نمود.

(۲) اثبات اینکه همه چیز بطلالت است (فصل ۱ تا ۶) _ نویسنده بطور مفصل نشان می دهد که همه چیز را به حد کامل امتحان کرده است و در عمل و با تجربه به این نتیجه نهایی رسیده است که همه چیز بطلالت است. او به دنبال علم رفته و دیده که آن بطلالت است (۱ : ۴ - ۱۱)، خواسته است تا با فلسفه، قلب خالی خود را پر کند و دیده است آن نیز بطلالت است (۱ : ۱۲ - ۱۸). لذات و خوشی های زندگی نیز چیزی جز بطلالت نیستند (۲ : ۱ - ۱۱). در کار غرق شدن نیز دردی را دوا نمی کند (۲ : ۱۷ - ۲۶). قدرت و شهرت، بطلالت است (۴ : ۱۳ - ۱۶). ثروت نیز بطلالت است چرا که هم فقیر و هم ثروتمند از زندگی راضی نیستند (۵ : ۸ - ۲۰).

(۳) طرز زندگی با وجود بطلالت (فصل ۷ تا ۱۲) _ یک سری حکمت زندگی تعلیم داده می شود و در آخر این نتیجه گرفته می شود که زندگی خوب و با معنی فقط در رابطه درست با خدا بدست می آید. عبارت «زیر آسمان» یا «زیر آفتاب» در این کتاب ۲۸ بار بکار برده شده است و نشان می دهد که زندگی در «زیر آسمان» هیچ مفهومی جز بطلالت ندارد. تنها چاره این است که بجای «زیر آسمان»، «در آسمان» زندگی کرد که هر برکت روحانی در مسیح در جایهای آسمانی به ما داده شده است (افسیان ۱ : ۳).

فصل ۱ - ۱۲



مکاشفه عیسای مسیح

شبان _ کتاب جامعه، زندگی تو خالی بدون رابطه با مسیح زنده را نشان می دهد. در ۱۲ : ۱۱ گفته می شود که سخنان حکمت آمیز از «یک شبان» می آید. این شبان عیسای مسیح است.

مکاشفه روح القدس

در این کتاب از روح القدس نام برده نشده است. در نتیجه در آیات آن می توان تهی بودن زندگی بدون حضور روح القدس را مشاهده نمود. در این کتاب، در نبودن روح القدس، روح مرگ را می توانیم حس کنیم. این باعث می شود که قدر روح حیات یعنی روح القدس را بدانیم که منبع محبت، خوشی و آرامش در ما می باشد.

دروس اصلی روحانی

۱ - خوشبختی خارج از رابطه با خداوند وجود ندارد.

گرچه بسیاری از ما مسیحیان به زبان می گوئیم که این حقیقت را می دانیم و باور داریم اما عملاً بسیاری مواقع فکر می کنیم با راه رفتن با خدا و زندگی در قدوسیت، داریم خود را از لذات دنیا محروم می کنیم و به اصطلاح دارد سر ما کلاه می رود. گاهی رابطه خود را با خدا دست کم می گیریم و فراموش می کنیم که زندگی این دنیا، بدون رابطه نزدیک و زنده با خدای پر محبت، چقدر پوچ و توخالی می باشد. آن پری که می توانیم در حضور خدا داشته باشیم را تجربه نمی کنیم. سر میز ضیافت او نمی رویم که خود را از چیزهای نیکو سیر کنیم. در نتیجه، برای آشغال های این دنیا له له می زنیم و فکر می کنیم می توانند روح ما را سیر کنند. اما واقعیت این است که چیزی جز پوچی و بطلالت در دنیای بدون خدا وجود ندارد.

مسیحی که لذت راه رفتن با خدا و زندگی در روح القدس را چشیده به هیچوجه نمی تواند با این دنیا خود را سیر کند. مسیحی که به دنیا بر می گردد، بدبخت تر است از کسی که در دنیا زندگی می کند و هرگز خوبی های خدا و لذت راه رفتن با روح القدس را نچشیده است. سلیمان بعد از سالها که با خداوند راه رفت، از او دور شد و خواست که خوشبختی و رضایت را در دنیا به دست آورد. او دست به هرکاری زد اما چیزی جز پوچی و افسردگی نصیب او نشد. در آخر عمر دوباره به این نتیجه رسید که مهم ترین چیز در زندگی، و آنچه که زندگی را معنی می بخشد، همانا رابطه با خداوند است.

این حماقت ما را می رساند اگر از حقایق این کتاب درس نگیریم و بخواهیم پافشاری کنیم که اشتباهات نویسنده این کتاب را خود شخصا تجربه کنیم. چراکه اگر به این صورت فکر کنیم و بخواهیم خوشی و رضایت را در این دنیا جدا از خدا به دست بیاوریم، ما هم مثل سلیمان سالهای عزیز زندگیمان را در به دنبال باد دویدن، بیهوده تلف می کنیم و آخرش هم افسرده و مایوس به پوچی دنیا پی می بریم. اما حتی اگر در آخر به خداوند باز گردیم، باز هم متأسفانه سال های عزیز زندگی ما تلف شده و دیگر برنمی گردند.

بیایید دنیای بدون خدا را آنطور که هست ببینیم: پوچ و خالی و باطل و بی معنی که چیزی جز درد و رنج نصیب ما نمی کند. به حال افراد دنیا غبطه نخوریم. فکر نکنیم آنها در گناهشان دارند «حال می کنند» و سر ما دارد کلاه می رود. این دروغ شیطان را رد کرده و بیشتر به خداوندمان بچسبیم و از حضور او و رابطه با او لذت ببریم. «به حضور تو کمال خوشی است و به دست راست تو لذت ها تا ابدالابد» (مزمور ۱۶: ۱۱).

۲- کلام خدا را باید در خود زمینه آن تفسیر کرد.

در خواندن و تفسیر کردن کتاب مقدس باید دقت کرد. برای تفسیر هر آیه، همیشه باید به زمینه آن آیه توجه نمود و در نظر گرفت که بقیه کتاب مقدس در مورد آن مطلب چه می گوید. مثلاً کتاب جامعه از نقطه نظر یک انسانی نوشته شده است که با خدا رابطه ندارد و طرز دید چنین شخصی را به دنیا نشان می دهد. در نتیجه نمی توان آیات این کتاب را خارج از متن در آورد و آنها را تفسیر غلط کرده و به عنوان حقایق الهی برای زندگی بکار برد. مثلاً آیات زیر را نمی توان در آورد و گفت این آیات در کلام خدا هستند پس حقایق الهی هستند چراکه این آیات از نقطه نظر خدا و یا یک شخص خداشناس نوشته نشده است بلکه از نقطه نظر شخصی که خدا را نمی شناسد و یا از خدا دور می باشد. به عنوان مثال :

۱ : ۱۵ _ « کج را راست نتوان کرد و ناقص را بشمار نتوان آورد.»

۲ : ۲۴ _ « برای انسان نیکو نیست که بخورد و بنوشد و جان خود را از مشقتش خوش سازد»

همچنین : ۳ : ۱۹ _ ۲۰ و ۷ : ۱۶ _ ۱۷ و ۸ : ۱۵ و ۹ : ۲ و ۹ : ۵ و ۱۰ : ۱۹ و ۱۱ : ۹

برای تفسیر درست کتاب مقدس، همواره باید آیات را در متن آنها تفسیر نمود. باید همواره هوشیار بود که گوینده آن آیه چه کسی است (مثلاً جملاتی که دوستان ایوب به او می گفتند عقیده آنها می باشد و لزوماً چون در کتاب مقدس آمده، عقیده خدا نمی باشد). پس فکر نکنیم که هر آیه از کلام خدا گفتار مستقیم خود خدا می باشد.

سوالات برای مرور درس

(۱) کلمه کلیدی جامعه چه می باشد؟

(۲) کتاب جامعه شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.

(۳) کلمه «الوهیم» و «یهوه» به چه معنی می باشند و چه فرقی با یکدیگر دارند؟

(۴) کتاب جامعه را سلیمان در چه مرحله از زندگیش نوشته است؟

(۵) دو درس روحانی از کتاب جامعه را بیان کنید.

(۶) نتیجه گیری نهایی این کتاب چه می باشد؟

غزل غزلها

نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده غزل غزلها، سلیمان می باشد که احتمالا آنرا در اوایل سلطنت خود در حدود سال ۹۶۵ قبل از میلاد نوشته است. اسم این کتاب از آیه ۱ : ۱ گرفته شده است.

زمینه و موضوعات اصلی

گرچه سلیمان زنان بسیار داشت، اما بیشتر آن ازدواج ها دلیل سیاسی داشت تا با اقوام همسایه خود رابطه نزدیک و دوستانه داشته باشد. گرچه با داشتن زنان بسیار، انتظار نمی رود که سلیمان معنی عشق واقعی و دادن تمامی قلب و احساسات و وجود خود به یک همسر را درک کرده باشد، اما این کتاب نشان می دهد که با الهام روح القدس، سلیمان معنی عشق واقعی را درک کرده بود. غزل غزلها، سرود عاشقانه ای است که با تشبیهات زیاد، خوشی ها و درد های یک رابطه عاشقانه را نشان می دهد. رابطه عاشقانه ای که در کتاب غزل غزلها بیان شده است را می توان در سه جهت تفسیر نمود :

(۱) نمونه یک عشق پاک و عمیق بین زن و شوهر _ خدا به وسیله این کتاب نمونه ای می دهد از یک عشق پاک و عمیق بین یک زن و شوهر. او می خواهد عشق در هر ازدواج به این صورت باشد

(۲) عشق مسیح به عروس خود _ خدا قوم خود را عروس خود می داند (هوشع ۲ : ۱۹ _ ۲۰ و افسسیان ۵ : ۲۲ _ ۲۳). قوم اسرائیل در عهد عتیق و کلیسا در عهد جدید عروس خداوند می باشند. این کتاب نشان می دهد که خدا چگونه کلیسای خود را به شدت دوست می دارد.

(۳) عشق مسیح به تک تک ما _ می دانیم کلیسا از تک تک ما تشکیل شده است پس این کتاب نشان می دهد که چگونه مسیح تک تک ما را به شدت دوست دارد. همین عشق و محبت او بود که باعث شد با رضایت و خوشحالی، جان خود را برای محبوب خود یعنی ما فدا کند.

این کتاب مانند داستانی رومانتیک است که در آن صحنه هایی از یک نمایشنامه عاشقانه بیان شده است. سه شخصیت اصلی در این کتاب وجود دارند : عروس، داماد و گروه کر (دختران اورشلیم) که دوستان عروس می باشند (فراموش نکنیم که این کتاب بصورت شعر نوشته شده است).

کلید درک درست این کتاب این است که باید متوجه بود در هر آیه چه کسی صحبت می کند : داماد، عروس یا دوستان؟ چراکه گاهی تشخیص اینکه چه کسی صحبت می کند مشکل می باشد و احتیاج به دقت خاص دارد.

بعضی تصاویر و تشابهاتی که در این کتاب بکار برده شده است، برای دنیای امروز ما کمی عجیب و حتی خنده دارد می باشد (مثلا : « مویهایت مثل گله بزهاست که بر جانب کوه جلعاد خوابیده اند » ۴ : ۱ یا « بینی تو مثل برج لبنان است » ۷ : ۴). برای تفسیر درست این آیات باید توجه داشت که این تشبیهات بر اساس شباهت

شکل و قیافه نیست بلکه بر اساس احساس زیبایی است که با دیدن آن صحنه ها پیش می آید. یعنی اینکه شخص به محبوب خود دارد می گوید : « با دیدن موی تو و یا بینی تو، همان احساس در من بوجود می آید. » نام خدا در این کتاب فقط یک بار (۸ : ۶) بکار برده شده است. یهودیان طبق سنت خود، این کتاب را در روز فصح قرائت می کردند یعنی روزی که خدا (داماد)، قوم خود (عروشن) را از اسارت آزاد نمود.

کلمه کلیدی : محبت

آیات کلیدی : ۷ : ۱۰ و ۸ : ۷

۷ : ۱۰ ... « من از آن محبوب خود هستم و اشتیاق وی بر من است »
۸ : ۷ ... « آبهای بسیار، محبت را خاموش نتواند کرد و سیل ها نتواند آنرا فرو نشانید. اگر کسی تمام اموال خانه خویش را برای محبت بدهد، آنرا البته خوار خواهند شمرد. »

فصل کلیدی : چون تمام کتاب به صورت یک واحد است، فصل کلیدی وجود ندارد.

بررسی

کتاب غزل غزل ها، رابطه دو عاشق را در چهار مرحله مختلف نشان می دهد.

(۱) عاشق شدن (فصل ۱ تا ۳) _ در این بخش، دو عاشق با هم آشنا شده و جذب یکدیگر می گردند. در نتیجه وارد مرحله نامزدی و شناخت بیشتر یکدیگر می شوند.

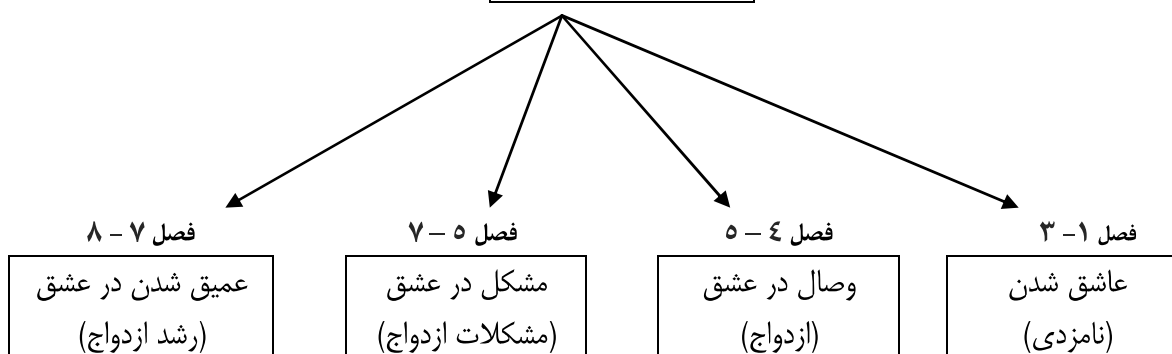
(۲) وصال در عشق (فصل ۳ تا ۵) _ در این بخش، داماد بوسیله تشبیهات مختلف، از سر تا پا از عروشن تعریف می کند. سپس در ۵ : ۱، ازدواج انجام می شود و عروس و داماد به وصال یکدیگر می رسند.

(۳) مشکل در عشق (فصل ۵ تا ۷) _ در این بخش، عروس خواب بدی را می بیند که داماد پشت در خانه او می آید ولی او دیر جواب می دهد و داماد می رود. عروس با ناراحتی، تمام شب را در اورشلیم به دنبال داماد می گردد.

(۴) عمیق شدن در عشق (فصل ۷ تا ۸) _ در این بخش، رابطه عروس و داماد، عمیق تر و عمیق تر می گردد.

این چهار مرحله را می توان در هر رابطه عاشقانه مشاهده نمود.

کتاب غزل غزلها



مکاشفه عیسای مسیح

داماد کلیسا _ در عهد عتیق، یهوه داماد و قوم او (اسرائیل) عروس می باشد (اشعیا ۵۴ : ۵_۶ و ارمیا ۲ : ۲ و حزقیال ۱۶ : ۸_۱۴ و هوشع ۲ : ۱۶_۲۰). در عهد جدید، عیسای مسیح داماد و قوم او (کلیسا) عروس می باشد (دوم قرن تا ۱۱ : ۲ و افسسیان ۵ : ۲۳_۲۵ و مکاشفه ۱۹ : ۷_۹ و مکاشفه ۲۱ : ۹). این خود دلیل دیگری بر الوهیت مسیح می باشد به این ترتیب که چون فقط یک داماد آسمانی وجود دارد پس نشان می دهد که مسیح در عهد جدید، همان یهوه در عهد عتیق می باشد.

مکاشفه روح القدس

روح محبت _ روح القدس روح محبت می باشد. اولین میوه روح القدس، محبت می باشد (غلاطیان ۵ : ۲۲). اوست که محبت خدای پدر را برای ما ملموس می کند (رومیان ۵ : ۵). به طور سمبلیک، در ۴ : ۱۶ از باد (روح القدس) خواسته می شود که به ازدواج وزیده شود. برای داشتن عشقی پاک ر رابطه ای زیبا در ازدواج باید باد روح القدس وزیده شود.

دروس اصلی روحانی

۱ _ محبت عاشقانه و رابطه زناشویی که در اراده خداست، زیبا و نیکوست.

امروزه برای بسیاری، رابطه زناشویی در حد ارضای خواسته جسمانی و شهوانی، بی ارزش و ملوث شده است و جنبه احساساتی و پاک آن از بین رفته است. متأسفانه حتی بسیاری از مسیحیان کلاً "رابطه زناشویی را نفسانی و غیر روحانی می بینند و حتی در زمینه ازدواج مسیحی نیز نمی توانند با دید سالم، زیبا و پاک به آن بنگرند. این کتاب نشان می دهد که خدایی که زن و مرد و نیاز رابطه احساسی عاشقانه و رابطه زناشویی را خلق کرده است، برای ارضای آن، راهی زیبا در ازدواج مسیحی فراهم کرده است. خدای ما خدای احساساتی و رومانیک می باشد و از نظر او رابطه عاشقانه و رابطه زناشویی بین زن و شوهر، نه تنها کثیف نیست بلکه می تواند بسیار زیبا و پاک باشد.

۲- رابطه سالم زناشویی باید بر اساس رابطه سالم احساسی و عاشقانه باشد.

این یک حقیقت است که در اکثر ازدواج ها، وقتی بین زن و شوهر، رابطه احساسی، عاطفی و عاشقانه وجود ندارد، این موضوع در رابطه زناشویی آنان تاثیر منفی گذاشته و اکثر مواقع کاملاً قطع می شود. رابطه زناشویی بدون رابطه احساسی و عاطفی، خارج از طرح خدا می باشد. این نوع رابطه نه تنها طرفین را ارضاء نمی کند بلکه حتی باعث درد و انزجار بیشتر (بخصوص از طرف زن) می گردد.

ریشه بسیاری از مشکلات زناشویی در این است که معمولاً مرد می خواهد بدون رابطه عاطفی، رابطه زناشویی داشته باشد و زن نیز می خواهد تا رابطه عاطفی برقرار نشده است، رابطه زناشویی نداشته باشد. این موضوع بین دو طرف تنش ایجاد می کند و هر دو را آزار داده و باعث دوری و حتی انزجار زن و شوهر از یکدیگر می گردد. پس برای داشتن رابطه سالم زناشویی، باید ابتدا روی رابطه احساسی و عاطفی کار کرد.

۳- در غزل غزل ها اصول ازدواج سالم و خوشبخت را می بینیم

از رابطه عاشقانه ای که در غزل غزل ها می بینیم، می توان درس های زیادی برای یک ازدواج سالم آموخت. این اصول به شرح زیر می باشند که ابتدا باید در زندگی شخصی ما (اگر ازدواج کرده ایم) پیاده شوید. همچنین وقتی زوجی برای مشورت پیش ما می آیند، می توان رابطه آنها را بر اساس مفاد زیر چک کرده و آنگاه راهنمایی درست کرد:

۱) زن و شوهر باید همسر خود را همانطور که هست بپذیرند و سعی در عوض کردن او به دلخواه خود نکنند. بسیاری از تنش ها و مشکلات زندگی زناشویی از این ناشی می شود که زن و شوهر به یکدیگر فشار می آورند تا یکدیگر را عوض کنند. در نتیجه یک طرف (یا هر دو طرف) احساس می کنند مورد محبت همسر خود نیستند و احساس طرد شدن می کنند. طرد شدن بوسیله همسر، بزرگترین عامل مشکلات و مریضی در ازدواج می باشد.

۲) زن و شوهر باید مرتب از یکدیگر تعریف کنند (۴ : ۱ - ۷). زن و مرد وقتی نامزد هستند، از یکدیگر بسیار تعریف می کنند که باعث دلبستگی آنها به یکدیگر می گردد. متأسفانه اکثراً "بعد از ازدواج، این تعریف ها متوقف شده و زن و شوهر بیشتر از یکدیگر انتقاد کرده و ایرادهای یکدیگر را می گیرند. تعریف کردن، قدرت بیشتری از انتقاد کردن برای عوض کردن شخص مقابل دارد.

۳) زن و شوهر باید مواظب مشکلات کوچک (شغاله های کوچک) در ازدواج خود باشند و آنها را هرچه زودتر گرفت وگرنه ازدواج (تاکستان) خراب می کنند (۲ : ۱۴ - ۱۵). پیش آمدن اختلافات و مشکلات، طبیعی است و بین هر دو زوج پیش می آید. اما نباید گذاشت که آنها حل نشده باقی بمانند. چه بسیار زن و شوهر مدتی با یکدیگر صحبت نمی کنند و بعد از مدتی که دل و زبان شان باز می شود، پرونده ای ضخیم از گذشته یکدیگر دارند که، همه یکباره مطرح می شوند.

مشکلات، هرچند کوچک باشند، اگر حل نشده بمانند، مخرب می باشند. برای یک ازدواج سالم و شیرین، زن و شوهر باید از ابتدای ازدواج بیاموزند که چگونه مسایل را در آرامش با یکدیگر مطرح کرده و حل نمایند.

(۴) زن و شوهر باید به یکدیگر تعهدی ابدی داشته باشند (۸ : ۶ _ ۷). این اطمینان و تعهد باید در قلب هر دو طرف باشد که هر چه که در ازدواج آنها پیش بیاید، با کمک خدا خواهند ایستاد و حل خواهند نمود چراکه طلاق و جدایی وجود ندارد. وقتی زن و شوهر مسیحی ازدواج می کنند، نه فقط به یکدیگر، بلکه به خدا قول می دهند تا به ابد با یکدیگر باشند (رابطه داماد آسمانی با کلیسایش نیز ابدی می باشد). این تعهد، به ازدواج ثبات می بخشد.

(۵) زن و شوهر باید وقت مرتب با یکدیگر داشته باشند تا رابطه آنها به یکدیگر عمیق تر شود (۷ : ۱۰ _ ۱۳). هر رابطه برای آنکه سالم بماند، احتیاج به وقت مشترک دارد. حتی اگر رابطه زن و شوهر خوب باشد اما مدتی با یکدیگر وقت نگذارند، دل آنها از یکدیگر دور می شود. همانطور که برای رابطه سالم و زنده با خدا، باید با او وقت گذاشت (رازگهان و دعا)، برای حفظ رابطه سالم در ازدواج نیز باید وقت گذاشت و از یکدیگر شنید.

(۶) زن و شوهر باید نسبت به یکدیگر حساس باشند و به «در زدن» های یکدیگر سریع پاسخ بدهند (۵ : ۲ _ ۶). زن و شوهر باید حالت های یکدیگر را بخوانند و نسبت به خواسته ها و نیازهای یکدیگر حساس باشند. وقتی شخص مقابل «در می زند»، در را زود باز نمایند.

۴ - عیسای مسیح ما را عاشقانه دوست می دارد.

اکثر ما با این تصویر از خدا بزرگ شده ایم که او خدایی است خشن و بی احساس. حتی بعد از ایمان به عیسای مسیح، گرچه می دانیم «خدا محبت است» و بخاطر محبتی که به ما داشت روی صلیب رفت، اما عمق احساسی محبت خدا را به خود درک نمی کنیم.

این کتاب، احساسات پاک و عاشقانه خدا را نسبت به جمع کلیسا و همینطور نسبت به فرد فرد ما ابراز می کند. هرچیز پاک و زیبا را خدا خلق کرده است و خود او مظهر پاکی و زیبایی می باشد. پس تعجبی ندارد که تمام احساسات عاشقانه و رومانتیک که در ما وجود دارد را خود خدا بطور کامل و پاک داشته باشد.

بله خدا نسبت به من و شما احساس پاک عاشقانه دارد. این حقیقت را باید بپذیرید، احساس کنید و از آن لذت ببرید. فقط وقتی می توانیم که ما هم خدا را عاشقانه دوست بداریم که بتوانیم احساسات عاشقانه او را نسبت به خود درک کرده، بپذیریم و تجربه نماییم.

۵- ما باید عیسای مسیح را عاشقانه دوست بداریم.

پس از درک محبت عاشقانه عیسای مسیح نسبت به ما، آنگاه ما هم باید عیسای مسیح را عاشقانه دوست بداریم. ما هم باید مثل او «مريض» عشق باشیم. ما هم باید در عبادت از او تعریف کرده و زیبایی های او را بستاییم. هر آنچه در کاربرد ۳ در بالا ذکر شده است در مورد رابطه ما با مسیح نیز صادق است.

آیا عیسای مسیح را عاشقانه دوست دارید؟ آیا این عشق را در دعا و عبادت به او ابراز می کنید؟ آیا صدای عاشقانه او را در دعا می شنوید که شما را می خواند؟ آیا رابطه شما با روح القدس آنقدر نزدیک هست که او محبت خدا را در قلب شما فرو ریزد (رومیان ۵ : ۵)؟ آیا هر روز سر قرار خود با محبوب خود حاضر هستید؟ در این رابطه عاشقانه با خدا است که شادی و سلامتی قلب و روح را تجربه می کنیم و دیگر گدای عشق دیگران نمی شویم.

سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی غزل غزل ها چه می باشد؟
- (۲) کتاب غزل غزل ها شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- (۳) کتاب غزل غزل ها را در کدام سه جهت می توان تفسیر نمود؟
- (۴) چهار اصل یک ازدواج سالم را از غزل غزل ها بیان کنید. (طبق درس ۳ از دروس اصلی روحانی)
- (۵) سه درس روحانی از کتاب غزل غزل ها را بیان کنید.

اشعیا

نویسنده و تاریخ نگارش

اشعیا که «پولس عهد عتیق» خوانده شده است، کتاب اشعیا را نوشته است. او در یک خانواده متشخص سلطنتی یهودی به دنیا آمد. تحصیلات عالی او در سبک نگارش و کلماتی که به کار می برد کاملاً مشهود است. او نه تنها نبی محکم و پرجراتی بود، بلکه شاعری با احساس و صادق نیز بود. او با پادشاه رابطه نزدیکی داشت و کارهای خلاف او را گوشزد می کرد. کتاب «تلمود» می گوید که او را بلاخره با اره از وسط دوپاره کردند و عبرانیان ۱۱ : ۳۷ احتمالاً اشاره به همین موضوع می کند.

خدمت اشعیا بین ۷۴۰ تا ۶۸۰ قبل از میلاد بوده است و این کتاب را نیز در همین سالها نوشته است.

کتب انبیاء

کتب انبیاء یک چهارم کتاب مقدس را تشکیل می دهند (۱۷ کتاب) و با کتاب اشعیا شروع می شود. کلمه «نبی»، کلمه عبری می باشد و به معنی کسی است که «**خوانده شده است تا پیغام خدا را اعلام کند**». پیغام یک نبی می تواند شامل یک یا هر سه مورد زیر باشد :

- ۱) یادآوری آنچه که خدا در کلام خود از قبل گفته است
 - ۲) اعلام اراده خدا برای شرایط فعلی و یا اخطار داوری خدا برای گناهان قوم
 - ۳) پیشگویی در مورد وقایعی که در آینده اتفاق خواهد افتاد.
- کتب انبیای عهد عتیق معمولاً در مورد ۴ واقعه تاریخی صحبت می کند :
- ۱) وقایع تاریخی همزمان با خدمت نبی
 - ۲) اسارت و بازگشتن قوم از اسارت
 - ۳) آمدن اولیه مسیح
 - ۴) بازگشت ثانوی مسیح.

البته گاهی این ۴ واقعه در فکر نبی در ترتیب خاصی نبوده و با هم مخلوط می شوند. همچنین نباید فراموش کرد که تمام کتاب مقدس (از جمله کتب انبیاء) برای ما پیغام های مسقّیم و غیر مستقیم دارد.

از ۱۷ کتاب انبیاء، ۱۲ تای آن قبل از اسارت، ۲ تای آن هنگام اسارت و ۳ تای آن بعد از اسارت نوشته شده اند. این ۱۷ کتاب به دو بخش کلی تقسیم می شود : کتب انبیای بزرگ (۵ کتاب) و کتب انبیای کوچک (۱۲ کتاب). کلمه «بزرگ» نه بخاطر اهمیت خاص این انبیاء بلکه بخاطر طول کتاب آنهاست که طولانی تر از کتاب های انبیای «کوچک» می باشد (البته به غیر از کتاب «مراثی ارمیا» که بلافاصله بعد از کتاب ارمیا آمده است).

باید یادآور شد که سموئیل اولین نبی به معنی واقعی کلمه بود و این عطیه و خدمت را او بود که پایه گذاری کرده و رواج داد. این انبیاء در چهارچوب خدمت سوئیل عمل می نمودند. آنها با جرات، پیغام خدا را بیان می نمودند.

حتی اگر این پیغام، تلخ، هشدار دهنده، توبیخ کننده و یا محکوم کننده بود و در میان قوم خریدار نداشت، آنها از بیان آنچه روح القدس به آنها سپرده بود، کوتاهی نمی کردند.

زمینه و موضوعات اصلی

کتاب اشعیا «کتاب مقدس کوچک» خوانده شده است زیرا شامل ۶۶ فصل می باشد که از آن ۳۹ فصل مانند عهد عتیق از شریعت و داوری صحبت می کند و ۲۷ فصل بعدی مانند عهد جدید، راجع به امید و آمدن مسیح می باشد.

در کتاب اشعیا آنقدر راجع به عیسای مسیح صحبت شده است که گاهی به آن «انجیل اشعیا» نیز گفته می شود. بخصوص در ۲۷ فصل آخر، پیشگویی های بسیاری راجع به آمدن مسیح به عنوان قربانی، نجات دهنده و پادشاه وجود دارد. این پیشگویی ها بسیار واضح و دقیق می باشند.

البته باید توجه داشت که این پیشگویی ها طوری با یکدیگر مخلوط شده اند که گاهی قسمت اول یک آیه راجع به آمدن مسیح و مرگ و نجات او صحبت می کند و قسمت دوم همان آیه راجع به آمدن او به عنوان پادشاه و داور می باشد (مثلا ۶۱ : ۱ - ۲). یهودیانی که این آیات را می خواندند، این دو واقعه را در یک آیه همزمان می دانستند و بنابراین تفسیر این آیات برای آنها بسیار مشکل می بود. آنها نمی توانستند درک کنند که چگونه ممکن است مسیح موعود در آن واحد هم پادشاه باشد و با قدرت برای داوری آید و هم نجات دهنده باشد که برای قربانی شدن بیاید. این نوع آیات، در بسیاری از کتب انبیای عهد عتیق وجود دارد.

برای توضیح مشکل بالا باید به این نکته توجه نمود که اشعیا مانند کوهنوردی است که وقتی به دو کوه از یک زاویه نگاه می کند، آنها را یکی می بیند و دره عمیق بین آنها را نمی بیند. اما ما که از زاویه دیگر به آن دو قله کوه نگاه می کنیم، دره ای عمیق بین آن دو را می بینیم. این دو قله، آمدن بار اول مسیح برای مرگ بر روی صلیب و نجات بشر و بازگشت ثانوی او برای داوری می باشد

اشعیا همزمان با هوشع و میکاه زندگی می کرد و محل خدمت او کشور «یهودا» بود. او در سالهای آخر سلطنت شمالی «اسرائیل» خدمت خود را در یهودا شروع کرد. بعد از به اسارت رفتن سلطنت شمالی (اسرائیل)، او مرتب به پادشاهان و مردم «یهودا» اخطار می داد که اگر از بت پرستی و اتحاد با کشورهای خدانشناس توبه نکنند، خدا آنها را هم مانند اسرائیل داوری کرده و به اسارت خواهد برد.

در زمان خدمت اشعیا، آشور قدرت دنیا را در دست داشت و همین آشور بود که کشور اسرائیل را در شمال به اسارت برده بود (سال ۷۲۲ قبل از میلاد). جالب این است که اشعیا پیشگویی می کرد که کشور جنوبی یهودا بوسیله «بابل» که در آن موقع قدرتی نبود به اسارت خواهد رفت.

کتاب اشعیا، ۱۵۰ سال قبل از آنکه کورش به دنیا آید در مورد او به اسم پیشگویی کرده و روحیه و کارهای کورش را باجزئیات بسیار نبوت می کند (۴۴ : ۲۸ و ۴۵ : ۱ - ۱۳).

از کتاب اشعیا بیشتر از هر کتاب دیگر در عهد جدید نقل قول شده است. ۲۱ بار به خود نام اشعیا اشاره می شود. بخصوص به فصل ۵۳ که پیشگویی مصلوب شدن مسیح می باشد، بیشتر از ۸۵ بار در عهد جدید اشاره می شود.

کلمه کلیدی : نجات

خود کلمه «اشعیاء» به معنی «یهوه نجات است» می باشد (مشابه کلمه «یوشع» می باشد که در عهد جدید معادل کلمه «عیسی» است).

آیات کلیدی : ۹ : ۶ _ ۷ و ۵۳ : ۶

۹ : ۶ _ ۷ ... « زیرا که برای ما ولدی زاییده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد. »
۵۳ : ۶ ... « جمیع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هر یکی از ما به راه خود برگشته بود و خداوند گناه جمیع ما را بر وی نهاد. »

فصل کلیدی : ۵۳

مانند مزمور ۲۲، این فصل بطور دقیق مرگ عیسای مسیح روی صلیب را تشریح می کند. اما علاوه بر تشریح مرگ، دلیل و نتایج آن را نیز بیان می کند. کتاب اشعیاء، مانند صندوقچه جواهرات می ماند که به غیر از جواهرات کوچک و بزرگ، الماس بزرگی به نام فصل ۵۳ در آن قرار دارد.

بررسی

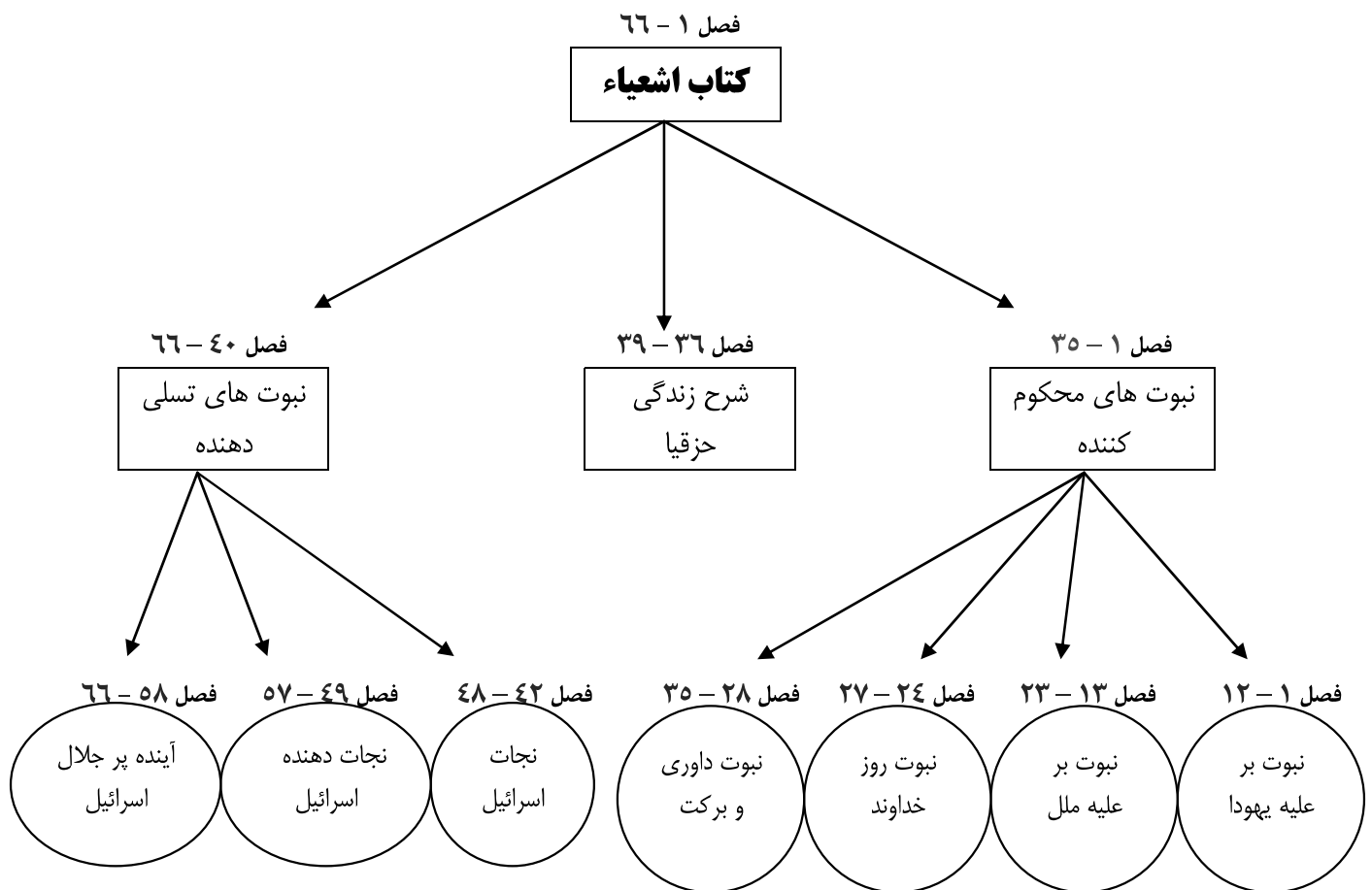
کتاب اشعیاء دارای سه بخش اصلی می باشد.

(۱) نبوت های محکوم کننده (فصل های ۱ تا ۳۵) _ اشعیاء ابتدا به یهودا اخطار می دهد که توبه کنند وگرنه داوری می شوند. اما وقتی توبه انجام نمی شود در مورد آینده یهودا نبوت می کند. سپس در مورد داوری خدا در مورد ملل مختلف نبوت می کند.

(۲) شرح حال حزقیا (فصل های ۳۶ تا ۳۹) _ در این بخش، شرح حال پادشاه حزقیا بیان می شود. گرچه خدا او را از حملات آشور حفظ می کند و حتی در مریضی به دعای او جواب داده و ۱۵ سال به عمر او اضافه می کند، اما بر خلاف هشدارهای اشعیاء، با کشور بابل دوست می شود و حتی تمام جواهرات خود را به آنها نشان می دهد. اشعیاء پیشگویی می کند که روزی بابلی ها آن جواهرات را با خود خواهند برد و مردم او را اسیر خواهند کرد.

(۳) نبوت های تسلی دهنده (فصل های ۴۰ تا ۶۶) _ بعد از آنکه داوری خدا در فصل های قبل اعلام شد، این فصل ها با پیشگویی های مثبت، باعث تسلی و دلداری می شود. اساس این امید، خدایی می باشد که قادر مطلق و پر جلال است. از ۲۱۶ آیه در این فصل ها، ۱۱۵ تای آن راجع به بزرگی و قدرت خدا صحبت می کند.

فصل های ۴۹ تا ۵۷، تمرکز روی آمدن مسیح می کند. این آیات پیشگویی می کند که مسیح زجر خواهد کشید و نجات خواهد داد. فصل ۵۳، مرگ روی صلیب را توضیح داده و بیان می کند که چرا عیسای مسیح می بایست بیاید و روی صلیب قربانی شود و این قربانی چه نفعی برای بشر خواهد داشت. فصل های ۵۸ تا ۶۶ بر اساس این موضوع است که : هر که به او ایمان آورد نجات خواهد یافت. فصل های آخر در مورد جلال پادشاهی خدا در زمانهای آخر می باشد.



مکاشفه عیسای مسیح

مسیح موعود _ اشعیا آنقدر در مورد مسیح صحبت می کند که این کتاب بیشتر مانند یک کتاب عهد جدید می باشد تا کتاب عهد عتیق. در کتاب مقدس بیشتر از ۳۰۰ پیشگویی راجع به آمدن اولیه مسیح وجود دارد که بسیاری از آنها در اشعیا می باشد. پیشگویی های زیادی نیز در مورد بازگشت ثانوی مسیح وجود دارد که هنوز به انجام نرسیده است (مثل ۲ : ۴ و ۱۱ : ۲ و ۶ و ۱۰ و ۳۲ : ۱ و ۸ و ۴۹ : ۷ و ۵۲ : ۱۳ و ۱۵ و ۶۰ : ۱ و ۳ و ۶۱ : ۲ و ۳). مسیح در ابتدای خدمتش از کتاب اشعیا نقل قول نمود (لوقا ۴ : ۱۸) و بعد از رستاخیزش، وقتی عهد عتیق را برای شاگردانش توضیح می داد، احتمالا از کتاب اشعیا استفاده نمود.

مکاشفه روح القدس

از روح القدس در اشعیا بیشتر از ۱۵ باز بطور مشخص نام برده شده است که آنها را می توان به سه دسته تقسیم کرد :

- (۱) **مسح روح القدس بر مسیح** _ روح القدس مسیح را به عنوان پادشاه (۱۱ : ۱ _ ۱۲)، به عنوان خادم خدا که درد کشیده و نجات می دهد (۴۲ : ۱ _ ۹) و عنوان مسیح (۶۱ : ۱ _ ۳) مسح می کند.
- (۲) **ریختن روح القدس بر ایمانداران** _ (۴۴ : ۱ _ ۵ و ۶۳ : ۱ _ ۵ و ۵۹ : ۱۹ و ۵۹ : ۲۱ و ۶۳ : ۱۰)
- (۳) **روح خدا در خلقت** _ ۴۰ : ۱۳ و ۴۸ : ۱۶

در کتاب اشعیا، بیشتر از صد پیشگویی دقیق در مورد مسیح وجود دارد. به عنوان نمونه :

آیه	نبوت	انجام نبوت
۱۴ : ۷	از باکره متولد شده و نام او عمانوئیل خواهد بود	متی ۱ : ۲۲ - ۲۳
۲ - ۱ : ۹	نور مسیح خواهد تابید	متی ۴ : ۱۲ - ۱۶
۶ : ۹	عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی	لوقا ۲ : ۱۱ و افسسیان ۲ : ۱۴ - ۱۸
۱ : ۱۱	نهایی از ریشه یسی خواهد بود	لوقا ۳ : ۲۳ و ۳۲
۲ : ۱۱	روح حکمت و فهم و مشورت و قوت بر او خواهد بود	لوقا ۳ : ۲۲
۱۶ : ۲۸	سنگ زاویه خواهد بود	اول پطرس ۲ : ۴ - ۶
۵ - ۳ : ۴۰	جلال خداوند مکشوف گشته همه آنرا خواهند دید	متی ۳ : ۱ - ۳
۴ - ۱ : ۴۲	نی خورد شده را نخواهد شکست و فتیله ضعیف را	متی ۱۲ : ۱۵ - ۲۱
۷ - ۶ : ۴۲	عهد و نور قوم ها خواهد بود و معجزات خواهد کرد	لوقا ۲ : ۲۹ - ۳۲
۶ : ۵۰	سیلی خواهد خورد و آب دهان برویش خواهند انداخت	متی ۲۶ : ۶۷ و ۲۶ : ۲۷ - ۳۰
۱۴ : ۵۲	با فروتنی خود را پایین تر از انسانها قرار خواهد داد	فیلیپیان ۲ : ۷ - ۱۱
۳ : ۵۳	خوار و نزد مردمان مردود و مترود خواهد بود	لوقا ۲۳ : ۱۸ و یوحنا ۱ : ۱۱ و ۵ : ۷
۵ - ۴ : ۵۳	به سبب گناهان و دردهای ما درد کشید	رومیان ۵ : ۶ و ۸
۷ : ۵۳	مظلوم خواهد شد اما دهان خود را نخواهد گشود	متی ۲۷ : ۱۲ - ۱۴
۷ : ۵۳	مانند گوسفند ذبح خواهد شد	یوحنا ۱ : ۲۹ و اول پطرس ۱ : ۱۸ - ۱۹
۹ : ۵۳	قبر او را با شریران تعیین نمودند و بعد با ثروتمندان	متی ۲۷ : ۵۷ - ۶۰
۱۲ : ۵۳	برای گناهان بشر خواهد مرد	مرقس ۱۵ : ۲۸
۱ : ۶۱	مأموریت او نجات و شفا و آزادی خواهد بود	لوقا ۴ : ۱۷ - ۱۹ و ۲۱
۲ : ۴	در روزهای آخر با جلال خواهد بود	مربوط به بازگشت ثانوی
۶ - ۲ : ۱۱	برای داوری خواهد آمد	مربوط به بازگشت ثانوی

مربوط به بازگشت ثانوی	برای سلطنت خواهد آمد	۸ - ۱ : ۳۲
مربوط به بازگشت ثانوی	با فوت و برای دادن پاداش و عقوبت خواهد آمد	۱۰ : ۴۰
مربوط به بازگشت ثانوی	پادشاهان و سروان به او سجده خواهند کرد	۷ : ۴۹
مربوط به بازگشت ثانوی	رفیع شده و پادشاهان مقام او را درک خواهند کرد	۱۵ و ۱۳ : ۵۲
مربوط به بازگشت ثانوی	نور و جلال او بر همه امت ها خواهد تابید	۳ - ۱ : ۶۰
مربوط به بازگشت ثانوی	برای انتقام از شریران و تسلی عادلان خواهد آمد	۳ - ۲ : ۶۱

دروس اصلی روحانی

۱ - گذشته و آینده شیطان.

گذشته و آینده شیطان در ۱۴ : ۱۲ - ۱۴ بیان شده است. بزرگترین گناه شیطان این فکر بود که «مثل حضرت اعلی خواهم شد.» بزرگترین گناه در جهان بت پرستی است. البته کمتر امروز در جهان افراد مجسمه ای را به عنوان بت می پرستند. اما «خود پرستی» نوعی بت پرستی می باشد. چرا که شخص خود پرست، خودش در کنترل زندگی خود می باشد و در حقیقت خودش خدای خود می باشد و این بت پرستی می باشد. گناه اصلی شیطان همین بود و وسوسه اصلی شیطان برای انسان چه در باغ عدن و چه امروزه نیز همین است که انسان، مستقل از خدا زندگی کرده و خود خدای خود باشد. شما تا چه حد مستقل از خدا زندگی می کنید؟ تا چه حد به هوش و قدرت و پول خود تکیه می کنید و تا چه حد به خدا؟ در خدمت تا چه حد به عطایای خود تکیه می کنید تا به دهنده این عطایا؟

۲ - خادم خدا باید با خدا ملاقات داشته باشد تا ماموریت خود را دریافت نماید.

در فصل ۶، اشیاء با خداوند ملاقات روبرو دارد. این ملاقات الگوی زیبایی است برای تک تک ما. در این ملاقات می بینیم که :

۱) او ابتدا جلال خدا را مشاهده می کند. (۶ : ۱ - ۴) در ملاقات با خدا ابتدا باید بزرگی و جلال او را دید.

۲) او سپس به گناهکار بودن خود پی می برد. (۶ : ۵) اولین نتیجه ملاقات با خدا و دیدن بزرگی و قدوسیت او این است که ما به ناپاکی و گناهان خود پی می بریم.

۳) اشیاء توبه کرده و پاک می شود. (۶ : ۶ - ۷) بعد از آنکه متوجه گناهان خود می شویم باید توبه کرده و بگذاریم آتش روح القدس ما را پاک سازد.

۴) آنگاه اشیاء خود را به خدا تقدیم می کند. (۶ : ۸) خدا می پرسد که را بفرستم و او می گوید مرا بفرست. ماهم بعد از پاک شدن باید خود را تسلیم خدا بکنیم تا اراده او در زندگی ما انجام گردد.

(۵) اشیاء از خداوند برای زندگی خود ماموریت دریافت می کنند. (۶ : ۹ - ۱۳) در آخر خداوند با ما صحبت می کند و ماموریت و خواندگی ما را برای ما روشن می کند. از آینده ما خبر می دهد و برای ما نبوت می کند.

من و شما باید مشتاق چنین ملاقات هایی با عیسای مسیح باشیم. بخصوص اگر ماموریت و خواندگی خود را نمی دانید، حتما وقت گذاشته به حضور او بروید، با او ملاقات کنید، از گناهان خود توبه کرده و پاک شوید، خود را تقدیم او کنید و صدای او را برای ماموریت و خواندگی خود بشنوید.

۳ - خداوند می خواهد که خادمش از ترس آزاد باشد.

در فصل ۴۳ در اشیاء، خدا دلایلی را می دهد که ما باید نترسیم. ترس بزرگترین عامل بازدارنده خادم خدا می باشد. ترس نقطه مقابل ایمان است. ایمان قدرت خدا را در ما جاری می سازد اما ترس، بسیاری از عطایا را در ما خفه کرده و عملکرد آنها را محدود می سازد. روش شیطان نیز این است که با ترس، فکر ما را بسته و ثمرات ما را محدود کند. بنابراین شیطان مانند شیری غران می گردد و می خواهد در دل طعمه های خود ترس ایجاد کند. آنهایی که می ترسند و از ترس در جای خود میخکوب می شوند، آنگاه طعمه شیطان خواهند شد. ترس دید های ما را محدود می کند و باعث می شود فقط به مشکلات اطراف نگاه کرده و دلسرد شویم. اما ایمان دید ما را وسیع کرده تا آینده را ببینیم و دلگرم شویم.

امروز با چه ترس هایی روبرو هستید؟ آیا از شکست می ترسید؟ آیا از مسخره مردم می ترسید؟ آیا می ترسید که اگر خود را به خدمت خدا بسپارید و حتی وارد خدمت تمام وقت شوید، مشکل مالی خواهید داشت و خدا احتیاجات شما را برآورده نخواهد کرد؟ اراده خدا این است که از تک تک ترس های خود آزاد شده و با ایمان برای او زندگی پر ثمر داشته باشید. فصل ۴۳ را برای خود دعا کنید.

۴ - برای رشد سالم باید در کلام، در روح القدس و در رابطه با خداوند در دعا قوی شد.

در فصل ۵۵، به هر سه این عوامل اشاره می کند. برای رشد سالم و بالغ شدن در مسیح باید در کلام، روح القدس و دعا قوی بود. این ها سه پایه ایمان سالم می باشند و باید در تک تک آنها قوی بود. خوب است خود را ارزیابی کنیم. در کدامیک از سه عامل بالا ضعیف می باشید؟ آیا کلام خدا را بخوبی می دانید و در آن مهارت دارید؟ آیا از روح القدس پر هستید و عطایای او در شما جاری می باشد؟ آیا در دعا قوی می باشید و با دعای خود آسمان را به زمین وصل می کنید؟ در هر کدام که ضعیف هستید، روی آن متمرکز شوید، روی آنها بیشتر کار کنید تا قوی گردید.

۵ - خصوصیات روزه پسندیده خدا

روزه گرفتن باید جزو زندگی هر ایماندار باشد. در ۵۸ : ۶ - ۱۴، خدا راجع به روزه ای که او می پسندد صحبت می کند و نتایج چنین روزه ای را بیان می کند. وقتی می خواهید روزه بگیرید، این بخش را خوانده و سعی کنید حقایق آن را در روزه خود در نظر بگیرید.

سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی اشعیا چه می باشد؟
- (۲) کتاب اشعیا شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- (۳) چرا کتاب اشعیا، «کتاب مقدس کوچک» خوانده می شود؟
- (۴) پیغام یک نبی در چه سه مورد می تواند باشد؟
- (۵) اشعیا در مورد کدام پادشاه ایرانی به اسم پیشگویی کرده و روحیه و کارهای او را نبوت می کند؟
- (۶) کلمه «اشعیا» به چه معنی می باشد؟
- (۷) فصل کلیدی اشعیا کدام است و راجع به چه موضوعی صحبت می کند؟
- (۸) ۴ پیشگویی راجع به عیسای مسیح را در کتاب اشعیا بیان کنید.
- (۹) کتب انبیاء روی کدام ۴ واقعه تاریخی صحبت می کند؟
- (۱۰) دو درس روحانی از کتاب اشعیا را بیان کنید.

ارمیا

نویسنده و تاریخ نگارش

ارمیا که همزمان با صفیا، حبقوق، دانیال و حزقیال خدمت می کرد، نویسنده این کتاب می باشد. خدمت ارمیا بین سال های ۶۲۶ تا ۵۸۶ قبل از میلاد ادامه داشت. کلمه ارمیا به معنی «یهوه می اندازد» است که می تواند به معنی «یهوه می فرستد» نیز باشد.

زمینه و موضوعات اصلی

ارمیا به «پیامبر گریان» معروف است (۹ : ۱ و ۱۳ : ۱۷) چرا که با قلبی دلسوز برای گناهان قوم و بلایی که به زودی به سر آنها می آید بسیار گریه می کند. او در طول خدمت ۴۰ ساله خود، به مردم سرکش یهودا در مورد داوری خداوند هشدار داد. اما متأسفانه هموطن های او پیغام او را رد کرده و به خود او اذیت و آزار رساندند. او بارها کتک خورد، تشنگی و گرسنگی تا حد مرگ کشید (۲۶ : ۷ - ۱۶)، اهانت و تهدید شنید و زندانی شد. اما با این وجود، با قلبی شکسته و چشمی گریان، به نبوت های خشن، هشدار دهنده و محکوم کننده خود ادامه داد. در طول خدمت ۴۰ ساله ارمیا، با وجود هشدارهایش، یهودا بیشتر و بیشتر در گناه فرو می رود و در شرارت حتی از اسرائیل (قبل از اسارتشان) جلو می زند (۳ : ۱۱). در نتیجه ارمیا پیشگویی می کند که یهودا بوسیله بابل به اسارت ۷۰ ساله خواهد رفت.

در این کتاب با خدایی روبرو می شویم که صبور اما قدوس است. او با صبر و شفقت داوری خود را به تاخیر انداخته و از قوم خود می خواهد تا دیر نشده توبه کنند. او محبت دارد ولی در عین حال قدوس و عادل است و از گناه و بت پرستی نفرت داشته و باید آن را داوری نماید.

ارمیا اخطار می دهد که این فرصت توبه کوتاه می باشد و نبوت می کند که یهودا به زودی به اسارت بابل خواهد رفت. اما در میان پیغام خرابی و نابودی، در این کتاب پیغام امیدی هم دیده می شود و آن این نبوت است که خداوند بقیتی را در اسارت برای خود حفظ خواهد کرد و آنها را بعد از ۷۰ سال اسارت به سرزمین خود برخواهد گرداند (۲۵ : ۱۱ - ۱۴ و ۲۹ : ۱۰).

در این کتاب، سه دور در خدمت ارمیا دیده می شود :

- ۱) دوره ای که اسرائیل بوسیله آشور به اسارت رفته بود و یهودا در معرض خطر آشور و مصر قرار داشت.
- ۲) دوره ای که یهودا تحت محاصره و خطر بابل قرار داشت. در این زمان است که ارمیا نابودی و اسارت قوم را بوسیله بابل نبوت می کند.
- ۳) دوره بعد از شکست و نابودی یهودا که ارمیا ابتدا در اورشلیم و سپس در مصر نبوت می کند. در طول خدمت ارمیا تغییرات زیر اتفاق می افتند.

در ابتدای خدمت ارمیاء	در انتهای خدمت ارمیاء
آشور در قدرت است	بابل در قدرت است
یهودیان در سرزمین خود هستند	یهودیان در اسارت هستند
ارمیاء در اورشلیم است	ارمیاء در مصر است
ارمیاء با تمام قوم صحبت می کند	ارمیاء با «بقیت» قوم صحبت می کند
نسل داوود بر تخت پادشاهی است	تخت پادشاهی داوود خالی است

کلمه کلیدی : روزهای آخر یهودا

این کتاب روزهای آخر یهودا را قبل از اسارت آنها بوسیله بابل بیان می کند.

آیات کلیدی : ۲۳ : ۷ _ ۲۴ : ۸ و ۱۱ : ۱۲ _ ۱۲

۲۳ : ۷ _ ۲۴ ... « بلکه ایشان را به این چیزها امر کرده گفتم که قول مرا بشنوید و من خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود و بهر طریقی که به شما حکم نمایم سلوک نمایید تا برای شما نیکو باشد. اما ایشان نشنیدند و گوش خود را فرا نداشتند بلکه بر حسب مشورت ها و سرکشی دل شریر خود رفتار نمودند و به عقب افتادند و پیش نیامدند.»

۱۱ : ۱۲ _ ۱۲ ... « و جراحات قوم مرا اندک شفایی داده اند چونکه می گویند سلامتی است، سلامتی است، با آنکه سلامتی نیست. آیا چون مرتکب رجاسات شدند خجل گردیدند؟ نی ابدًا خجل نشدند بلکه حیاء را احساس ننمودند بنابراین خداوند می گوید : در میان افتادگان خواهند افتاد و حینی که من به ایشان عقوبت رسانم خواهند لغزید.»

فصل کلیدی : ۳۱

در میان تمام داوری ها و محکومیت هایی که ارمیاء بیان می کند، در این فصل قول های عالی خداوند یادآوری می شود و به قوم امید داده می شود.

بررسی

نبوت های کتاب ارمیاء به ترتیب تاریخی نوشته نشده است بلکه بیشتر بر حسب موضوع مرتب شده اند. این کتاب دارای چهار بخش اصلی می باشد.

(۱) خواننده شدن ارمیاء (فصل ۱) _ ارمیاء نوجوان ساده دلی است که به دانیال یک زندگی ساده می گردد و دوست ندارد جلوی چشم ها و مورد توجه مردم باشد. با این وجود بوسیله خدا خوانده می شود تا خدمت مشکلی را به انجام برساند و پیغام هشدار و داوری را به قومی سرکش اعلام نماید. ارمیاء به جوانی، بی تجربگی و

ناتوانی خود نگاه کرده و در خود هیچ کفایت و لیاقتی را برای این خدمت نمی بیند. اما خدا به او دلداری و قوت قلب می دهد که در این مأموریت، خود خدا با او خواهد بود.

۲) نبوت به یهودا (فصل های ۲ تا ۴۵) _ خدا بوسیله مثال ها و داستان ها از طریق ارمیاء صحبت می کند. ارمیاء در این قسمت ۱۲ موعظه کرده و به یهودا در مورد داوری خداوند هشدار می دهد. او به آنها می گوید که خجالت بکشید، ملل دیگر به بت ها و خدایان دروغین خود وفادارتر هستند تا یهودا به یهوه خدای واقعی. ارمیاء خاطرنشان می کند که یهودیان با زبان خود خدا را اعلام می کنند ولی زندگی های آنها از حضور خدا خالی می باشد. در نتیجه آنها به مدت ۷۰ سال به اسارت بابل در خواهند رفت (۲۵ : ۱ _ ۱۴). او مرتب یهودیان را تشویق می کند که در مقابل حمله بابل مقاومت نکنند و تسلیم شوند تا اینکه کمتر کشته بدهند.

در مقابل، انبیاء دروغین و کاهنان حرف ارمیاء را مرتب رد کرده و می گویند : نخیر ما قوم خدا هستیم، خدا ما را محافظت خواهد کرد، همه چیز خوب است و این داوری هایی که ارمیاء می گوید انجام نخواهد شد. آنها ارمیاء را یک خائن می بینند که با دشمن همکاری می کند. انبیاء و کاهنان حتی قصد کشتن ارمیاء را می کنند ولی مشایخ و مردم مانع مرگ او می شوند (۲۶ : ۷ _ ۲۴). البته ارمیاء خائن نمی باشد و فقط آنچه از او می خواهد را بیان می کند. او حتی داوری و نابودی بابل را نیز پیشگویی می کند (۵۱ : ۳۷ _ ۴۳).

بعد از تسخیر اورشلیم، یهودیانی که به مصر فرار می کنند، ارمیاء را نیز با زور با خود می برند. اما ارمیاء پیشگویی می کند که نبوکدرصر، مصر را نیز تسخیر خواهد کرد.

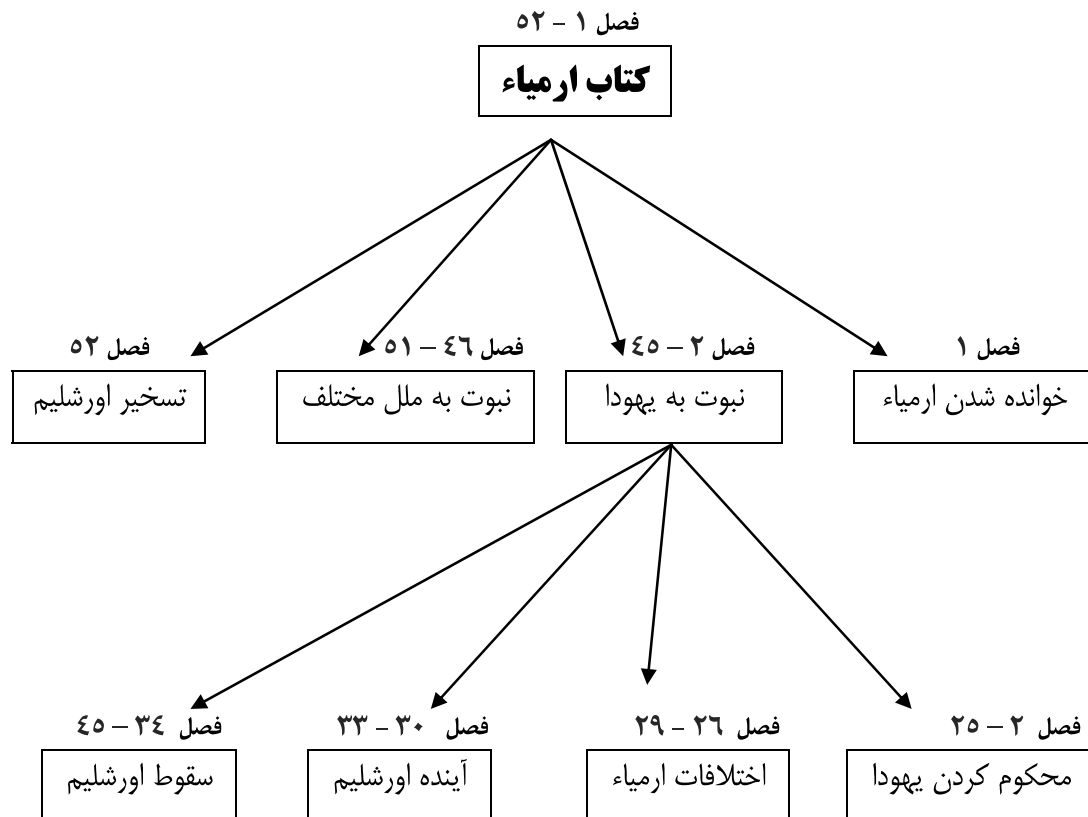
فصل ۲۳ در ارمیاء، برای یهودیان چه در زمان ۷۰ سال اسارت و چه در طی قرنهای گذشته بسیار عزیز و مهم بوده است چرا که خدا در این فصل قول می دهد که پراکندگان یهودی را روزی جمع خواهد نمود.

۳) نبوت به ملل مختلف (فصل های ۴۶ تا ۵۱) _ در این فصل ها بر علیه ۹ ملت پیشگویی می شود که آنها نیز تحت داوری خداوند قرار خواهند گرفت. اما برای ۴ تای آنها (از جمله عیلام) پیشگویی می شود که خداوند آنها را برکت خواهد داد. ارمیاء ۴۹ : ۳۴ _ ۳۹ در مورد آینده سرزمین عیلام پیشگویی می کند.

این نبوت را ما ایرانیان مسیحی به کشور عزیزمان ایران ربط می دهیم. ولی صادقانه باید از خود پرسیم آیا واقعا" این پیشگویی راجع به ایران امروز است و یا اینکه ما ایرانیان مسیحی از روی عشقی که به عیسای مسیح و کشورمان ایران داریم، می خواهیم «به زور» این نبوت را به خودمان بچسبانیم؟

مهمترین سوال این است : وقتی ارمیاء از «عیلام» نام می برد، در آن زمان چه سرزمینی را در نظر داشته است؟ برای جواب به این سوال، با مراجعه به کتب تاریخی می توان به این نتیجه رسید که «عیلام» در زمان ارمیاء به منطقه ای گفته می شد که ایران و قسمتی از عراق امروز را شامل می شد. در دائره المعارف تاریخی، عیلام به «سرزمینی که در شرق دو رود دجله و فرات و در جلگه خوزستان قرار دارد» گفته می شود. بیشتر این سرزمین در حال حاضر جزو خاک ایران می باشد. بنابراین با اطمینان می توانیم بگوییم که پیشگویی و وعده ارمیاء ۴۹ : ۳۴ _ ۳۹ در مورد ایران امروز می باشد.

(۴) تسخیر اورشلیم (فصل ۵۲) _ بعد از ۴۰ سال اختار، ارمیاء با دلی شکسته و چشمی گریان ناظر خراب شدن اورشلیم، خانه خدا، پادشاه و دیوارهای اورشلیم می باشد. رهبران سیاسی و مذهبی قوم کشته شده و قوم یهودا بوسیله بابل به اسارت می روند.



مکاشفه عیسیای مسیح

شاخه عادل _ به عیسیای مسیح بارها در ارمیاء به عنوان «شاخه عادل» و «شاخه یسی» اشاره می شود (۲۳: ۵ _ ۶). بخاطر آورید که «یسی»، پدر داود می بود. پس «شاخه یسی» یعنی کسی که از نسل داود خواهد بود. او یهوه صدقینو (یهوه عدالت ما) است که عهدی جدید را خواهد آورد (۳۱: ۳۱ _ ۳۴).

چشمه آب حیات _ یهوه خود را «چشمه آب حیات» می خواند. عیسیای مسیح نیز خود را آب حیات می خواند و می گوید هر که به او ایمان آورد چشمه آب حیات از او جاری می شود (یوحنا ۴: ۱۴ و ۳۷: ۷).

پادشاهی داود _ گرچه داود سالها است که مرده است، خدا قول می دهد که داود را به عنوان پادشاه برگزیند. این اشاره ای به پادشاهی عیسیای مسیح می باشد (۳۰: ۹).

ارمیاء _ ارمیاء نمونه ای از عیسیای مسیح می باشد. طرز خدمت و دلسوزی ارمیاء بسیار شبیه عیسیای مسیح می باشد. عیسیای مسیح مانند ارمیاء با مثل های بسیار صحبت می کرد. او بود که مانند ارمیاء، برای اورشلیم گریست. عیسیای مسیح مانند ارمیاء بوسیله مردم خودش طرد شده و آزار دید. عیسیای مسیح بارها در

تعالیم خود به آیاتی از کتاب ارمیاء اشاره می کند (مثلاً" در متی ۲۱ : ۱۳ از ارمیاء ۷ : ۱۱، در مرقس ۸ : ۱۸ از ارمیاء ۵ : ۲۱، در متی ۱۱ : ۲۹ از ارمیاء ۶ : ۱۶ و در متی ۱۰ : ۶ از ارمیاء ۵۰ : ۶ نقل قول می کند).

مکاشفه روح القدس

آتش _ آتش سمبل روح القدس می باشد و در ارمیاء چند بار به آن اشاره شده است (۵ : ۱۴ و ۲۰ : ۹).
شریعت در قلب _ در ارمیاء قول داده می شود که زمانی خواهد شد که خدا شریعت خود را بر قلب ها خواهد نوشت و هر ایماندار شخصا خدا را خواهد شناخت (۳۱ : ۳۱ _ ۳۴). این قول، پیشگویی هایی در مورد دو کار روح القدس در عهد جدید می باشد. پیشگویی می شود که زمانی خواهد آمد که
(۱) روح القدس در قلب و روح هر ایماندار ساکن می شود تا با هر ایماندار رابطه شخصی داشته باشد
(۲) روح القدس شریعت خداوند را در قلب هر ایماندار خواهد نوشت.

دروس اصلی روحانی

۱ - خادم خدا حقیقت را با محبت بیان می کند.

ارمیاء گرچه پیغام های خشن و کوبنده از طرف خداوند داشت، اما آنها را با دلی گریان بیان می کرد. حتی بعد از ۴۰ سال هشدار که قوم به اسارت افتادند، بازهم روحیه او این نبود که «دیدید به شما می گفتم و گوش نمی دادید؟ پس حالا حقتان است درد بکشید.» بلکه بازهم با دلسوزی شاهد رنج کشیدن قوم بود.

گاهی باید حقیقت تلخ را به افراد بگوییم اما مهم است آنرا با چه روحیه ای بیان می کنیم. گاهی کسی دلمان را می شکند و متأسفانه ما در کتاب مقدس به دنبال آیه ای می گردیم که آنرا به عنوان پتکی استفاده کرده و او را بگوییم تا آنکه دلمان خنک شود. اما خداوند می خواهد حتی اگر حقیقت تلخی را با عزیزی در میان بگذاریم، آنرا با دلسوزی و با دلی شکسته بیان نماییم.

گاهی لازم می شود طبق کلام خدا، افراد را در کلیسا تادیب کرد و حتی افرادی که توبه نمی کنند را از کلیسا بیرون کرد. ولی این نیز باید بعد از دلسوزی های بسیار و دعاها و فرصت های توبه باشد. خادم درست مسیح حتی اگر باید کسی را تادیب کند و یا از کلیسا بیرون کند، آن را با دلی شکسته که از محبت او به آن شخص سرچشمه می گیرد انجام می دهد.

گاهی اتفاق افتاده است که مجبور شده ایم طبق کلام خدا، کسی را از کلیسای ایرانیان اخراج کنیم. متأسفانه بعضی کسانی که در جریان نبوده اند، به ظاهر این قضیه نگاه کرده اند و آن را حرکتی خشن و از روی بی محبتی دیده اند. در چشم آنها مانند این است که این تصمیم یک شبه گرفته شده است و آن هم برای اینکه رهبران کلیسا آن شخص را «مزاحم» می دانستند. متأسفانه اکثر این افراد نمی دانستند که رهبران کلیسا ماه ها و گاهی سالها با چنین شخصی کار کرده اند. چه وقت ها با او صرف کرده اند. چه زمانهای زیادی را با اشک و آه و ناله برای او دعا کرده اند و از او التماس کرده اند که توبه کند اما به نتیجه نرسیده اند. در نتیجه در آخر ملزم شده اند که طبق کلام خدا عمل کرده و آن شخص که نمی خواهد توبه کند را از کلیسا اخراج نمایند.

چه بارها خود من به اشخاصی که در شرف گرقتن تصمیم غلط در مورد کار یا ازدواج بوده اند، با درد و آه و ناله التماس کرده ام که آن تصمیم اشتباه را نگیرند و خود را در بدبختی گرفتار نکنند. اما آنها راه غلط را انتخاب کردند و حتی با من حالت دشمنی پیدا کردند و بعضی حتی کلیسا را ترک کردند. اما بعد از مدتی زخمی و دردمند دوباره به کلیسا برگشتند. یک شبان چه باید بکنند؟ جز اینکه دوباره با آنها وقت گذاشته و با اشک های آنها اشک ریخته و با دردهای های آنها همدرد شود؟ بارها خواسته ام بگویم : « دیدی گفتم این تصمیم تو درست نیست و به بدبختی می انجامد؟ » تا دلم کمی خنک شود. اما روح القدس هر بار اجازه نداده است این را بگویم. بلکه از من خواسته است با آن شخص همدردی کنم.

یک خادم خوب مسیح مانند ارمیاء، با قوت روح القدس هم دل پرمحبت و دلسوز مسیح را دارد و هم در زمان لازم بر علیه گناه توبه نشده، عملکرد قاطع می کند.

۲ - خدا صبور اما قدوس است و بعد از صبر بسیار، گناه را داوری می کند.

خداوند در طول ۴۰ سال به قوم یهودا از طریق ارمیاء اخطار داد و آنها را دعوت به توبه کرد. او مرتب می گفت : « اگر به گناهان خود ادامه دهید، آینده شما نابودی و اسارت است ولی اگر توبه کنید، من نیز فکر خود را عوض می کنم و شما را نابود نکرده و به اسارت نمی فرستم بلکه برکت می دهم. » اما قوم توبه نکردند و در نتیجه خدا مجبور شد به خاطر قدوسیت خود، آنچه را که نمی خواست انجام دهد یعنی قوم را داوری و تادیب نماید.

خدا صبور است و حتی امکان به ما فرصت توبه داده و داوری خود را عقب می اندازد. اما قدوس نیز هست و با گناه سازش نمی کند. در نتیجه اگر توبه نکنیم، او بخاطر قدوسیتش می بایست ما را داوری و تادیب نماید. وقتی در گناه هستیم، چند بار به ما هشدار می دهد و منتظر توبه ما می شود. اما اگر به گناهان خود ادامه دهیم، با دلشکستگی اجازه می دهد نتیجه گناه خود را دیده، صدمه بخوریم، خورد شویم، خسارت ببینیم، ورشکست شویم و حتی به اسارت برویم تا شاید فروتن شده، توبه کرده و دوباره در رابطه درست با خداوند قرار بگیریم تا اینکه در مسیر دریافت برکات او قرار بگیریم.

امروز در چه گناهی هستید؟ گرچه خدا با شما صبر داشته، همین امروز توبه کنید تا داوری و تادیب او شامل شما نشود.

۴ - خدا خادم خود را خوانده و او را برای ماموریتش آماده می کند.

در فصل ۱ ارمیاء، خواندگی ارمیاء را می بینیم. از این فصل درس های بسیاری می توان گرفت از جمله :

(۱) خداوند است که ما را می خواند و برای دانستن خواندگی خود باید از خود خدا شنید.

(۲) قبل از فرستاده شدن، خدا خادم خود را آماده می کند. او می خواهد خادم او از خود کم بینی، ترس و اعتراف منفی آزاد باشد.

(۳) خدا قبل از فرستادن خادم خود، پیروزی او را تضمین می کند به شرطی که خادم در اطاعت خداوند باقی بماند.

آیا شما خواندگی خود را می دانید؟ آیا خدا شما را از خود کم بینی ها و ترس هایتان آزاد کرده است. آیا زبان شما شفا یافته است تا اعترافات منفی در مورد ضعف های خود نکنید؟ از گفتن جملاتی چون : نمی توانم، نمی

شود، من کسی نیستم، این در من نیست، خوب نمی توانم صحبت کنم، جوان هستم، بی تجربه هستم. دیگران نمی گذارند، شرایط مساعد نیست، نخواهد شد، ... توبه کنید.

چه بهانه ای دارید تا با تمامی دل به دنبال خواندگی خود و ماموریتی که خدا به شما داده است نروید؟ آیا می دانید که اگر در اطاعت خدا باقی بمانید، هرچقدر هم که ماموریت شما بزرگ باشد و به نظر سخت و غیر ممکن بیاید ولی انجام آن و پیروزی شما بوسیله خدا از قبل تضمین شده است؟ پس از ترس های خود آزاد شده و با جرات و شهامت قدم در انجام نقشه های خدا برای خود بردارید. بدانید کسی که شما را خوانده با شما می باشد و شما را تایید خواهد نمود.

۵- بزرگتری گناه خادم، زناى روحى است.

ما نه تنها می توانیم در جسم خود و یا در فکر خود زنا کنیم، بلکه در روح خود نیز می توانیم زنا کنیم. شکایت خداوند از یهودا، زناى روحى آنها با خدایان دیگر می باشد (۳ : ۱ - ۸). خداوند ما را عروس خود می داند. هر دلبستگی ما به دنیا در مقابل او زنا محسوب می شود. یک زن اگر ۹۹٪ قلب و وقت او مال شوهرش باشد ولی فقط ۱٪ آن مال مرد دیگری باشد (از هر ۱۰۰ روز فقط یک روز مال کس دیگری باشد)، باز زنا کار محسوب می شود. باید ۱۰۰٪ قلب ما و زندگی ما مال خداوند باشد. ما باید با خود و خدای خود روراست باشیم و صادقانه خود را مرتب آزمایش کنیم که آیا در این روحیه هستیم یا نه.

آیا صددرصد قلب و زندگی شما مال عیسای مسیح است؟ آیا چیزی در این دنیا وجود دارد که به آن دلبستگی دارید؟ نمی توانید هم زناکار باشید و هم انتظار داشته باشید مسح خداوند و تایید او را نیز داشته باشید. چرا امروز خود را تسلیم کامل عیسای مسیح نمی کنید تا دوباره پری روح، شادی روح القدس، آرامش الهی و تایید او بر شما قرار گیرد؟

۶- خدا برای ما نقشه ها عالی دارد اما باید با تمامی دل او را جستجو کنیم.

حتی وقتی خدا دارد قوم خود را تنبیه می کند و به اسارت می فرستد، باز به آنها یادآوری می کند که فکر و نقشه ها او برای آنها عالی است (۲۹ : ۱۱ - ۱۴).

این حقیقت بسیار ساده است ولی برای بسیاری (حتی برای مسیحیان) جا نیافتاده است. خدا نیکوست و نقشه ها او برای ما نیکو و بهترین است. حتی وقتی ما را تنبیه می کند، هدف او از این تنبیه و نقشه های آینده او برای ما باز هم نیکویی است چون او خدای نیکو است. ذات او نیکو است و تغییر نمی پذیرد.

در هیچ شرایطی به نیکویی خدا شک نکنید. حتی اگر در سختی هستید و حتی اگر امروز خداوند دارد شما را تنبیه می کند باز هم مطمئن باشید که خدا نیکوست و بهترین را برای شما می خواهد.

اما برای به دست آوردن این بهترین، باید با تمامی دل او را جستجو کنیم. برای آزادی از اسارت هایمان، باید با تمامی دل او را جستجو کنیم. بهترین کاری که می توانیم برای خود بکنیم این است که تسلیم نقشه های خدا شویم، به او اعتماد کنیم و با تمامی دل او را جستجو کنیم تا او را بیابیم. آنگاه از اسارت هایمان آزاد می شویم و به حضور او بر می گردیم و اراده نیکوی او در زندگی ما اجرا می گردد.

سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی ارمیاء چه می باشد؟
- (۲) کتاب ارمیاء شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- (۳) در کتاب ارمیاء دو جنبه شخصیت خدا را می توان مشاهده کرد. آن دو جنبه کدامند؟
- (۴) سه درس روحانی از کتاب ارمیاء را بیان کنید.
- (۵) کلمه «ارمیاء» به معنی می باشد.
- (۶) دو مکاشفه عیسای مسیح در کتاب ارمیاء را بیان کنید.
- (۷) دو وعده خدا در کتاب ارمیاء در مورد آمدن روح القدس کدام است؟

مراثی ارمیاء

نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این کتاب ارمیاء می باشد که آنرا بعد از سقوط اورشلیم و در ابتدای اسارت قوم نوشته است (قبل از آنکه هموطنانش او را به عنوان اسیر به مصر ببرند). اورشلیم در سال ۵۸۶ سقوط کرد پس تاریخ این کتاب در آن سال یا یکی دو سال بعد بوده است.

زمینه و موضوعات اصلی

کتاب مراثی غم انگیز ترین کتاب عهد عتیق می باشد که بعد از سقوط اورشلیم نوشته شده است. این کتاب مانند شعری است که در مرگ و کفن و دفن شهر اورشلیم مرحوم سراییده شده است. شهر سرکش و مغرور اورشلیم که زمانی جلال و عظمتی داشته است اما اکنون خرابه ای بیش نمی باشد. این کتاب درد ارمیاء از این موضوع را بیان می کند و مانند این است که صفحات آن با گریه های ارمیاء خیس شده است. بعد از ۴۰ سال اخطار و هشدار بیهوده ارمیاء، نبوکدصر بابل اورشلیم را نابود می کند. ارمیای دل نازک که ۴۰ سال برای قوم درد کشیده و گریه کرده است، اکنون بعد از سقوط اورشلیم دل شکسته تر از قبل، ۵ شعر به صورت مرثیه می سراید.

در میان سوگواری برای اورشلیم، ابتدا ارمیاء اعتراف می کند که این داوری خداوند به حق بوده است. سپس از طرف خدا برای آینده امید می دهد. او یادآوری می کند که خدا وفادار بوده و قول می دهد که قوم را در آینده برکت دهد.

۴ فصل اول مراثی به صورت الفبا است. به این صورت که در هر فصل، هر بیت با یک حرف از الفبای عبری شروع می شود.

کلمه کلیدی : سوگواری

این کتاب با شعرهای مرثیه ای برای اورشلیم سوگواری می کند.

آیات کلیدی : ۲ : ۵_۶ و ۳ : ۲۲_۲۳

۲ : ۵_۶ ... «خداوند مثل دشمن شده، اسرائیل را هلاک کرده و تمامی قصرهایش را منهدم ساخته و قلعه هایش را خراب نموده است. و برای دختر یهوذا ماتم و ناله را افزوده است. و سایبان خود را مثل کپری در بوستان خراب کرده، مکان اجتماع خویش را منهدم ساخته است. یهوه، عیدها و سبّت ها را در صهیون به فراموشی داده است. و در حدت خشم خویش پادشاهان و کاهنان را خوار نموده است.»

۳ : ۲۲_۲۳ ... «از رفت های خداوند است که تلف نشدیم زیرا که رحمت های او بی زوال است. آنها هر صبح تازه می شود و امانت تو بسیار است.»

فصل کلیدی : ۳

در میان ۵ فصل سوگواری و ناامیدی، در این فصل ارمیاء به وعده ها و شخصیت نیکوی خدا تکیه کرده و با ایمان، آینده نیکویی را می بیند.

بررسی

هر فصل کتاب مرائی، خود یک شعر مستقل و جداگانه می باشد.

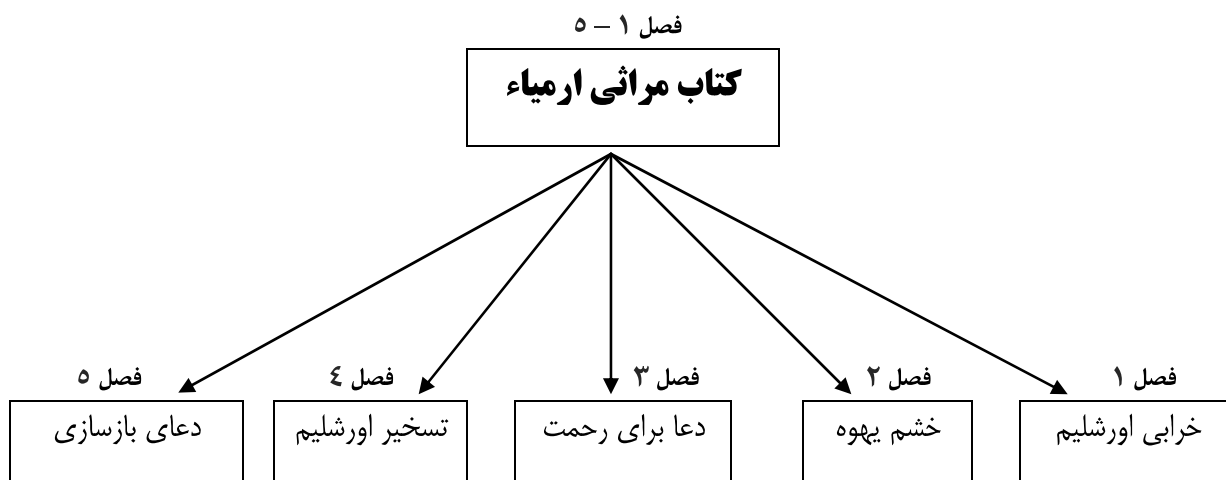
(۱) **خرابی اورشلیم (فصل ۱)** _ ارمیاء خرابی اورشلیم را دیده و از خدا می خواهد جواب دشمنان را بدهد.

(۲) **خشم یهوه (فصل ۲)** _ خداوند از بابل به عنوان وسیله تادیب استفاده کرده و اورشلیم را نابود می کند. بوسیله بابل، خدا بت پرستی را از قوم خود بر می دارد و کاهنان و انبیاء و پادشاهان خدا شناس را از معبد و کشور پاک می کند.

(۳) **دعا برای رحمت (فصل ۳)** _ در ابتدای این فصل، ارمیاء درد و بدبختی قوم را از آن خود می داند. سپس ناگهان به امانت و وفاداری خدا می پردازد. این حقایق به او و خوانندگان او، امید و تسلی و ایمان می بخشد.

(۴) **تسخیر اورشلیم (فصل ۴)** _ در این فصل، ارمیاء تسخیر اورشلیم را شرح داده و دلایل این بدبختی را مرور می کند (بخصوص گناه انبیاء و کاهنان که به کمک انسان توکل کرده بودند را یادآوری می کند).

(۵) **دعای بازسازی (فصل ۵)** _ ارمیاء سوگواری و غم مردم را شرح داده و نشان می دهد که این تنبیه پایان یافته است و از خدا با دعا می خواهد که آن ملت را دوباره از نو بسازد.



مکاشفه عیسیای مسیح

امید و رحمت _ عیسیای مسیح امید (۳ : ۲۱ و ۲۴ و ۲۹) و تجلی رحمت و دلسوزی خدا برای بشر می باشد (۳ : ۲۲ و ۲۳ و ۳۲).

داور و فدیة دهنده _ عیسیای مسیح دو نقش اساسی دارد. او هم داور است و ما را محکوم می کند و هم برای جان ما فدیة می کند و ما را از محکومیت در می آورد (۳ : ۵۸ _ ۵۹).

ارمیاء _ گریه ارمیاء برای شهر اورشلیم مانند گریه مسیح می باشد (متی ۲۳ : ۳۷ _ ۳۸). مانند مسیح، ارمیاء شخصا درگیر گناهان و دردهای مردم می شود. عیسیای مسیح نیز مانند ارمیاء، مردی بود که با غم آشنایی داشت و بوسیله قوم خود طرد شد. عیسیای مسیح مانند ارمیاء برای قوم خود شفاعت کرد و هنوز می کند.

مکاشفه روح القدس

روح حزن برای گناه _ روح القدس برای گناهان ما محزون می شود (۲ : ۱ _ ۶). حزن ارمیاء برای گناه قوم، تصویری است از حزن روح القدس وقتی ایماندار مسیحی و یا کلیسای خداوند در گناه زندگی می کند.

روح توبه _ روح القدس نه تنها ما را نسبت به گناه محزون می کند بلکه ما را به توبه می آورد تا از گناه و جرمه گناه آزاد شویم (۳ : ۴۰ _ ۴۲).

دروس اصلی روحانی

۱ _ در اوج سختی ها و حتی در میان تنبیه خداوند، می توان به رحمت او، نیکویی او و وفاداری او امیدوار بود.

خداوند اجازه می دهد تا در سختی وارد شویم و حتی گاهی وقتی در گناه زندگی می کنیم، خودش برای تأدیب ما، اجازه می دهد دشمنان و سختی ها بر ما پیروز شوند. اما اگر در این سختی ها توبه کنیم و برای گناهان خود غمگین باشیم، در میان غم ها و رنجها و موقعیتی که کاملاً "نا امید کننده به نظر می رسد، می توانیم مانند ارمیاء به رحمت و امانت خدا تکیه کرده و مطمئن باشیم که او نیکو است در نتیجه با امید و ایمان زندگی کرده و با ایمان منتظر نجات خداوند شویم.

۲ _ برای شفا از غم و سوگواری بهترین راه این است که در دعا آنرا به خدا ابراز کنیم.

در این کتاب، ارمیاء غم و درد را در دعا به حضور خدا آورده و امید و وعده ها را از خدا دریافت می کند. ما هم باید در هر غم و درد به حضور خدا برویم. در حضور خدا است که نه تنها تسلی و آرامش می یابیم، بلکه از خداوند برای آینده وعده هایی را دریافت می کنیم.

چه بسا در زندگی شخصی خودم در سختی ها و درد ها و رنج ها و ناامیدی ها، گریان به حضور خدا رفته ام. در حضور شیرین او نه تنها تسلی یافته ام و محبت خداوند را چشیده و آرامش او را دریافت کرده ام، بلکه

خداوند آینده مرا به من نشان داده است، وعده های شیرین و دلگرم کننده به من داده است که به من کمک کرده است دوران سختی را بتوانم با شادی و امید طی کنم و پایدار بمانم.

شما امروز در چه سختی و غم و درد می باشید؟ آن را به حضور شیرین و پر محبت خدا ببرید. با پدر آسمانی خود ملاقات تازه داشته باشید. بگذارید او به عنوان پدری مهربان شما را دلداری دهد. او آینده شما را به شما نشان خواهد داد با وعده های عالی شما را تقویت کرده و دلگرم می سازد.

۳_ تنبیهات خداوند را باید به خاطر سپارد و فراموش نکرد.

در کتاب مراثی، تنبیه خداوند و شکست قوم یهود نوشته شده است. طبق سنت یهود، بعد از آزادی یهودیان، این کتاب هر سال بوسیله آنان خوانده می شد تا به آنها یادآوری کند تا آن گناهان را تکرار نکنند.

ما ایمانداران هم نه تنها باید پیروزی هایی که خداوند به ما می دهد را بخاطر داشته باشیم و برای آنها جشن بگیریم، بلکه تأدیب های خداوند را نیز باید بخاطر داشته باشیم تا از آنها درس گرفته و گناهان و اشتباهات گذشته خود را تکرار نکنیم.

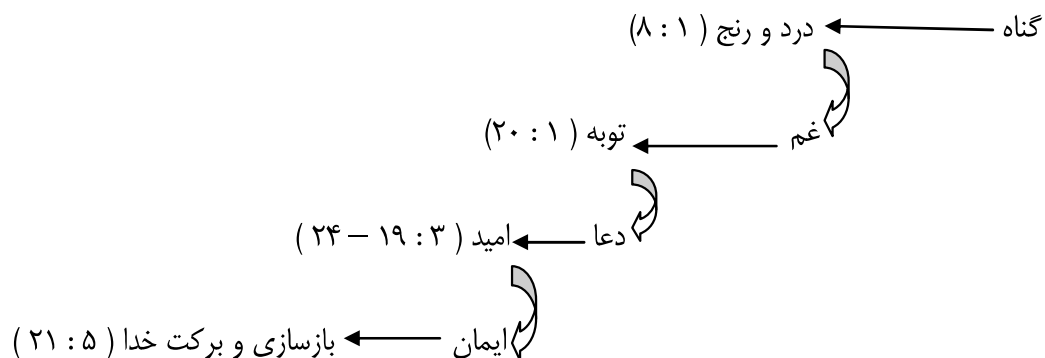
در زندگی ایمانی شما، خداوند چه پیروزی هایی به شما داده است. در شکست ها و تادیب هایش تا به امروز چه درس هایی گرفته اید؟ بدانید که برای درس هایی که در سختی و درد و غم یاد گرفته اید، بهای گزافی پرداخت کرده اید. پس از آنها سرسری نگذرید. آنها در «دفترچه خاطرات روحانی» نوشته و در زندگی و خدمت خود به آنها عمل کنید. چون اگر از اشتباهی درس نگیریم، همان را تکرار خواهیم کرد و در نتیجه باز همان نتیجه دردناک را دوباره خواهیم گرفت.

۴_ باید تنبیه خداوند را پذیرفت و از آن فرار نکرد.

وقتی خداوند یهودا را بخاطر گناهان و سرکشی شان بوسیله حمله بابلی ها تنبیه نمود، آنها بجای اینکه توبه کرده و خود را تسلیم دست محافظ کننده خدا کنند، به وسایل انسانی متوسل شده و به انسانها (به مصر) توکل کردند تا آنها را از خطر بابل حفاظت کند.

وقتی در گناه پافشاری کرده ایم و می بینیم که خدا دارد ما را تنبیه می کند، بهترین کاری که می توانیم بکنیم این است که بلافاصله توبه کرده و خود را تسلیم فیض و رحمت خداوند بکنیم. نباید زورهای انسانی بزنیم و با توکل به کمک انسانها سعی کنیم از آن تنبیه و داوری خداوند فرار کنیم چرا که داریم برای خود وضع وخیم تری را ایجاد می کنیم. هنگام تنبیه به حق خدا، بجای آنکه مثل بچه های لوس، به خانه همسایه فرار کنیم و از او کمک بخواهیم و یا اینکه از خدا دلگیر شده و نسبت به او تلخ و دلخور شده و یا قهر کنیم، بهتر است از تنبیه خود درس گرفته، خود را به خدا تسلیم کنیم و بعد با تعهد بیشتر، رابطه نزدیک تری را با او ایجاد نماییم. بدانیم که اگر توبه کنیم، هنوز وعده های خدا مال ما است و آینده ما نیکو خواهد بود.

باید به خاطر بسپاریم که **سلسه مراتب گناه** به شرح زیر است :



سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی مراثی چه می باشد؟
- (۲) کتاب مراثی شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- (۳) سه شباهت شخص ارمیاء با عیسیای مسیح را در کتاب مراثی بیان کنید؟
- (۴) دو درس روحانی از کتاب مراثی را بیان کنید.
- (۵) سلسه مراتب گناه شامل چه بخش هایی می شود؟

حزقیال

نویسنده و تاریخ نگارش

خود حزقیال نویسنده این کتاب می باشد که آنرا حدود ۵۶۵ قبل از میلاد در شهر بابل نوشته است. او مانند ارمیاء، کاهنی بود که برای خدمت نبوت خوانده شده بود. کلمه «حزقیال» به معنی «خدا قدرت می بخشد» است که در ۳ : ۸ _ ۹ می بینیم که به راستی خدا به او قدرت می بخشد.

زمینه تاریخی خدمت ارمیاء، حزقیال و دانیال

زمان خدمت ارمیاء در اواخر سلطنت یهودا و در اوایل اسارت آنها بود. حزقیال و دانیال خدمت نبوت خود را کمی بعد از آن و بیشتر در طول ۷۰ سال اسارت انجام دادند. ارمیاء کسی است که در سال ۵۹۷ با بقیه یهودیان به اسارت بابل برده می شود. در پنجمین سال اسارتش در بابل، رویایی از خداوند دریافت می کند و خدمت نبوت خود را آغاز می نماید.

نبوکدنصر پادشاه بابل، اورشلیم را در سه مرحله نابود کرد :

(۱) اول در سال ۶۰۵ قبل از میلاد، یهوایقیم را شکست داده و تعدادی اسیر را به بابل برد. از جمله این اسیران، دانیال و دوستان او می باشند که در موقع اسارت، نوجوانانی بیش نبودند.

(۲) دوم در سال ۵۹۷ قبل از میلاد، یهوایقیم و پسرش یهوایکین، سرکشی کرده و نبوکدنصر مجبور شد اورشلیم را برای بار دوم تسخیر کرده و آنها را تنبیه نماید. در این زمان او ده هزار اسیر از جمله یهوایکین و حزقیال را به اسارت در بابل برد. حزقیال در این زمان ۲۵ ساله بود.

(۳) سوم در ۵۸۶ قبل از میلاد، نبوکدنصر بعد از محاصره طولانی اورشلیم، آنرا و تمام ناحیه یهودا را نابود کرد. در این زمان ارمیاء مشغول خدمت در اورشلیم بود. یهودیانی که در این زمان از اورشلیم به مصر فرار کردند، ارمیاء را به زور در حالت اسارت به مصر بردند.

حزقیال و دانیال تقریباً همسن بوده و هردو حدود ۲۰ سال از ارمیاء جوانتر بودند. خدمت حزقیال از اواخر خدمت ارمیاء شروع شده و در اوایل خدمت دانیال به پایان می رسد. وقتی حزقیال وارد بابل می شود، دانیال در آنجا به مقامات بالا رسیده و شناخته شده است. حزقیال سه بار در کتاب خود از دانیال نام می برد (۱۴ : ۱۴ و ۲۰ : ۲۸ و ۳).

زمینه و موضوعات اصلی

حزقیال در میان اسیران یهودی در بابل خدمت می کرد. به همان اندازه که خدمت ارمیاء پر از اشک ها می باشد، خدمت حزقیال پر از رویا ها است. ارمیاء خرابی اورشلیم را پیش بینی می کرد اما حزقیال بازسازی آینده اسرائیل را نبوت می کند. او با مثال ها، داستان ها و علائم و نشانه ها پیغام خدا را به اسیران رساند و به آنها گفت که گرچه

آنها مانند استخوان های خشک شده در بیابان هستند، اما خدا آنها را دوباره به هم وصل کرده و حیات تازه در آنها خواهد دمید. یعنی به آنها امید می دهد که داوری و محکومیت کنونی که تجربه می کنند، به پایان رسیده و به جلال خواهد انجامید.

بسیاری از رویاهای حزقیال مربوط به زمانهای آخر است در نتیجه این کتاب با کتاب مکاشفه ارتباط بسیار دارد و در نتیجه تفسیر آن بسیار مشکل است (به عنوان مثال: ۱: ۶ و ۱۴ _ ۵: ۷ و ۱۲ _ ۲۰: ۳۳ و ۴۴ _ ۲۵: ۲۸ و ۲۶ _ ۳۴: ۲۵ و ۳۱ _ ۳۶: ۸ و ۱۵ _ ۳۶: ۳۳ و ۳۹ _ ۴۷: ۱ و ۱۲). کتاب حزقیال تاکید زیاد روی حاکمیت مطلق خداوند، جلال خداوند و امانت وی دارد. بخصوص، کلمه «جلال خدا» (که به عبری شکاینا Shekinah می باشد) کلمه و تم مهمی است که مرتب در حزقیال تکرار می شود. در این کتاب، ظهور و رفتن جلال خدا شرح داده می شود.

کلمه کلیدی : بازسازی قوم اسرائیل

این کتاب آینده قوم اسرائیل را بیان می کند.

آیات کلیدی : ۳۶: ۲۴ _ ۲۶ و ۳۶: ۳۳ _ ۳۵

۳۶: ۲۴ _ ۲۶ ... « و شما را از میان امت ها می گیرم و از جمیع کشور ها جمع می کنم و شما را در زمین خود در خواهم آورد. و آب پاک بر شما خواهم پاشید و طاهر خواهید شد. و شما را از همه نجاسات و از همه بت های شما طاهر خواهم ساخت. و دل تازه به شما خواهم داد و روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد. و دل سنگی را از جسد شما دور کرده، دل گوشتین به شما خواهم داد.»

۳۶: ۳۳ _ ۳۵ ... « خداوند یهوه چنین می فرماید: در روزی که شما را از تمامی گناهانتان طاهر سازم، شهرها را مسکون خواهم ساخت و خرابه ها معمور خواهد شد. و زمین ویران که به نظر جمیع رهگذریان خراب می بود، شیار خواهد شد. و خواهند گفت این زمینی که ویران بود، مثل باغ عدن گردیده است و شهرهایی که خراب و ویران و منهدم بود، حصاردار و مسکون شده است.»

فصل کلیدی : ۳۷

روای استخوان های خشک شده نمونه روشنی از وعده خدا برای بازسازی قوم اسرائیل می باشد. در فصل ۳۷، این رویا و آینده اسرائیل پیشگویی می شود.

بررسی

حزقیال که خدمت خود را قبل از اسارت یهودا آغاز می کند با یهودیان به اسارت بابل می رود و در آنجا به خدمت خود به آنها ادامه می دهد. مانند بسیاری از انبیای دیگر، پیغام حزقیال دو قسمت دارد:

(۱) داوری و محکومیت (فصل های ۱ تا ۳۲)

(۲) امید و تسلی (فصل های ۳۳ تا ۴۸)

برای همین، همان پیغامی را که ارمیاء به ساکنان اورشلیم و یهودا می داد، همزمان حزقیال به اسیران یهودی در بابل می دهد. روحیه اسیران به این صورت بود که بدون آنکه توبه واقعی کرده باشند، امید داشتند که خدا آنها را به زودی از اسارت آزاد کند. بخصوص که هنوز اورشلیم و یهودا نابود نشده اند، آنها امید دارند که به زودی به همان اورشلیم برگردند. ارمیاء بعد از آنکه گناهان قوم را به آنها گوشزد می نماید، با الهام خدا سعی می کند به اسرای یهودی بی ایمان بقبولاند که به نجات آنی خداوند امیدوار نباشند. او می گوید که کار خدا با آنها تمام نشده است و تازه نابودی اورشلیم و معبد نیز در پیش است. اما آنها او را باور نمی کنند تا اینکه خبر نابودی اورشلیم به گوششان می رسد. پس فصل های ۱ _ ۲۴، قبل از خرابی اورشلیم نوشته شده اند و فصل های ۲۵ _ ۴۸ بعد از خرابی آن.

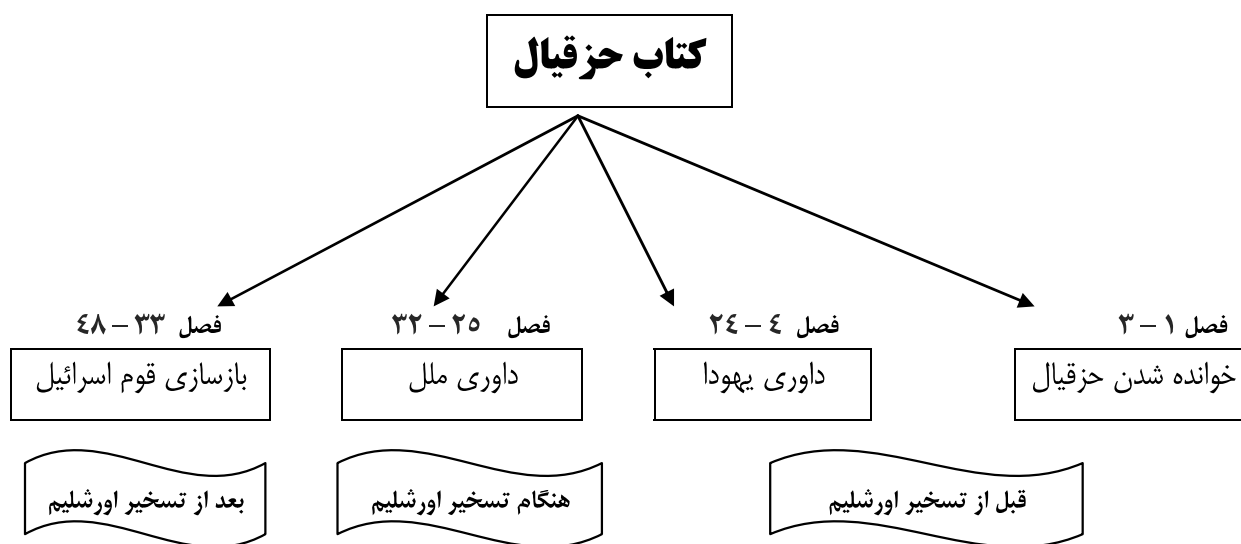
کتاب حزقیال به ۴ بخش تقسیم می شود.

(۱) خواننده شدن حزقیال (فصل های ۱ تا ۳) _ خدا در رویا جلال خود را به حزقیال نشان داده و او را می خواند تا نبی او باشد.

(۲) داوری یهودا (فصل های ۴ تا ۲۴) _ گناهان گذشته یهودا و آینده تاریک آن بوسیله چند رویا به حزقیال مکاشفه می شود. او در رویا می بیند که معبد نجس شده است. در رویا، گناه کاهنان و مشایخ را می بیند. یهودا را می بیند که مانند زن زانیه رفتار می کند و سپس می بیند که بابل مانند عقابی آمده و آنها را می کند بطوری که مصر هم نمی تواند به آنها کمک کند.

(۳) داوری ملل (فصل های ۲۵ تا ۳۲) _ همسایگان یهودا ممکن است از وضع وخیم فعلی یهودا خوشحال باشند اما نبوت داوری آنها هم بزودی می رسد. آنها هم بزودی بوسیله بابل نابود خواهند شد. حزقیال پیشگویی می کند که کشور مصر هیچگاه به کلی نابود نخواهد شد اما هیچگاه هم به جلال اول خود نیز بر نخواهد گشت. بعد از ۲۵۰۰ سال می بینیم که این پیشگویی و بسیاری پیشگویی های دیگر کتاب ارمیاء مو به مو در طول تاریخ انجام شده است. کشور مصر هزاران سال است وجود دارد و نابود نشده است ولی هیچگاه نیز به جلال چند هزار سال پیش باز نگشته است.

(۴) بازسازی قوم اسرائیل (فصل های ۳۳ تا ۴۸) _ نبوت های این بخش بعد از نابودی اورشلیم به حزقیال داده شدند. حالا که پیشگویی او در مورد داوری خدا و نابودی اورشلیم به حقیقت پیوسته است، دیگر تمرکز کلام او روی محکومیت و داوری نیست بلکه روی امید و تسلی می باشد. حزقیال بیان می کند که همانطور که داوری به طور قطع آمد، وعده های برکت و بازسازی خدا هم بطور قطع خواهد آمد. رویای استخوانهای خشک در این قسمت می باشد. پاک شدن و اتحاد دوباره یهودا و اسرائیل پیشگویی می شود.



مکاشفه عیسی مسیح

شاخه تازه سرو آزاد _ آیات ۷۱ : ۲۲ _ ۲۴ پیشگویی می کند که مسیح شاخه تازه ای است که به سروی عظیم تبدیل شده و بر کوهی بلند (نشانه اقتدار) نشاندۀ خواهد شد. مسیح در اشعیا ۱۱ : ۱ و ارمیا ۲۳ : ۵ و ارمیا ۳۳ : ۱۵ و زکریا ۳ : ۸ و زکریا ۶ : ۱۲ نیز «شاخه» خوانده شده است.

پادشاه _ عیسی مسیح آن تاجدار است که حق سلطنت به او داده شده است (۲۱ : ۲۶ _ ۲۷). او همان «داود» است که قرار است بر قوم خدا سلطنت کند (۳۷ : ۲۲ _ ۲۸). او همان «شاخه یسی» می باشد (رومیان ۱۵ : ۱۲).

شبان نیکو _ در آیات ۳۴ : ۱۱ _ ۳۱ می بینیم که یهوه می گوید «من خودم گوسفندان خویش را طلبیده آنها را تفقد خواهم نمود» (۱۱) و سپس توضیح می دهد که مسیح موعود آن شبان خواهد بود (۲۳). این آیات الوهیت (خدا بودن) مسیح موعود را پیشگویی می کند. عیسی مسیح خود ادعا می کند همان شبانی است که وعده داده شده است (یوحنا ۱۰ : ۱۱ _ ۱۶). بنابراین وقتی مسیح می گوید : «من شبان نیکو هستم» در حقیقت دارد ادعای الوهیت (خدا بودن می کند) چراکه در عهد عتیق، یهوه است که خود را شبان می داند.

حزقیال _ حزقیال ۹۰ بار خود را «پسر انسان» می خواند که از این لحاظ شبیه مسیح می باشد. عیسی مسیح نیز خود را بارها «پسر انسان» می خواند. دانیال توضیح می دهد که «پسر انسان» نیز لقبی برای مسیح موعود می باشد.

مکاشفه روح القدس

روح نبوت _ حزقیال کلامی که ابراز می کند را به نازل شدن روح خدا نسبت می دهد (۱۱ : ۵). در این کتاب به روح خدا اشارات بسیار شده است.

روح رويا _ زبان روح القدس، خواب و رويا می باشد. حزقیال، روياهای خود را نیز به کار روح القدس ربط می دهد (۱۱ : ۲۴ و ۳۷ : ۱).

روح حیات _ در رويايي که روح القدس به حزقیال در مورد استخوانهای خشک می دهد، بارها تکرار می شود که روح القدس، روح حیات و زندگی می باشد (۳۷ : ۵ _ ۱۴).

تولد تازه _ در آیات ۱۱ : ۱۹ _ ۲۰ و همچنین ۳۶ : ۲۵ _ ۲۷، خدا کار روح القدس در عهد جدید را پیشگویی می کند. با ایمان به عیسی مسیح، روح القدس به ما تولد تازه داده و « دل تازه » و « روح تازه » به ما عطا می کند.

روح استواری و ایستادگی _ گرچه وقتی حزقیال جلال خدا را مشاهده می کند برو می افتد (۱ : ۲۸)، اما وقتی روح القدس بر او می آید، او را می ایستاند (۲ : ۲ و ۲۴ : ۲).

آب زنده _ در روياي فصل ۴۷، کارهای مختلف روح القدس بیان می شود. روح خدا مانند آبی است که به هر جا می رسد حیات و زندگی می آورد (۴۷ : ۹).

آب شفا بخش _ روح القدس مانند آبی است که به هر جا که بخورد شفا می آورد (۴۷ : ۸ _ ۹).

دروس اصلی روحانی

۱ - خادم خدا وظیفه دیده بانی دارد.

کسی که بوسیله ایمان به عیسی مسیح تولد تازه پیدا کرده است، کسی است که چشمان روحانیش باز شده و می تواند برکت و لعنت را تشخیص بدهد. او نابودی ابدی غیر ایمانداران و وضع خطرناک و وخیم ایماندارانی که در گناه زندگی می کنند را به وضوح می بیند. بنابراین چون می بیند، پس مسئولیت خطیری دارد.

طبق حزقیال ۱۷ : ۳ _ ۲۱ و همچنین ۳۳ : ۲ _ ۹، ما از طرف خدا وظیفه داریم بشارت بدهیم و بنا کنیم. ما باید وظیفه دیده بانی خود را انجام داده و حقیقت را با محبت برای همه بیان کنیم و از طرف خدا با دلسوزی به همه هشدار بدهیم. **طبق کلام خدا، اگر این وظیفه را انجام ندهیم مسئول خون مردم هستیم.**

خداوند چه کسانی را در اطراف شما گذاشته که باید پیغام نجات خدا را از شما بشنوند؟ چه ایماندارانی را می شناسید که در گناه خود ادامه می دهند؟ اگر کلام را از جانب خدا اعلام نکنید، به خداوند جوابگو هستید. در حقیقت دیده بانی هستید که وظیفه خود را انجام نمی دهید و در نتیجه، خون این عزیزان به گردن شما می باشد. خداوند به ما دید روحانی داده است و حال و آینده دنیا را می بینیم. اما دنیا در گناه و در خواب است. انسان ها بدون آنکه بدانند، دارند بسوی هلاکت ابدی پیش می روند. بیايید کلام خدا را با محبت و با جرات با دوستان و فامیل و آشنایان خود درمیان بگذاریم. اگر به وظیفه خود عمل نکنیم خدا خون آنها را از ما خواهد طلبید.

۲- گاهی خدا به دنبال شفاعت یک نفر می گردد تا قومی را نجات بخشد.

در ۲۲ : ۳۰ خداوند می گوید که به دنبال کسی گشته است که در شکاف دیوار بایستد اما کسی را نیافته است. کلام خدا پر است از نمونه هایی که دعای یک شخص تاثیر اساسی در سرنوشت یک قوم داشته است. موسی بارها برای تمام قوم شفاعت کرد و آنها را از نابودی کامل نجات داد.

شما وقتی در ساختمان روحانی قوم خدا و کلیسا شکافی می بینید چه می کنید؟

آیا می گوئید به من مربوط نیست؟

آیا به کسانی که باعث آن سوراخ در دیوار روحانی کلیسا شده اند حمله می کنید؟

آیا می گوئید این چه کلیسایی است که دیوار روحانی آن چنین شکافی را دارد و آن کلیسا را ترک می کنید؟

آیا نسبت به شبان و رهبران تلخ می شوید که چرا این شکاف را نمی بینند و یا اگر می بینند چرا کاری در مورد آن نمی کنند؟

یا آنکه مانند یک مرد و زن خدا وسیله دست خدا می شوید و با محبت و دلسوزی برای قوم خدا، با دعا در آن شکاف روحانی ایستاده و شفاعت می کنید و در ترمیم آن با خداوند همکاری می کنید؟

در چند سالی که شبانی کرده ام، تمام عکس العمل های بالا را در ایمانداران دیده ام. متأسفانه بعضی ایمانداران شکاف ها را دیده اند اما با عکس العمل های غلط بالا نه تنها برای کلیسای خداوند کاری نکرده اند بلکه به آن ضربه زده و حتی آن شکاف را وسیع تر ساخته اند. اما خوشبختانه مردان و زنان خدایی هم بوده اند که با دعا در شکاف ایستاده اند و با من و بقیه خادمین، برای ترمیم آن شکاف همکاری کرده اند. دعا می کنم شما چنین افرادی باشید.

۳- خدا خشم، حسادت و کینه خادم خود را داوری می کند.

خداوند به «حیات خود» قسم می خورد که کسی که خشم و حسد و کینه در قلب دارد را داوری کند (۲۵ : ۶ و ۳۵ : ۱۱). خداوند بخصوص به کسانی هشدار می دهد که از شکست دیگران و داوری خداوند بر آنها خوشحال می شوند.

چقدر مهم است که قلب های خود را مرتب در حضور خدا آورده و با بخشش آنها پاک کنیم. آیا بر خشم خود پیروز شده اید؟ آیا موفقیت و یا استعدادها و عطایای عالی دیگران حسادت شما را بر می انگیزاند یا از روح شکرگزاری پر می شوید؟ آیا وقتی شکست دشمن خود را می بینید و یا مشاهده می کنید که او تحت داوری خدا قرار گرفته است، خوشحال می شوید؟ اگر خود ما قلب خود را صادقانه تفتیش نکرده و با این مسایل خودمان مواجه نشویم، خداوند مجبور می شود وارد عمل شده و خود ما را داوری و اصلاح کند تا این سرطان های مخرب را از قلب ما ریشه کن کند.

در تمام سالهای ایمانی خود تا بحال ندیده ام که خادمی از خشم یا حسادت و یا کینه پر باشد و در عین حال در خدمت خود موفق نیز باشد. برعکس دیده ام که چنین خادمینی برای بدن مسیح بیشتر لعنت بوده اند تا برکت. یعنی بیشتر به آن ضربه زده اند تا آنکه آن را بنا کنند. همچنین دیده ام که خداوند چنین خادمین را سریع

کنار نمی گذارد بلکه اول سعی دارد آنها را شکسته و از این بیماری های روحی مهلک شفا دهد و آنها را بکار برد. اما اگر نخواهند بشکنند و شفا یابند، آن وقت است که خداوند چاره ای ندارد جز اینکه آنها را از خدمت کنار بگذارد.

۴- خدا از شبانانش می خواهد که به گله او برسند.

در ۳۴ : ۳ _ ۴، خداوند با نکوهش کردن نمونه بد شبانان، نشان می دهد که از یک شبان چه انتظار دارد. این آیات بسیار مهم هستند چرا که کاربرد آنها فقط برای شبانان کلیسا نمی باشد بلکه همچنین روش کار پدران (به عنوان شبان خانواده هایشان) و کمک شبانان گروه های شباهنگ، خادمین جوانان و معلمین کانون شادی را نیز مشخص می کند.

طبق این آیات، یک شبان خوب :

(۱) گله خدا را چرانده و غذا می دهد.

(۲) ضعیفان را تقویت می دهد.

(۳) بیماران را معالجه می کند.

(۴) شکسته ها را شکسته بندی می کند.

(۵) رانده شدگان را پس می آورد.

(۶) گم شدگان را پیدا می کند.

(۷) بر آنها با جور و ستم خداوندی نمی کند.

به عنوان پدر یا مادر یک خانواده و به عنوان خادم خدا، کدام یک از کارهای بالا را به خوبی انجام می دهید؟ در کدامیک باید توبه کرده و عوض شوید؟ آیا در گروه شباهنگ خود این روحیه بالا را دارید؟ آیا نسبت به شخص یا اشخاصی که شاگردسازی می کنید، چنین روحیه ای را دارید؟ اراده خدا این است که داشته باشید. از او در دعا بخواهید که روحیه بالا را به شما بدهد. او از این تقاضای شما خوشحال خواهد شد و جواب مثبت خواهد داد چرا که در حقیقت شما دارید از خداوند می خواهید که قلب خود را به شما بدهد.

۵- در تجارب روح القدس می توان عمیق تر و عمیق تر شد.

در ۴۷ : ۱ _ ۱۱ می بینیم که با روح القدس می توان تجارب مختلف داشت. روح القدس مانند رودخانه پر آب می باشد که در جریان می باشد. این به ما بستگی دارد که تا چه حد داخل آن شویم. در روح القدس می توان تا قوزک پا فرو رفت، یا تا زانو، یا تا کمر و یا می توان در او شنا کرد. روح القدس وقتی در زندگی ما جاری می شود به هر جا که برسد آن را تازگی بخشیده و شفا می دهد. روح القدس در نهایت، زندگی ما را سرسبز و پر میوه می کند. یک خطر بزرگ برای هر مسیحی و بخصوص یک خادم خدا این است که فکر کند که مسیحیت همان است که او تا آن لحظه تجربه کرده است. این طرز فکر باعث می شود که او نسبت به تجارب تازه تر و عمیق تر روح القدس بسته شده و حتی مخالف کسانی شود که تجارب عمیق تر با روح القدس داشته اند. حتی ممکن است تجارب آنها را از خدا نداند و به این وسیله به روح القدس کفر گوید. چه بسیار ایمانداران مسیحی که تعمید

روح القدس را گرفته اند و به زبانها نیز صحبت می کنند و فکر می کنند دیگر به پایان کار رسیده اند. تجربه تعمید روح القدس، پایان کار نیست بلکه تازه آغاز تجارب دیگر و عمیق تر با روح القدس می باشد. آیا تعمید روح القدس را تجربه کرده اید؟ آیا شنا کردن در او را تجربه کرده اید؟ آیا می دانید با هر چه تجربیات عالی روحانی که ممکن است تا به امروز داشته اید، هنوز می توانید در روح القدس عمیق تر شوید؟ برای همین است که ایمان و زندگی یک مسیحی که روحیه باز دارد هیچوقت کسل کننده نمی شود و همیشه تازه است. خداوند لایتناهی است و تا ابد طول می کشد که او را بشناسیم و او را تجربه کنیم. در نتیجه زندگی ما در آسمان نیز هیچگاه کسل کننده نخواهد شد. حتی اگر هزاران هزار سال بگذرد، رابطه ما با خدا هنوز زنده و تازه خواهد بود چرا که هر روزه تجربه تازه ای با او خواهیم داشت.

سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی حزقیال چه می باشد؟
- (۲) کتاب حزقیال شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- (۳) دو مکاشفه عیسای مسیح را در حزقیال نام ببرید.
- (۴) سه درس روحانی از کتاب حزقیال را بیان کنید.
- (۵) خدمت ارمیاء پر از اشک ها ولی خدمت حزقیال پر از است.
- (۶) چهار مکاشفه روح القدس را در حزقیال نام ببرید.
- (۷) پیغام حزقیال مانند بسیاری از پیامبران دیگر، شامل دو قسمت می باشد. آن دو قسمت کدامند؟

دانیال

نویسنده و تاریخ نگارش

دانیال نویسنده این کتاب می باشد که آنرا حدوداً در سال ۵۳۰ قبل از میلاد نوشته است. دانیال ظاهراً از یک خانواده سرشناس در یهودا می باشد که در بابل به اسارت برده شده است. بعد از ۳ سال تربیت، اسم او از دانیال به معنی «خدا داور من است» به بلتشنصر به معنی «بعل محافظ اوست» عوض می شود و مقامی به او در دولت بابل داده می شود. وقتی دانیال به اسارت برده شد، نوجوانی شانزده ساله بیش نبود. در نتیجه بیشتر طول ۷۰ سال را او در خدمت دولتی قرار داشت. او ۲ پادشاه بابل (نبوکدنصر و بلشنصر) را خدمت کرد و سپس بعد از شکست بابل از حکومت فارس (در سال ۵۳۸ قبل از میلاد)، بخاطر شخصیت عالی و کاردانی اش، در مقام خود باقی مانده و کورش و داریوش را نیز خدمت نمود.

زمینه و موضوعات اصلی

خدا با دانیال نیز در رویاها صحبت می کند. از ۱۲ فصل این کتاب، ۹ فصل آن مربوط به رویاها می باشد. بخاطر نبوت های زیادی که در مورد زمانهای آخر در این کتاب وجود دارد، کتاب دانیال گاهی «مکاشفه عهد عتیق» نیز خوانده شده است. دانیال خطاب به اسرای یهودی نوشته شده است تا آنها را در مورد آینده شان تشویق نماید. خدا در حزقیال قول می دهد که قوم اسرائیل را از لحاظ **روحانی** بازسازی کند و در دانیال قول می دهد که آنها را از لحاظ **سیاسی** بازسازی کند. در نتیجه نبوت های حزقیال تحولات روحانی را پیشگویی می کند و نبوت های دانیال تحولات سیاسی را پیشگویی می نماید. این کتاب نشان می دهد که خدا در امور سیاسی دنیا دخالت دارد و آمدن و رفتن قدرت ها از کنترل و دانش او خارج نیست.

بسیاری از نبوت های دانیال در مورد دوره ۴۰۰ ساله قبل از مسیح می باشد. دانیال بطور دقیق آمدن و رفتن ۴ قدرت سیاسی بابل، فارس، یونان و روم را پیشگویی می کند. تاریخ ثابت می کند که این پیشگویی ها در طول تاریخ جزء به جزء انجام شده است.

بقیه نبوت های دانیال مربوط به زمانهای آخر می باشد. دانستن کتاب های حزقیال و دانیال در تفسیر درست کتاب مکاشفه نقش اساسی دارد. مثلاً از نبوت ۷۰ هفته در فصل ۹، ۶۹ هفته مربوط به زمان بین ساخته شدن معبد یهودیان به دستور کورش و زمان به صلیب کشیدن عیسای مسیح می باشد. بین این ۶۹ هفته و هفته آخر، زمان نامعین طولانی وجود دارد که ما اکنون در همین دوره زمانی زندگی می کنیم. هفته آخر آن (۷ سال) مربوط به ۷ سال مصیبت عظیم در روزهای آخر می باشد که در مکاشفه نیز از آن نام برده شده است.

دانیال برای ما ایرانیان از اهمیت خاصی برخوردار است. او وزیر پادشاهان ایرانی چون داریوش و کورش بود و قبر او نیز در شوش می باشد. دانیال نه تنها شخصی روحانی بود و تعهد کامل به خدای خود داشت، بلکه شخصی

بود امین و کاردان که بر پادشاهانی که خدمتشان را می کرد، تاثیر بسیاری می گذاشت. داریوش پادشاه او را به شدت دوست داشت بطوریکه وقتی او را بخاطر دسیسه اطرافیان به چاه شیران می اندازد، شب تا صبح خوابش نمی رود (۶: ۱۹). احتمالا او بود که به کورش نشان داد که در کتاب اشعیا ۱۳۰ سال قبل از تولد کورش در مورد او، پیروزی هایش و کارهایش پیشگویی شده است.

مطمئناً ایمان دانیال بر کورش و داریوش تاثیر بسیار گذاشته است. گفته های کورش در فصل ۱ عزرا و دستوری که داریوش در ۶: ۲۷ - ۲۸ صادر می کند، نشان دهنده این است که به احتمال قوی این دو پادشاه به یهوه ایمان آورده بودند و آنها را در آسمان خواهیم دید.

کلمه کلیدی : نقشه خدا برای قوم اسرائیل

این کتاب آینده قوم اسرائیل را (بخصوص جنبه سیاسی و کشوری آنرا) بیان می کند.

آیات کلیدی : ۲: ۲۰ - ۲۲ و ۲: ۴۴

۲: ۲۰ - ۲۲ ... « و دانیال متکلم شده گفت : اسم خدا تا ابدالاباد متبارک باد. زیرا که حکمت و توانایی از آن وی است. و او وقت ها و زمانها را تبدیل می کند. پادشاهان را معزول می نماید و پادشاهان را نصب می کند. حکمت را به حکیمان می بخشد و فطانت پیشگان را تعلیم می دهد. اوست که چیزهای عمیق و پنهان را کشف می نماید. به آنچه در ظلمت است عارف می باشد و نور نزد وی ساکن است.»

۲: ۴۴ ... « و در ایام این پادشاهان خدای آسمان سلطنتی را که تا ابدالاباد زایل نشود، بر پا خواهد نمود و این سلطنت به قومی دیگر منتقل نخواهد شد، بلکه تمامی آن سلطنت ها را خرد کرده مغلوب خواهد ساخت و خودش تا ابدالاباد استوار خواهد ماند.»

فصل کلیدی : ۹

در این فصل پیشگویی ۷۰ هفته وجود دارد که ترتیب زمانی کارهای مسیح را بیان می کند.

بررسی

دانیال فصل اول را به زبان عبری می نویسد. سپس فصل های ۲ - ۷ را به زبان آرامی (زبان قوم بابل) می نویسد و در آخر در فصل های ۸ - ۱۲ به زبان مادری خود، عبری، بر می گردد. او فصل های مختلف را در دوره های مختلف خدمت سیاسی خود تحت پادشاهان مختلف می نویسد :

فصل های ۱ - ۴، در خدمت نبوکدنصر

فصل های ۵ و ۷ - ۸، در خدمت بلشصر

فصل های ۶ و ۹، در خدمت داریوش

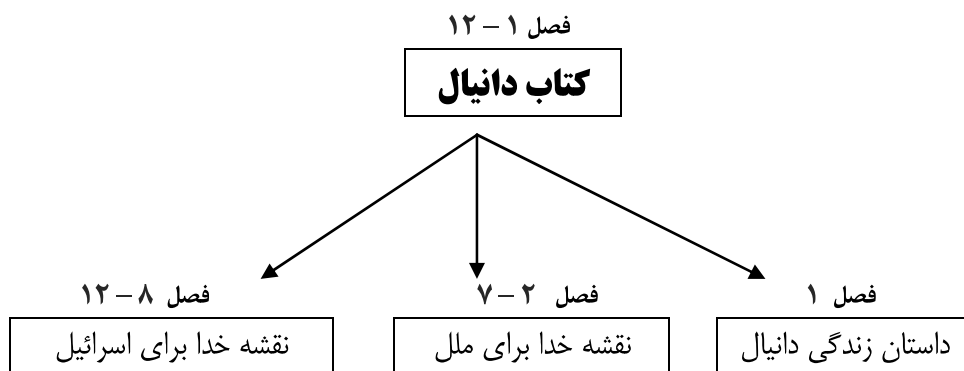
فصل های ۱۰ - ۱۲، در خدمت کورش

کتاب دانیال به سه بخش اصلی تقسیم می شود :

(۱) داستان زندگی دانیال (فصل ۱) _ در این فصل گفته می شود که چگونه دانیال به بابل آورده می شود و در آنجا انتخاب شده و برای خدمت دولتی در بارگاه نبوکدنصر تربیت می شود. گرچه اسم و غذای او و کشور او عوض شده است و با اینکه از یک خانواده سرشناس می باشد و از یک زندگی مرفه به اسارت در آمده است، با وجود این تغییرات سخت، دانیال تصمیم می گیرد به یهوه خدای خود وفادار بماند.

(۲) نقشه خدا برای ملل (فصل های ۲ تا ۷) _ نبوکدنصر خوابی می بیند که فقط دانیال می تواند خواب او را تعبیر کند. این خواب، آمدن و رفتن ۴ قدرت جهانی را در قرن های بعدی به ترتیب بیان می کند. این امپراطوری ها بابل، فارس، یونان و روم بودند. تاریخ نشان می دهد که پیشگویی های دانیال در مورد این چهار قدرت جهانی در طول ۵۰۰ سال بعد موبه مو انجام شد. در فصل ۷ پیشگویی می شود که در زمانهای آخر ایمانداران، دنیا را تا به ابد سلطنت خواهند کرد (۷ : ۱۸). در فصل ۶ توطئه بر علیه دانیال برای توطئه گران نتیجه معکوس می دهد و خداوند او را از چاه شیران نجات می بخشد.

(۳) نقشه خدا برای اسرائیل (فصل های ۸ تا ۱۲) _ پیشگویی های فصل ۸، آینده اسرائیل را تحت حکومت فارس و یونان بیان می کند. «شاخ بزرگ» اسکندر کبیر بود که فارس را شکست داد. بعد از دعای توبه برای قومش، دانیال رویای ۷۰ هفته را در فصل ۹ می بیند. در فصل ۱۰ و ۱۱، آینده اسرائیل پیشگویی می شود و فصل ۱۱ و ۱۲، در مورد پادشاهان آینده فارس و یونان نبوت می کند.



مکاشفه عیسیای مسیح

سنگ بزرگ _ عیسیای مسیح سنگی است که تمام سلطنت های جهان را خرد خواهد کرد و سپس تمامی جهان را پر می سازد (۲ : ۳۴ _ ۳۵).

پسر انسان _ دانیال بیان می کند که لقب دیگر مسیح موعود، «پسر انسان» می باشد که از آسمان خواهد آمد و جمیع قوم ها و امت ها و زبانها او را پرستش خواهند کرد (۷ : ۱۳ _ ۱۴).

مسیح _ شخصیتی که قرار است از آسمان به زمین آید «مسیح» خوانده می شود و پیشگویی می شود که از صدور فرمان تعمیر کردن اورشلیم تا ظهور مسیح ۶۹ هفته (۶۹ ضربدر ۷ سال = ۴۸۳ سال) خواهد بود (۹ : ۲۵ _ ۲۶). هفته آخر (۷ سال) مربوط به روزهای آخر می باشد.

قدیم الایام _ عیسای مسیح همان است که از ابتدا بوده است (۷ : ۱۳ _ ۱۴) و یکی از لقب های او «قدیم الایام» می باشد.

پسر خدا _ عیسای مسیح همان خدای جسم پوشیده است که با سه فرزندش که برای او ایستادند، در کوره آتش ایستاد (۳ : ۲۵).

مرد نورانی _ دانیال در رویا با عیسای مسیح روبرو می شود (۱۰ : ۵ _ ۶). توضیحاتی که دانیال از ملاقات با مسیح می دهد با توضیحات یوحنا در مکاشفه ۱ : ۱۳ _ ۱۶ مطابقت دارد و تایید می کند که ملاقات دانیال با خود عیسای مسیح بوده است.

مکاشفه روح القدس

روح رویا و تعبیر رویا _ روح القدس نه تنها با خواب و رویا با دانیال صحبت می کند، بلکه به او این حکمت را می دهد که خواب پادشاه را تعبیر کند. وقتی روح القدس خواب یا رویا می دهد باید از خودش بخواهیم که تعبیر آنرا نیز بدهد.

دروس اصلی روحانی

۱ - خادم خدا در هر شرایط برای خدا می ایستد.

دانیال و دوستانش، در همه شرایط برای خدا و ایمان خود ایستادند. در این ایستادگی، نه تنها شاهد معجزات خدا بودند بلکه خدا آنها را در کار و زندگی و مقام شان برکت و ترفیع داد. عیسای مسیح برای کسانی محکم می ایستد که برای او محکم بایستند. دانیال جلوی رئیس خواجه سرایان ایستاد (۱ : ۸). دوستان دانیال در مقابل دستور نبوکدنصر ایستاده و حاضر شدند کشته شوند اما او را عبادت نکنند.

کلمه «وگرنه» در ۳ : ۱۸، نشانه کم ایمانی نیست، بلکه بُعد عمیق تری از ایمان را نشان می دهد. سه جوان می گویند «خدا ما را نجات خواهد داد. اما حتی اگر بنا به صلاحدید خودش بخواهد ما بمیریم، چون به او اعتماد داریم که خدای نیکو است، باز هم حاضریم.» دانیال بدون خجالت روزی سه مرتبه با پنجره های باز دعا می کرد. این باعث شد به چاه شیران انداخته شود اما با معجزه سالم بیرون آمد تا ایمان او و خدای او برای همه تایید شود.

در سختی ها است که ایمان من و شما آزمایش می شود. آیا برای خدا تا به آخر و تحت هر شرایط می ایستیم یا بنا به موقعیت، ایمان و ایستادگی ما برای خدا بالا و پایین می رود؟ آیا ایمانداران «چسکی» هستیم که با یک سیلی، ایمانمان یادمان می رود؟ باید بدانیم که با ایستادگی، می توانیم در کوره آتش باشیم اما حضور پسر خدا هم با ما باشد. بخاطر داشته باشیم خداوند گاهی ما را «از سختی» نجات می دهد و گاهی «در سختی» نجات می دهد. گاهی ما را از موت نجات می دهد و گاهی می گذارد در سایه وادی موت وارد شویم ولی در آنجا با ما

قدم می زند. بیاید از ترسهایمان آزاد شده و مانند دانیال «دردل خود قصد» نماییم (۱ : ۸) که در هر شرایط و به هر قیمتی برای خدا بایستیم. این روحیه، همراه با خون مسیح و شهادت ما، شیطان را شکست می دهد (مکاشفه ۱۲ : ۱۱).

بیاید این دروغ را نیز از خود دور کنیم که «اگر در راستی برای خدا بایستیم، در شغل خود موفق نمی شویم و به اصطلاح، کالا» همان پس معرکه خواهد بود.» دانیال با اینکه یک خارجی و اسیر بود، وقتی برای خدا محکم ایستاد، از کار برکنار نشد، بلکه با دخالت خدا، حتی ترفیع مقام گرفت. خدا کاری کرد که حتی وقتی دولت عوض شد و قدرت از دست بابل به پادشاهی فارس رسید، باز هم او در مقام خود باقی بماند. بیاید به عقل خود تکیه نکنیم و نخواهیم با زرنگی های انسانی در کار و زندگی خود موفق شویم. بیاید باور کنیم که خدا هست و کسانی که برای او می ایستند را موفق می گرداند.

۲- خادم خدا با وجود مشغلات فراوان، برای گرفتن مکاشفات از خدا دعا کرده و روزه می گیرد.

دانیال کالا" اهل دعا بود و با وجود مشغلات و مسئولیت های بسیار سنگین به عنوان وزیر، روزی سه بار زانو زده و دعا می کرد. در فصل ۹، دانیال دعای شفاعت می کند و مانند بسیاری از مردان خدا، به گناهان خود و گناهان قوم خود اعتراف می کند. در همین دعا است که با فرشته جبرائیل روبرو شده و مکاشفه ۷۰ هفته را دریافت می کند (۹ : ۲۰ - ۲۱). او در ۱۰ : ۲ - ۳، سه هفته روزه می گیرد و در آخر سه هفته، با خود عیسای مسیح ملاقات روبرو می کند (۱۰ : ۴ - ۲۱).

آیا مشتاق ملاقات با عیسای مسیح هستید؟ آیا مشتاق هستید خداوند با شما روبرو صحبت کند؟ تا چه حد مشتاق گرفتن مکاشفات از خداوند هستید؟ آیا حاضرید برای آن، سه هفته روزه بگیرید؟ بیاید با جدیت مشتاق مکاشفات و تجارب روحانی باشیم. بیاید با روزه و دعا وارد ابعاد عمیق تر روحانی شویم. اگر می خواهید خداوند در موردی با شما صحبت کند، چرا مدتی روزه نمی گیرید تا روی او را بطلبید و صدای شیرین او را بشنوید؟ مسئولیت های ما هیچوقت به اندازه دانیال (نخست وزیر مملکت فارس) نمی باشد. پس اگر او می توانست برای این کار وقت داشته باشد، مطمئناً اگر ما جدا نخواهیم برای این کار نیز وقت پیدا می کنیم.

۳- برای انجام وعده های خدا در مورد ایران، ایمانداران مسیحی باید دعای شفاعت کنند.

دانیال می دانست که اشیاء پیشگویی کرده است که اسارت قوم یهود ۷۰ سال می باشد و می دید که این ۷۰ سال سپری شده است و وقت آن است که خدا به وعده خود وفا نماید. پس برای خود و گناهان قوم «با دعا و تضرعات و روزه و پلاس و خاکستر» مسئلت می کند (۹ : ۱ - ۳).

دانیال نمونه خوبی برای ما ایرانیان است. ما هم می دانیم که خدا در کتاب خود (ارمیا ۴۹) قول داده است که ایران را نجات خواهد داد. اما برای انجام آن لازم است ما ایمانداران ایرانی هم مثل دانیال به طور جدی دعا کرده و با روزه، تضرعات خود را به حضور خدا بیاوریم. لازم است مانند دانیال ما ابتدا از گناهان خود توبه کرده و سپس به گناهان ایران و ایرانی اعتراف کنیم (حتی اگر خود شخصا مرتکب آنها نشده باشیم). آنگاه خواهیم خداوند به وعده های خود در ارمیا ۴۹ در مورد ایران عمل کند. ایمان داشته باشیم که با دعاها و عمل خداوند عمل خواهد کرد و ایران را نجات خواهد داد.

سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی دانیال چه می باشد؟
- (۲) کتاب دانیال شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- (۳) دو مکاشفه عیسای مسیح را در دانیال نام ببرید.
- (۴) دو درس روحانی از کتاب دانیال را بیان کنید.
- (۵) کلمه «دانیال» به معنی می باشد.
- (۶) سه مکاشفه روح القدس را در دانیال نام ببرید.
- (۷) دانیال در دربار کدام دو پادشاه ایرانی خدمت می نمود؟

هوشع

نویسنده و تاریخ نگارش

هوشع نویسنده این کتاب است که آنرا حدود ۷۴۰ قبل از میلاد نوشته است. عاموس و هوشع (که کمی جوانتر از عاموس بود) تقریباً همزمان با هم در اسرائیل (کشور شمالی) خدمت می کردند. همزمان با آنها اشعیا و میکاه در یهودا (کشور جنوبی) خدمت می کردند. کلمه «هوشع» به معنی «نجات» و هم ریشه با کلمه «یوشع» است که به معنی «یهوه نجات است» می باشد. این معادل همان کلمه «عیسی» در عهد جدید می باشد می باشد.

زمینه و موضوعات اصلی

هوشع در روزهای آخر اسرائیل و قبل از به اسارت رفتن آنها خدمت می کرد. خدمت او شباهت زیادی به خدمت ارمیا در روزهای آخر یهودا در قبل از اسارت شان می باشد. به اسرائیل در این کتاب «افراییم» نیز گفته می شود. این به این دلیل است که «افراییم» بزرگترین قبیله کشور شمالی می باشد. کشور اسرائیل در این زمان از موفقیت مالی و رفاه و آسایش بسیاری لذت می برد اما در قلب، فاسد و در روح، زانی می باشد.

هوشع در طول ۴۰ سال خدمتش بطور کلی، سه پیغام را بیان می کند :

(۱) خدا از گناه قوم خود نفرت دارد.

(۲) خداوند گناه قوم خود را به طور قطع داوری خواهد کرد.

(۳) اما محبت و وفاداری خدا همیشه باقی می ماند.

هوشع تجربه تلخی در زندگی شخصی دارد : او با یک زن فاحشه ازدواج می کند و او را پاک کرده و به خانه می آورد. اما این زن به او خیانت کرده و به زناي خود بر می گردد. هر چند هوشع همسر خود را یک طرفه دوست دارد و نسبت به او وفادار است، اما برعکس عروس او نه تنها محبتی نسبت به او ندارد بلکه خیانت کار و زانی می باشد. با این وجود، هوشع هنوز زن فاحشه خود را دوست دارد. پس می رود و او را دوباره از بازار می خرد. خداوند از این تجربه تلخ هوشع استفاده می کند که رابطه خود را با قوم خود نمونه بیاورد. خداوند به قوم می گوید که اسرائیل نیز عروس خداوند می باشد که پاک شده است اما مانند زن زانیه به زناي خود برگشته است. با این وجود خداوند حاضر است باز بها داده و عروس خود را بازخرد کند.

چونکه هوشع پیغام بالا را خود در زندگی شخصی اش کاملاً تجربه کرده بود، در نتیجه احساس خدا را برای قوم کاملاً درک می کرد پس می توانست از قلب خود سخن گوید. هوشع قوم اسرائیل را بخاطر گناهای چون دروغ، قتل، عدم صداقت، ناشکری، بت پرستی و طمع محکوم می کند. اما در میان این پیام های هشدار دهنده، خدا تسلی و امید نیز می دهد. هوشع خدایی را معرفی می کند که گرچه عادل و قدوس است و به حق داوری می کند، اما با محبت، وفادار و بخشنده نیز می باشد.

متأسفانه قوم اسرائیل به اظهارهای هوشع در مورد داوری نزدیک خداوند اهمیتی ندادند و به اسارت برده شدند.

کتاب عهد جدید از هوشع بسیار نقل قول می کنند.

کلمه کلیدی : محبت وفادارانه خدا به اسرائیل

در این کتاب، از طریق رابطه شخصی هوشع با عروسش جومر، قلب خدا و محبت و وفاداری او نسبت به قومش نشان داده می شود.

آیات کلیدی : ۱:۴ و ۷:۱۱ _ ۹

۱:۴ ... « ای بنی اسرائیل کلام خداوند را بشنوید زیرا خداوند را با ساکنان زمین محاکمه ای است چونکه نه راستی و نه رافت و نه معرفت خدا در زمین می باشد.»

۷:۱۱ _ ۹ ... « و قوم من جازم شدند که از من مرتد گردند. و هرچند ایشان را بسوی حضرت اعلی دعوت نمایند لکن کس خویشتن را بر نمی افرازد. ای افراییم چگونه تو را ترک کنم و ای اسرائیل چگونه تو را تسلیم نمایم؟ چگونه تو را مثل ادمه نمایم و تو را مثل صبوئیم سازم؟ دل من در اندرونم منقلب شده و رقت های من با هم مشتعل شده است. حدت خشم خود را جاری نخواهم ساخت و بار دیگر افراییم را هلاک نخواهم نمود زیرا خدا هستم و انسان نی و در میان تو قدوس هستم، پس به غضب نخواهم آمد.»

فصل کلیدی : ۴

در این فصل خدا شکایت می کند که قوم او حقیقت را رد کرده و دروغ های ملل بت پرست اطراف خود را پذیرفته اند.

بررسی

در این کتاب خداوند از تجربه تلخ هوشع با عروسش جومر استفاده می کند تا قلب و دید خود را به ما بشناساند. او از زندگی هوشع سه نمونه برای ما می آورد :

- ۱) همانطور که جومر عروس هوشع می باشد، اسرائیل عروس خدا می باشد.
- ۲) همانطور که جومر هوشع را ترک کرده و به دنبال مردان دیگر می رود، اسرائیل نیز به دنبال خدایان دیگر است.
- ۳) همانطور که هوشع، جومر را دوباره از بازار می خرد، خدا نیز قوم خود را بازخريد خواهد کرد.

کتاب هوشع به دو بخش اصلی تقسیم می شود :

۱) داستان زن زناکار و شوهر وفادار (فصل های ۱ تا ۳) _ هوشع بنا به هدایت خداوند با زنی زانیه

ازدواج می کند و صاحب سه بچه می شود. اسامی این سه بچه خود پیغام هایی را برای قوم اسرائیل دارد. «یزرعیل» به معنی «خدا پراکنده می کند»، «لوروحامه» به معنی «افسوس نخورده» و «لوعمی» به معنی «نه قوم من» می باشد.

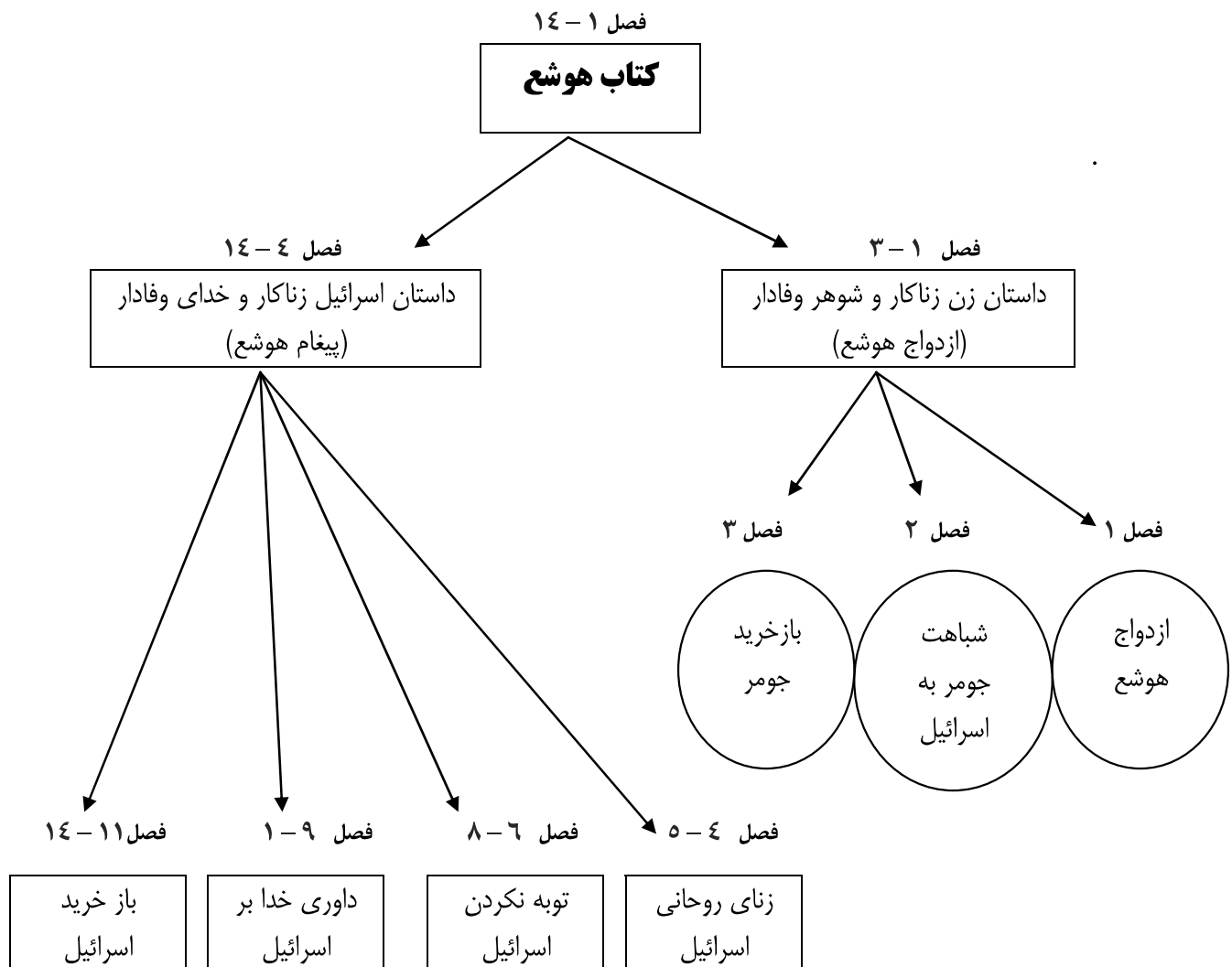
بوسیله این سه اسم، خداوند می گوید که او اسرائیل را داوری کرده و پراکنده می کند. جومر، هوشع را ترک کرده و به دنبال عاشقان دیگر می رود. اما وقتی در اعماق گناه می افتد باز هوشع رفته و او را بازخیرد می کند.

(۲) داستان اسرائیل زناکار و خدای وفادار (فصل های ۴ تا ۱۴) _ بخاطر تجربه تلخ شخصی،

هوشع درد و غم خداوند را عمیقا حس می کند. گرچه خداوند می خواهد اسرائیل زانی را شفا داده و نجات بدهد، اما آنها در غرور و بت پرستی، سرکشی کرده و این نجات خدا را نمی خواهند.

در فصل های ۹ _ ۱۰، خداوند حکم خود را صادر می کند : اسرائیل پراکنده خواهد شد.

فصل های ۱۱ _ ۱۴ اعلام می کند که با این وجود که خدا باید تنبیه کند، محبت او پایانی ندارد و در نهایت، او قوم پراکنده خود را نجات خواهد داد.



مکاشفه عیسیای مسیح

فراخواندگی از مصر _ متی ۲: ۱۵ از هوشع ۱۱: ۱ نقل قول می کند و نشان می دهد که این آیه نه تنها در مورد آزادی اسرائیل از مصر است بلکه پیشگویی در مورد پسر خدا نیز می باشد. عیسیای مسیح نیز در نوزادی به مصر برده شد و چند سال بعد در کودکی از مصر آمده و در ناصره ساکن شد.

داماد _ ازدواج هوشع و جومر مانند رابطه مسیح با کلیسایش می باشد (افسیان ۵: ۲۵ _ ۳۲). ما قبل از نجات در رابطه با خدایان این جهان بودیم. اما مسیح ما را با وجود زناکاری روحانی مان انتخاب کرد تا عروس او باشیم. عیسیای مسیح با گفتن ۲: ۱۹ _ ۲۰، ما را نامزد خود می کند.

باز خرید جومر _ باز خریدن جومر بوسیله هوشع نیز همانند کار مسیح روی صلیب است. ما بخاطر گناه به این دنیا و شیطان فروخته شده و برده و اسیر هستیم. اما مسیح ما را با قیمتی گزاف می خرد که نه تنها آزاد و پاک باشیم بلکه وارد رابطه خاصی با او شده و عروس او بشویم.

شکستن قوت موت _ در ۱۳: ۱۴ پیشگویی می شود که مسیح قوت موت را در هم خواهد کوبید و بر مرگ پیروز خواهد شد (اول قرنیتان ۱۵: ۵۵).

مکاشفه روح القدس

محبت الهی _ محبت هوشع به عروسش، جومر، محبتی است الهی. محبتی بلا شرط و جویا که بدون توجه به لیاقت طرف مقابل، محبت می کند. چنین محبتی فقط می تواند ثمره روح القدس باشد (غلاطیان ۵: ۲۲).

دروس اصلی روحانی

۱ - تجربیات تلخ ما را برای خدمت عمیق تر آماده می کند.

تجربیات تلخی که هوشع با جومر داشت، باعث شد بتواند دل خداوند را عمیقاً درک کرده و خدمتی حقیقی و عمیق در بین مردم داشته باشد. هر خادم از تجربیات خودش است که خدا را خدمت می کند. پس هرچه تجربیات مختلف داشته باشد، بهتر می تواند خدمت کند. بخصوص هر تجربه سخت و تلخ یک خادم برای خودش و برای خدا سرمایه ای با ارزش است چرا که او را آماده می کند تا قلب خدا و درد مردم را بهتر درک کرده و بتواند همان تسلی که خود یافته است را به دیگران بدهد (دوم قرنیتان ۱: ۴ _ ۵).

شما در زندگی چه سختی ها و تجربیات تلخ داشته اید؟ آنها را به خدا تقدیم کنید تا نه تنها خود شما را از اثرات این تجربیات آزاد کند بلکه شما را آماده کند تا خادم موثرتری برای او باشید. هر تجربه تلخ از قبیل شکست ها، توهین ها، از دست دادن عزیزان و حتی فرزند، خیانت دوستان و نزدیکان، توهین ها، طرد شدن ها، دورویی ها، بی وفایی ها، دروغ ها، ... باعث می شوند که اولاً "خدا را بهتر درک کنیم و ثانیاً" دردهای دیگران را بیشتر احساس کنیم و در نتیجه تسلی دهنده بهتری باشیم.

به راستی چه خدای نیکویی داریم که حتی تجربیات تلخ و لعنت های زندگی گذشته ما را تبدیل به برکت و سرمایه ای گرانبها برای خدمتی موثر می کند. هلولیاه! پس افسوس تجربیات تلخ گذشته خود را نخورید. خدا می خواهد حتی به آنها با نظر مثبت نگاه کنید چون همین تجربیات می تواند شما را خادم بهتر و مفید تری سازد.

۲- درگیر شدن یک ایماندار با دنیا، از نظر خداوند بدتر از فاحشی است.

درگیر شدن ما با دنیا از چشم خدا زنای روحانی می باشد. اما مصرف کردن آنچه خدا به ما داده است (پول، وقت، استعداد، ...) برای بت های این دنیا از زنا بدتر است (۲ : ۸). چرا که می گوید : « به جمیع فاحشه ها اجرت می دهند اما تو به تمامی عاشقانت اجرت می دهی و ایشانرا اجیر می سازی که از هر طرف به جهت زناکاری هایت نزد تو بیایند » (حزقیال ۱۶ : ۳۳).

پول و وقت و استعدادهای خدادادی خود را برای چه کاری استفاده می کنید؟ اتومبیل شما برای چه کاری استفاده می شود. در خانه ای که خدا به شما داده است چه کارهایی انجام می شود؟ بر روی کامپیوتری که خدا به شما داده است چه می کنید. تلویزیون و دستگاه ویدیویی که خدا به شما داده است چه چیزهایی را نشان می دهد؟ آیا باورد دارید که هر چه داریم را خدا به ما داده است؟ آنها را برای چه مقاصدی بکار می بریم. اگر آنچه خدا به ما داده است را برای بت های این دنیا مصرف می کنیم، از چشم او زناکار هستیم پس باید توبه کنیم. چه خوب است که دعا کنیم و هرچه داریم را با شکرگزاری تقدیم خدا کنیم تا فقط برای خدمت او و جلال دادن او بکار برده شوند.

۳- وقتی خدا تنبیه می کند، نباید از سوی او بدویم بلکه باید به سوی او بدویم.

در ۶ : ۱ می خوانیم : « او دریده است و ما را شفا خواهد داد. او زده است و ما را شکسته بندی خواهد نمود. » وقتی مورد تنبیه خدا قرار می گیریم، گاهی بخاطر ترس، خجالت کشیدن از روی خدا، احساس طرد شدن بوسیله خدا یا حتی دلخوری از خدا، احساسات ما به ما می گوید که از حضور خدا دور شویم. در این شرایط باید بر خلاف احساسات عمل کرده و بجای دور شدن از خدا، به سوی تخت پرفیض او بدویم تا ما را در وقت سختی کمک کرده و شفا دهد.

وقتی خداوند شما را تنبیه می کند، عکس العمل شما چیست؟ از خدا دور می شوید یا به خدا نزدیک می شوید. به احساسات خود گوش می دهید یا به صدای روح القدس که وعده های خدا را به شما یادآوری می کند و با محبت و ملایمت شما را به آغوش پدر می خواند. در این شرایط، به صدای روح القدس گوش دهید تا به یاد ما آورد که «او که دریده است ما را شفا خواهد داد. او که زده است ما را شکسته بندی خواهد نمود.»

۴- با گناه و عدم بخشش، عطایای ما نابود شده و روح شریر وارد زندگی ما می شود.

گناه توبه نشده و بخصوص بغض و عدم بخشش، باعث می شود که حتی یک نبی (که باید حامل حکمت الهی باشد و روح القدس او را کنترل کند) نه تنها احمق شود بلکه تحت کنترل روح شریر قرار بگیرد (۹ : ۷ - ۸). چه گناه توبه نشده در زندگی شما وجود دارد و نسبت به چه کسی بغض، تلخی و عدم بخشش دارید؟ تا وقتی این مساله را حل نکرده اید، نه تنها عطایای عالی که خدا به شما داده درست عمل نمی کند، بلکه راهی باز

می شود که به جای کنترل روح القدس، روح شریر روحیه و زندگی شما را کنترل کند. شبانی را می شناسم که بخاطر عدم توبه از گناه و داشتن روح بغض، نه تنها خدمت او بلکه زندگی شخصی او بی ثمر بوده و در ایمان «شکسته کشتی» گردیده است.

۵- توبه واقعی به زبان و طرز عمل ما باید تاثیر بگذارد.

توبه می تواند ظاهری و زبانی باشد و یا عمیق و واقعی باشد. در توبه واقعی، نه تنها باید از خداوند طلب بخشش کنیم تا رابطه پاره شده ما با او دوباره برقرار شود (۱۴ : ۱ - ۲)، بلکه باید زبانهایمان را مانند قربانی تقدیم خداوند کنیم. بعلاوه باید اعتماد خود را از انسان و حتی اعمال خود برداشته و کاملاً " به او اعتماد کنیم (۱۴ : ۳). پس نشانه و نتیجه یک توبه واقعی، تغییر زبان و رفتار می باشد.

در مورد توبه هایی که کرده اید، آیا طرز صحبت شما نشان می دهد که توبه شما واقعی بوده؟ آیا قربانی های تسبیح و شکرگزاری از دهان شما ادا می شود؟ آیا نتیجه توبه واقعی در روش کار شما دیده می شود؟ آیا به کارهای خود و خدماتی که از دست شما انجام شده است تکیه می کنید یا اعتماد خود را از خود برداشته و به خدایی می دوزید که در شما ساکن است.

سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی هوشع چه می باشد؟
- (۲) کتاب هوشع شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- (۳) دو مکاشفه عیسای مسیح را در هوشع توضیح دهید.
- (۴) دو درس روحانی از کتاب هوشع را بیان کنید.
- (۵) کلمه «هوشع» به معنی می باشد.
- (۶) تجربه تلخ هوشع در زندگی شخصی اش کدام بود؟
- (۷) خدا با استفاده از تجربیات تلخ هوشع، چه پیغامی را به قوم خود داد؟

یوئیل

نویسنده و تاریخ نگارش

یوئیل نویسنده این کتاب است که آنرا حدود ۸۳۵ قبل از میلاد نوشته است. کلمه یوئیل به معنی «یهوه خداست» می باشد. یوئیل همزمان با الیشع خدمت می کرده است.

زمینه و موضوعات اصلی

ملخ ها به یهودا حمله کرده و در عرض چند ساعت، تمام گیاهان نابود می شوند. یوئیل از این بلا استفاده کرده و پیغام خدا را اعلام می کند. پیغام او این است: گرچه خدا بوسیله این بلای مخرب و وحشتناک، یهودا را داوری کرده است اما آن در مقابل داوری که خدا در «روز خداوند» خواهد کرد ناچیز است. در روز خداوند، لشکری از شمال حمله کرده و آنقدر یهودا را نابود خواهند کرد که از نابودی ملخ ها بدتر خواهد بود. تنها امید این است که قبل از آنکه روز خداوند برسد، توبه واقعی از قلب انجام شود.

تم اصلی در یوئیل، «روز خداوند» می باشد. خداوند دنیا را داوری سخت خواهد کرد اما کسانی که به خداوند ایمان داشته باشند نجات خواهند یافت (۲: ۳۲). گرچه عوبدیا اولین نبی است که به روز خداوند اشاره می کند (عوبدیا ۱۵)، اما یوئیل است که آنرا مفصل شرح می دهد. طبق دوم تسالونیکیان ۲: ۲ و دوم پطرس ۳: ۱۰، روز خداوند واقعه ای است که در آینده اتفاق خواهد افتاد. پطرس در موعظه اش در روز پنطیکاست (اعمال ۲: ۱۶-۲۱)، از یوئیل ۲: ۲۸-۳۲ نقل قول می کند اما در وسط آیه ۳۲ باز می ایستد. خود عیسی (مسیح در موعظه کوه زیتون (متی ۲۴: ۲۹)، وقایع نقل شده در یوئیل ۲: ۳۱ و ۳: ۱۵ را نشانه های مربوط به بازگشت ثانوی خود می داند.

کلمه کلیدی: روز خداوند

آیات کلیدی: ۲: ۱۱ و ۲: ۲۸-۲۹

۲: ۱۱ ... «و خداوند آواز خود را پیش لشکر خویش بلند می کند، زیرا اردوی او بسیار عظیم است و آنکه سخن خود را بجا می آورد، قدیر است. زیرا روز خداوند عظیم و بی نهایت مهیب است و کیست که طاقت آن را داشته باشد.»

۲: ۲۸-۲۹ ... «و بعد از آن روح خود را بر همه بشر خواهم ریخت و پسران و دختران شما نبوت خواهند نمود و پیران شما و جوانان شما رویاها خواهند دید. و در آن ایام روح خود را بر غلامان و کنیزان نیز خواهم ریخت.»

فصل کلیدی : ۲

در این فصل، یوئیل یهودا را به توبه دعوت می کند و قول می دهد که اگر آنها توبه کنند، خدا نیز توبه خواهد کرد و داوری را از آنها برخواهد گرداند. اما در مقابل چنین پیشنهادی، یهودا به سرکشی خود ادامه می دهد. با این وجود باز خدا قول می دهد که در زمانهای آخر، روح خود را بر بشر بریزد. شروع انجام این وعده، روز پنطیکاست بود (اعمال رسولان ۲: ۱۶ و آیات بعد).

بررسی

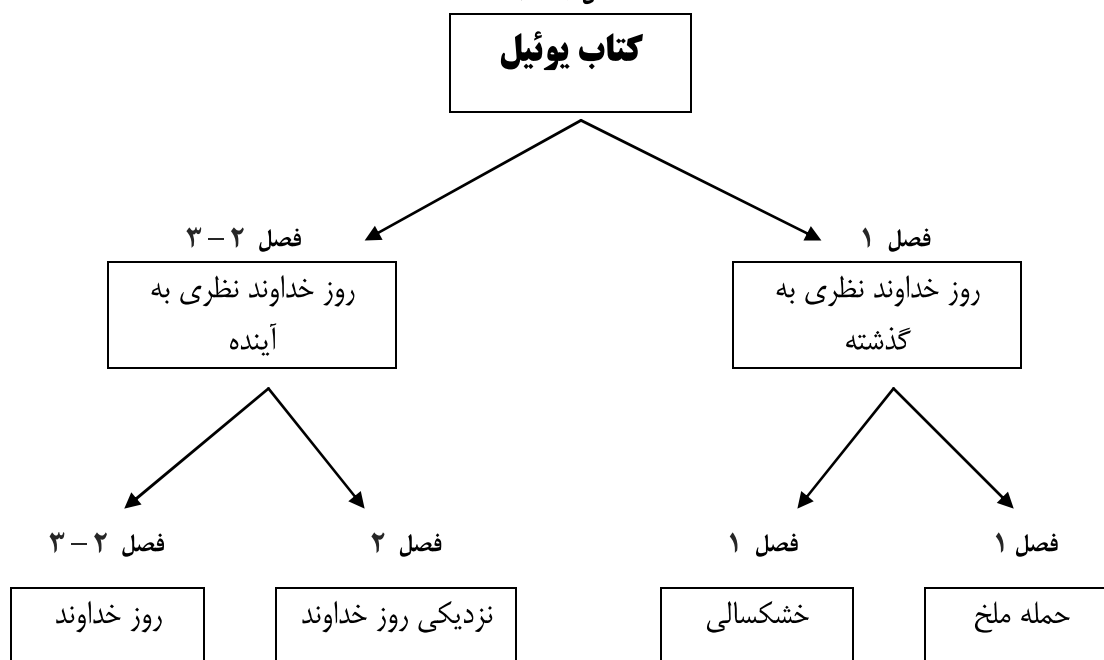
این کتاب کوتاه راجع به موضوع «روز خداوند» صحبت می کند. روز خداوند روز وحشتناک داوری خدا می باشد که در آن روز، همه مردم و ملت های جهان داوری خواهند شد. در مورد این روز، بلاهای مختلف پیشگویی می شود (ملخ، آتش، ارتش دشمن، سیارات آسمان،...) اما وعده ها و امید خداوند نیز برای آن روز دیده می شود.

این کتاب به دو بخش اصلی تقسیم می شود :

(۱) روز خداوند : نظری به گذشته (فصل ۱) _ یوئیل در این فصل بلای اخیر که حمله ملخ ها می باشد را شرح می دهد.

(۲) روز خداوند : نظری به آینده (فصل های ۲ تا ۳) _ یوئیل بلاهای آینده را توضیح می دهد تا قوم را به توبه بیاورد (۲: ۱۲_ ۱۷). خدا قول می دهد بعد از داوری، برکات جسمانی (۲: ۱۸_ ۲۷) و روحانی (۲: ۲۸_ ۳۲) را خواهد ریخت. اما در آخر، تمام دنیا را داوری خواهد کرد.

فصل ۱-۳



مکاشفه عیسی مسیح

داور نهایی _ عیسی مسیح کسی است که در آخرت، در روز خداوند در دره یهوشافاط (به معنی «خدا داوری می کند») دنیا را داوری خواهد کرد (۳ : ۲ و ۱۲).

مکاشفه روح القدس

وعده روح القدس _ در یوئیل خدا قول می دهد بر خلاف شرایط فعلی آن زمان که فقط تعداد محدودی (فقط انبیاء) آنهم به مدت محدودی روح القدس را تجربه می کردند، زمانی خواهد رسید که روح خود را بر همه خواهد ریخت. این وعده اشاره به ریخته شدن روح القدس و تجربه تعمید روح در روز پنتیکاست می کند (۲ : ۲۸ _ ۳۲).

دروس اصلی روحانی

۱ - وعده تعمید روح القدس، ارث ایمانداران عهد جدید است.

بزرگترین فرق عهد عتیق و عهد جدید، کار روح القدس می باشد. نجات بوسیله ایمان چیز تازه ای در عهد جدید نمی باشد چرا که هم ایمانداران عهد عتیق و هم ما هر دو با ایمان نجات پیدا می کنیم. طبق وعده خدا (۲ : ۲۸ _ ۲۹)، خواست خدا این است که همه در کلیسا این روح را داشته باشند و کارهای روح القدس را تجربه کنند. کارهای روح القدس کدامند؟ نبوت کردن ها و دیدن خواب و رویا. بنابراین تجربیاتی از قبیل تعمید روح القدس، پری روح القدس، شنیدن صدای روح القدس، دریافت نبوت (پیغام برای شخص خاص در شرایط خاص) از او، و دیدن خواب و رویا باید در میان ایمانداران کلیسا رایج و معمولی باشد. در این مورد فرقی بین پسر و دختر، پیر و جوان، مرد و زن وجود ندارد بلکه خدا می خواهد همه از روح پر شده و کار روح را انجام دهند. این وعده برای همه ما می باشد و در حقیقت ارثی است که خداوند به فرزندان عهد جدیدش می دهد. آیا این وعده و ارث خود را دریافت کرده اید؟ آیا تعمید روح القدس را یافته اید؟ آیا روح القدس با شما صحبت می کند؟ آیا نبوت را به غیرت می طلبید؟ آیا خدا به شما خواب و رویا می دهد؟ دعا کنیم این در زندگی شخصی ما و در کلیسای ما رایج و معمولی باشد چرا که خواست خدا برای ما همین است.

۲ - خدا قبل از داوری کردن، به ما هشدار می دهد.

بزرگترین شخصیت پر محبت خدا طوری است که به ما بارها فرصت توبه می دهد. او از بالای ملخ ها برای بیدار کردن قوم و دعوت آنها به توبه استفاده نمود. او نیز قبل از آنکه ما را داوری و تنبیه کند، با وقایع مختلف سعی می کند ما را به خود بیاورد تا توبه کنیم و شامل تنبیه خدا نگردیم. چه خوب است در زندگی خود نسبت به کارها و پیغام های خدا حساس باشیم. چه خوب است هر گناه را توبه کرده و سریع کنار بگذاریم. چه خوب است که نسبت به هشدارهای خدا حساس بوده و آنها را جدی بگیریم. اگر از این هشدارهای خدا سرسری بگذریم، خدا چاره ای ندارد جز اینکه ما را شامل تنبیه و داوری خود نماید.

سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی یوئیل چه می باشد؟
- (۲) کتاب یوئیل شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- (۳) مکاشفه عیسای مسیح را در یوئیل توضیح دهید.
- (۴) دو درس روحانی از کتاب یوئیل را بیان کنید.
- (۵) کلمه «یوئیل» به معنی می باشد.
- (۶) در یوئیل در مورد روح القدس چه وعده و پیشگویی داده می شود؟
- (۷) این وعده در مورد روح القدس چه ربطی به ما دارد؟

عاموس

نویسنده و تاریخ نگارش

خود عاموس نویسنده این کتاب است که آنرا حدود ۷۵۵ قبل از میلاد نوشته است. کلمه عاموس به معنی «بار» با «باربر» می باشد. عاموس خود از یهودا بود اما محل خدمت او اسرائیل می بود. عاموس کشاورزی بود که برای خدمت نبوت خوانده شده بود.

زمینه و موضوعات اصلی

عاموس زمانی خدمت می کند که در اسرائیل همه نسبت به آینده خوش بین هستند. ملل اطراف (آشور، بابل، سوریه و مصر) همه ضعیف هستند و خطری برای اسرائیل ایجاد نمی کنند. وضع اقتصادی مردم ظاهراً خوب است اما طمع، مال پرستی، دروغ، بت پرستی، غرور و بی عدالتی در جامعه وجود دارد. بدتر از همه، مذهبی ظاهری و یک سری مراسم جای عبادت واقعی را گرفته است. مردم با این مراسم و مذهب خود را گول می زنند و به خود می قبولانند که روحانی هستند و خدا با آنها می باشد.

عاموس بر علیه گناه صحبت می کند و می گوید داوری خدا نزدیک است تا شاید که قوم توبه کنند. عاموس اسارت اسرائیل را پیشگویی می کند (۷ : ۱۱) که در سال ۷۲۲ قبل از میلاد به انجام رسید. او می گوید گناهان اسرائیل روی هم جمع شده است. این مردم در هر مورد عهد خود با خدا را شکسته اند. محبت و رحمت خدا در این کتاب به این صورت نشان داده شده است که خدا به قوم پیشنهاد می کند که به او برگردند تا آنها را نجات دهد. فرستادن عاموس خود از محبت خدا بود که به آنها اخطار بدهد تا شاید توبه کرده و از بلا و داوری معاف شوند. اما متأسفانه آنها این اخطار را ندیده گرفته و دانسته داوری خداوند را انتخاب کردند نه رحمت و محبت او را.

در عاموس تقریباً تمام آیات در مورد داوری خدا صحبت می کند. فقط ۵ آیه است که در مورد تسلی و امید و وعده خدا می باشد. عاموس شخصی است که خیلی رک و قاطع صحبت می کند. عاموس و هوشع تنها پیامبران اسرائیل (کشور شمالی) هستند که کتاب دارند. بر عکس هوشع که بسیار با دلسوزی سخن می گوید، سخنان عاموس تند و خشن می باشند.

عاموس از کتب موسی بسیار نقل قول می کند. در عهد جدید نیز از عاموس بسیار نقل قول شده است.

کلمه کلیدی : داوری اسرائیل

آیات کلیدی : ۳ : ۱ - ۲ و ۸ : ۱۱ - ۱۲

۳ : ۱ - ۲ ... « این کلام را بشنوید که خداوند آن را به ضد شما ای بنی اسرائیل و به ضد تمام خاندانی که از زمین مصر بیرون آوردم تنطق نموده است و گفته است : من شما را فقط از تمامی قبایل زمین شناختم پس عقوبت تمام گناهان شما را بر شما خواهم رسانید.»

۸ : ۱۱ - ۱۲ ... « اینک خداوند یهوه می گوید : ایامی می آید که گرسنگی بر زمین خواهم فرستاد نه گرسنگی از نان و نه تشنگی از آب بلکه از شنیدن کلام خدا. و ایشان از دریا تا دریا و از شمال تا مشرق پراکنده خواهند شد و گردش خواهند کرد تا کلام خداوند را بطلبند اما آن را نخواهند یافت.»

فصل کلیدی : ۹

در میان فصل هایی که داوری خشن خداوند توضیح داده می شود، در این فصل زیباترین نبوت ها را در مورد بازسازی اسرائیل می بینیم. در عرض ۵ آیه، انجام وعده های خدا را که به ابراهیم و داوود داده بود در عیسی مسیح می بینیم.

بررسی

مشکل عاموس این است که اخطارهای داوری که او می دهد با آنچه که مردم در اطراف خود می بینند مغایرت دارد. در ظاهر همه چیز خوب است ولی در داخل قلب ها وضع بسیار خراب است. کتاب عاموس به ۴ بخش اصلی تقسیم شده است.

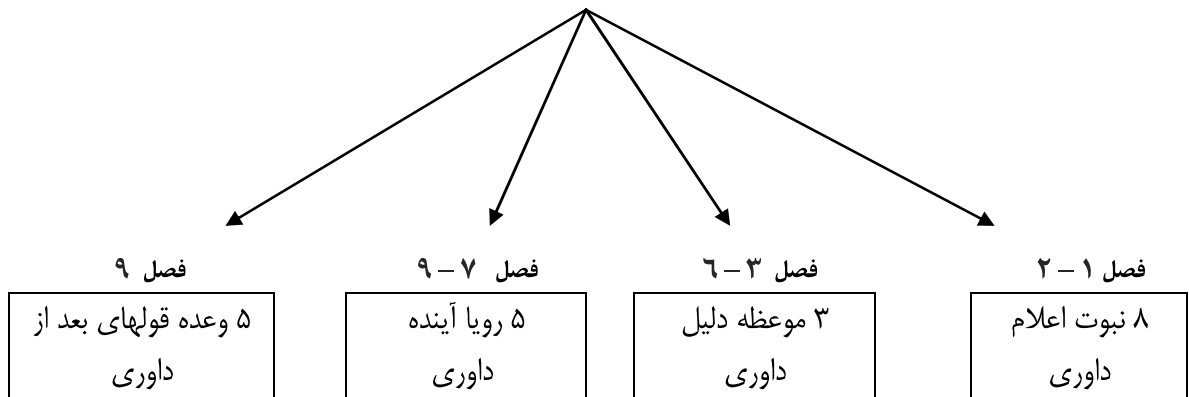
(۱) ۸ نبوت (فصل های ۱ تا ۲) _ عاموس بوسیله خداوند خوانده می شود که خانه خود در یهودا را ترک کرده به اسرائیل برود تا اخطارهای داوری را به آنها اعلام نماید. در این قسمت عاموس ۸ نبوت می کند.

(۲) ۳ موعظه (فصل های ۳ تا ۶) _ در این قسمت، عاموس سه موعظه می کند. هر موعظه با جمله «این کلام را بشنوید» شروع می شود (۳ : ۱ و ۴ : ۱ و ۵ : ۱). موعظه اول داوری را به صورت کلی بیان می کند. در موعظه دوم، جنایت ها و جرم های قوم را رو می کند. در موعظه سوم گناهان اسرائیل را نام برده و آنها را دعوت به توبه می نماید.

(۳) ۵ رویا (فصل های ۷ تا ۹) _ عاموس ۵ رویا در مورد داوری اسرائیل در آینده نزدیک می بیند. دو بالای اول (ملخ و آتش) بخاطر شفاعت عاموس اتفاق نمی افتد. رویای سوم در مورد شاقول است. رویای چهارم اسرائیل را به صورت ظرف میوه فاسد معرفی می کند که نشان دهنده این است که وقت داوری اسرائیل فرا رسیده است.

(۴) ۵ وعده (فصل ۹) _ در ۵ آیه فصل آخر، کتاب با وعده و تسلی تمام می شود. خدا وعده می دهد که نسل داود را ادامه دهد، زمین را تازه کند و قوم پراکنده شده را دوباره برگرداند.

کتاب عاموس



مکاشفه عیسای مسیح

آزاد کننده و نجات دهنده _ عیسای مسیح انجام وعده ۹ : ۱۱ _ ۱۵ می باشد که اسیران را آزاد کرده و خرابی ها را بنا خواهد کرد.

مکاشفه روح القدس

روح نبوت _ گرچه از روح القدس در عاموس بطور مستقیم اسم برده نشده است، اما کار او را در دادن نبوت ها و رویا ها به عاموس می بینیم.

دروس اصلی روحانی

۱ - خداوند نقشه های خود را به خادمین خود مکشوف می سازد.

خداوند کاری نمی کند مگر آنکه آنها به بندگان خود انبیا مکشوف می سازد (۷ : ۳). خداوند می خواهد با ما صحبت کند و نقشه ها و کارهای خود را با ما در میان بگذارد تا بدانیم و با او همکاری کنیم. او می خواهد با وقایع آینده نه تنها یکه نخوریم، بلکه با آمادگی از آنها برای کار خدا و جلال نام او استفاده نماییم. متأسفانه ایمانداران کلیسای عیسای مسیح کمتر به روح القدس گوش می کنند. اکثر ایمانداران به صدای روح القدس حساس نیستند و حتی بسیاری از کلیساها تعلیم می دهند که روح القدس امروز صحبت نمی کند و عطیه و خدمت نبوت برای امروز نمی باشد.

آیا می خواهید خداوند آنچه می خواهد بکند را به شما مکشوف سازد؟ پس گوش خود را به روح القدس بسپارید. از او بخواهید که در تشخیص صدای او و گرفتن نبوت از خدا شما را تقویت کند. تاکنون نخواستید. بخواهید تا به شما داده شود. در این مورد مصرانه تمرین کنید تا بتوانید روزانه صدای روح القدس را بشنوید.

۲- زمان بشارت و محصول عظیم خداوند نزدیک است.

خداوند قول می دهد که زمانی خواهد رسید که « شیار کننده به درو کننده خواهد رسید و پایمال کننده انگور به کارنده تخم ». طبق این نبوت، زمانی خواهد شد که کار بشارت با سرعت زیاد انجام خواهد شد و زمانی که کلام را پخش می کنید، همان روز و حتی همان لحظه نتیجه می گیرید. بیایید برای چنین روزی دعا کرده و آماده باشیم. اکنون می بینیم که آمدن این روز نزدیک است و بلکه شروع شده است.

خداوند به من در مارچ ۲۰۰۰ پیغامی داد که به کلیسا اعلام نمودم. این پیغام این بود که « فصل در ایران عوض شده است. همانطور که در عرض یک روز (۲۰ مارچ یا اول فروردین)، زمستان رسماً به پیاپان می رسد و بهار شروع می شود، به همین صورت تاریخ ایران زمستان را پشت سر گذارده و بهار را آغاز نموده است. فصل بهار، فصل کاشتن ها است. فصل بهار فصل نوبر ها است. فصل بهار فصل کار است. اما فصل تابستان در پیش است که محصول فراوانی آماده درو می شود. کسانی که به ایران می روند می گویند که تشنگی روحانی زیادی در ایران وجود دارد که بعضی ها به در خانه ایمانداران آمده و با التماس از آنها می خواهند که راجع به نجات عیسای مسیح با آنها صحبت کنند.

چند وقت پیش (اکتبر ۱۹۹۹) برادر مانی کشیش کلیسای ایرانیان هوستون نبوت کرد که این آیه را کلیسای ایرانیان سن حوزه تجربه خواهد کرد. ما به این نبوت ایمان داریم. همچنین ایمان داریم که زمانی خواهد آمد که چنین محصولی را در ایران خواهیم دید.

سوالات برای مرور درس

- ۱) کلمه کلیدی عاموس چه می باشد؟
- ۲) کتاب عاموس شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) مکاشفه عیسای مسیح را در عاموس توضیح دهید.
- ۴) دو درس روحانی از کتاب عاموس را بیان کنید.
- ۵) کلمه «عاموس» به معنی می باشد.
- ۶) روحیه عاموس بیشتر و روحیه هوشع بیشتر می باشد

عوبدیا

نویسنده و تاریخ نگارش

خود عوبدیا نویسنده این کتاب است که آنرا حدود ۸۴۰ قبل از میلاد نوشته است. او در یهودا زندگی می کرد اما در مورد سرنوشت قوم «ادوم» نبوت می کند. کلمه «عوبدیا» به معنی «عابد یهوه» می باشد. خود کلمه «عابد» می تواند هم به معنی «عبادت کننده» و هم «خادم» باشد.

زمینه و موضوعات اصلی

اختلافی که بین دو برادر دوقلو، عیسو و یعقوب، در فصل ۲۷ پیدایش شروع شد، نسل به نسل در طی قرن ها ادامه پیدا کرد. آنها حتی وقتی در رحم مادر بودند با هم جنگ داشتند و این جنگ و دشمنی بعد از تولدشان ریشه پیدا کرد و حتی بین نسل های آنها ادامه پیدا کرد. از عیسو بعد از قرن ها قوم ادوم بوجود آمد. (اسم دیگر عیسو «ادوم» به معنی «سرخ» بود - احتمالا بخاطر اینکه رنگ صورت و موی او سرخ بوده است). از یعقوب نیز قوم اسرائیل بوجود آمد.

بین عیسو و یعقوب از وقتی به صورت دوقلو در رحم مادر ب بین دو قوم اسرائیل و ادوم همواره دشمنی و اختلاف وجود داشت. بطوریکه وقتی اسرائیلی ها از اسارت مصر آزاد می شدند و در بیابان سرگردان بودند، ادومی ها نه تنها به آنها کمک نکردند، بلکه حتی اجازه ندادند که از سرزمینشان عبور کرده تا به کنعان برسند (اعداد ۲۰ : ۱۴ - ۲۱). با این وجود، خدا به یهودیان گفت که ادوم را برادر بدانند و نه دشمن (تثنیه ۲۳ : ۷).

بعد از مقیم شدن قوم در سرزمین کنعان، وقتی دشمنان اسرائیل به اورشلیم حمله می کردند، قوم ادوم بجای اینکه قوم اسرائیل را برادر دانسته و به کمک آنها بیایند، معمولا با دشمن برای مغلوب کردن و غارت کردن اورشلیم متحد می شدند. بعد ها در سال ۵۸۶ قبل از میلاد که اورشلیم بوسیله نبوکدنصر تسخیر و نابود شد، ادومی ها بسیار خوشحالی کرده و گفتند «منهدم سازید» (مزمور ۱۳۷ : ۷). نهایت این دشمنی را در عهد جدید می بینیم. به این صورت که هرود که خود ادومی (از نسل ادوم) بود، عیسای مسیح (از نسل یعقوب) را می کشد. در این کتاب، عوبدیا بعد از آنکه جرائم و گناهان قوم ادوم را یادآوری می کند، آنها را محاکمه کرده و حکم نهایی را نیز صادر می کند : ادوم کاملا نابود خواهد شد. انجام کامل این پیشگویی سال ها بعد در سال ۷۰ میلادی در حمله رومی ها به انجام رسید که در آن زمان این قوم کاملا نابود شد و دیگر نشانی از آن باقی نماند.

کلمه کلیدی : داوری ادوم

در این کتاب قوم ادوم محاکمه شده و رای محکومیت آن صادر می گردد.

آیات کلیدی: ۱۰ و ۲۱

۱۰ « به سبب ظلمی که به برادرت یعقوب نمودی، خجالت تو را خواهد پوشانید و تا به ابد منقطع خواهی شد.»

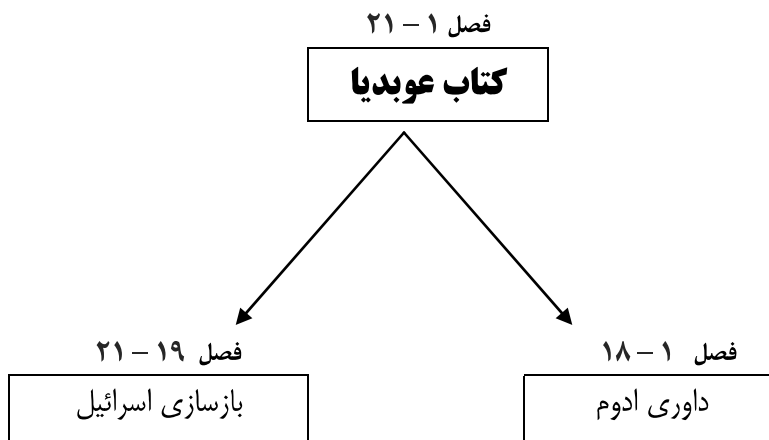
۲۱ « و نجات دهندگان به کوه صهیون برآمده بر کوه عیسو داوری خواهند کرد و ملکوت از آن خداوند خواهد شد.»

بررسی

عوبدیا که کوتاه ترین کتاب عهد عتیق است (۲۱ آیه در یک فصل)، دادگاهی شدن ادم را شرح می دهد. این کتاب به دو بخش اصلی تقسیم می گردد:

(۱) داوری ادم (آیات ۱ تا ۱۸) _ بزرگترین گناه قوم ادم این است که بجای آنکه به «برادر» خود، اسرائیل، کمک کند، نه تنها از شکست و نابودی اورشلیم خوشحال هم می باشد، بلکه تازه با دشمنان اسرائیل در این کار همکاری نیز می کند.

(۲) بازسازی اسرائیل (آیات ۱۹ تا ۲۱) _ خدا به ادم قول بازسازی نمی دهد. رأی نابودی، رأی نهایی است. اما برای قوم اسرائیل نبوت می شود که نه تنها سرزمین خود را دوباره به دست می آورند، بلکه سرزمین ادم نیز مال آنها خواهد شد.



مکاشفه عیسای مسیح

داور ملل _ عیسای مسیح کسی است که در روز خداوند بر ملل جهان داوری خواهد کرد (آیات ۱۵ _ ۱۶).

نجات دهنده _ عیسای مسیح نجات دهنده خواهد بود (آیات ۱۷ _ ۲۰).

صاحب ملکوت _ ملکوت از آن عیسای مسیح خواهد بود (آیه ۲۱).

مکاشفه روح القدس

دهنده رویا _ گرچه از روح القدس بطور مستقیم نامی برده نشده است، اما رویایی که به عوبدیا داده شد مسلماً "از روح القدس می باشد (آیه ۱).

دروس اصلی روحانی

۱ - خداوند کسی که با برادرش دشمنی می کند را داوری خواهد کرد.

خداوند می خواهد که همه و بخصوص برادران و خواهران مسیحی در رابطه درست با یکدیگر باشند. خداوند به روابط بین ایمانداران بسیار اهمیت می دهد. خداوند کسی که برادر خود را دشمن می داند، از وضع بد برادرش خوشحال می شود و یا از آن سوء استفاده می کند را قول می دهد داوری کند (آیات ۱۲ _ ۱۵).

پس هر چقدر ایمانداران، خادمین و حتی شبانان عمدی و یا ناخواسته به ما بدی و حتی دشمنی کرده باشند، طبق کلام خدا ما حق نداریم تلخی به قلب خود راه داده و با آنها دشمن شویم. باید آنها را به خدا بسپاریم و خود در صدد مقابله و جنگ با آنها بر نیاییم و در کار و خدمت آنها کارشکنی نکنیم. داوری و قضاوت را با خیال راحت به خدای عادل و مهربان بسپاریم و با خیال راحت بر مسئولیتی که خدا به ما داده متمرکز شویم تا آنرا به بهترین نحوی انجام دهیم. خدا ممکن است که آنها را قضاوت کرده و یا تنبیه کند. اما خداوند نمی خواهد حتی وقتی او دارد آنها را بخاطر خطاهایی که به ما کرده اند تنبیه می کند، باز از وضع وخیم آنها خوشحال شویم.

همیشه این اصل را بخاطر بسپارید: ما مسئول روحیه و روش کار دیگران نیستیم بلکه مسئول روحیه و روش کار خود هستیم و در این مورد به خداوند جواب خواهیم داد.

چند ماه پیش یک سری ایمانداران و رهبران بخاطر اختلاف با شبان کلیسا از یک کلیسای ایرانی در این شهر بیرون آمدند. بعضی از آنها با ما تماس گرفتند که ببینند ما چقدر پذیرای آنها هستیم. نیت غلط در این موارد خود را نشان می دهد و سعی می کند از این موقعیت استفاده کرده و افراد کلیسای دیگر را به کلیسای خود بکشاند. خدا را شکر برای خادمین و رهبران این کلیسا که همگی با یکدل ابتدا برای این موقعیت با درد برای آن شبان و آن کلیسا دعا کردیم و سپس آن ایمانداران را تشویق کردیم که به کلیسای خود برگشته و مسائل را با شبان خود حل کنند.

کسانی که با دشمنی و اختلاف و بدون حل کردن مسائل از کلیسایی بیرون آمده و به کلیسای دیگری می روند، اکثر مواقع همان مشکلات خود را با خود به کلیسای جدید برده و در آنجا نیز ایجاد مشکل می کنند و معمولاً آنجا را نیز با دشمنی و بدون حل کردن مسایل ترک می کنند. متأسفانه به دلیل عدم همکاری نزدیک بین اکثر کلیساهای ایرانی، بعضی ها از کلیسا به کلیسا رفته و ایجاد اشکال می کنند. شبان کلیسای جدید آنها را با خوشرویی پذیرفته و حتی به آنها محل خدمت می دهد و نمی داند که چه مشکلات و دردهایی در انتظار او می باشد.

البته گاهی خدا ایمانداری را هدایت می کند که کلیسای خود را عوض کند (معمولاً یا به علت این است که آن کلیسا مرده است و تعالیم غلط می دهد و یا اینکه محل رشد برای آن شخص در آن کلیسا مهیا نمی باشد). اما در این مواقع خدا می خواهد که با نیکویی بیرون آییم. باید مسائل را حل کرده بیرون آییم و باید سعی کنیم که

برکت و تأیید رهبران با ما باشد. خواست خدا هیچوقت این نیست که کسی با دعا و دشمنی و تلخی کلیسا را ترک کند.

۲- خداوند شخص مغرور را به هر مقامی که رسیده باشد پایین می آورد.

خداوند وعده می دهد حتی اگر شخص مغرور خود را مانند عقاب بلند کند و تا ستارگان بالا ببرد، او را از آنجا فرود آورد (آیات ۳- ۴). گاهی شخصی که خدمت کوچکی را شروع می کند، در ابتدا فروتن است و همیشه جلال را به خدا می دهد. اما وقتی به جایی رسید و خدمت او را خدا برکت داد، امر به او مشتبه می شود که کسی هست و جلال را برای خود می طلبد. هشدار خدا این است که داشتن چنین روحیه ای، مقدمه داوری خدا و افتادن آن خادم می باشد (اول قرنتیان ۱۰: ۱۲).

چند سال پیش در عمق شکست و درد، با خدا عهد بستم که اگر به خواست او روزی در خدمت موفق شوم، همواره جلال را به او بدهم و همیشه آن زمان خواری و شکستگی را به خاطر بیاورم. بیاپید شما هم امروز با خدا عهد ببندید که هر چقدر که خدا خواست شما را موفق کند یا بالا ببرد، در فروتنی باقی بمانید و همیشه جلال را به او بدهید.

۳- خداوند دشمنان قوم خود را داوری می کند.

خدا گرچه قوم خود اسرائیل را تنبیه نمود، اما هنوز آنها را دوست داشت و دشمنان آنها را نیز داوری نمود. خداوند همیشه برای قوم خود و عروس خود غیرت دارد. گرچه گاهی اجازه می دهد برای پاک شدن و کامل شدن ایمان، کلیسای او از تجربیات بگذرد اما هر که با کلیسای او دشمنی می کند با خود او دارد دشمنی می کند و با خود او طرف است. پولس به ایمانداران کلیسا جفا می رساند اما وقتی با عیسای مسیح در راه دمشق روبرو شد، عیسای مسیح به او گفت: «من آن عیسی هستم که تو بدو جفا می کنی.» (اعمال ۹: ۵)

اگر ما ایرانیان مسیحی در پاکی و قدوسیت و در تسلیم به خداوند و روح او زندگی کنیم، هیچ قدرتی نمی تواند جلوی کلیسای خداوند بایستد و مانع گسترش ملکوت خدا بین ایرانیان گردد. هر قدرت و دولتی که بخواهد به چنین عروس نمونه مسیح صدمه بزند با خود عیسای مسیح روبرو شده و برای خود داوری و محکومیت را طلب می کند. (البته این به شرطی است که عروس او پاک و قدوس باشد و نه زناکار که در این صورت اجازه می دهد دشمنان کلیسا عروس او را به توبه بیاورند)

پس بیاپید با بقیه ایرانیان مسیحی، عروس پاک و زیبای مسیح باشیم. بیاپید در قدوسیت زندگی کرده و با پری روح او را خدمت کرده و به امور داماد آسمانی یعنی در گسترش ملکوت او مشغول باشیم. در این صورت است که می توانیم مطمئن باشیم مسیح پشتیبان ما است و ما را حفظ خواهد کرد و هیچ قدرتی نمی تواند به عروس زیبای او لطمه ای وارد کند. در این صورت است که از هیچ قدرتی نترسیده و با جرأت و اعتماد، نجات او را با دیگر ایرانیان در میان خواهیم گذاشت.

سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی عوبدیا چه می باشد؟
- (۲) کتاب عوبدیا شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- (۳) دو مکاشفه عیسای مسیح را در عوبدیا توضیح دهید.
- (۴) دو درس روحانی از کتاب عوبدیا را بیان کنید.
- (۵) کلمه «عوبدیا» به معنی می باشد.
- (۶) بزرگترین گناه قوم ادوم چه بود؟
- (۷) قوم ادوم از نسل چه کسی بودند؟ قوم اسرائیل از نسل چه کسی بودند؟

یونس

نویسنده و تاریخ نگارش

خود یونس نویسنده این کتاب است که آنرا حدود ۷۶۰ قبل از میلاد نوشته است. یونس بعد از ییشع و کمی قبل از عاموس و هوشع خدمت می کرد. او در اسرائیل زندگی می کرد اما برای مأموریت به نینوا واقع در مملکت آشور فرستاده شد. کلمه «یونس» به معنی «کبوتر» می باشد.

زمینه و موضوعات اصلی

شهر نینوا در شرق اسرائیل و شهر ترشیش در مغرب آن قرار دارد. شهر نینوا پایتخت کشور آشور می باشد. هنگام نگارش این کتاب، آشوری ها دشمن قوم یهود می باشند که در گذشته با بی رحمی وحشیانه به قوم اسرائیل جفا رسانده اند. وقتی خدا از یونس می خواهد که به نینوا رفته و به این قوم شریر بشارت دهد، یونس که خدا را می شناسد، می داند که رحمت خدا شامل حال آنها خواهد شد. اما یونس وطن پرست است و قلباً از آنها متنفر می باشد و دوست ندارد که آنها نجات پیدا کرده و در ملکوت آسمان با او شریک گردند. او بخاطر می آورد که چگونه قوم آشور، با بی رحمی هموطنان و حتی بچه های خردسال قوم او را به قتل رسانده اند. قلب او از خشم و تلخی و نفرت نسبت به آشوری ها پر است. در نتیجه، یونس از مأموریت خود سرپیچی کرده و بجای رفتن به مشرق، به طرف مغرب فرار می کند. پس خدا مجبور می شود ایمان و اطاعت او را «آبیاری» کند. آنگاه است که یونس می فهمد خدا در مورد دستوری که به او داده است جدی می باشد. خدا مصرانه می خواهد دشمن قومش یعنی اهالی نینوا نیز پیغام نجات او را بشنوند.

این کتاب نشان می دهد که برخلاف آنچه یونس و بسیاری از یهودیان فکر می کردند (که خدا فقط قوم خود را دوست دارد)، خدا همه بشر را یکسان دوست می دارد و به فکر نجات همه آنها می باشد.

کلمه کلیدی : بیداری در نینوا

آیات کلیدی : ۲ : ۸ _ ۹ و ۴ : ۲

۲ : ۸ _ ۹ ... « آنانیکه اباطیل دروغ را منظور می دارند، احسان های خویش را ترک می نمایند. اما من به آواز تشکر برای تو قربانی خواهم گذرانید، و به آنچه نذر کردم وفا خواهم نمود. نجات از آن خداوند است.»
۴ : ۲ ... « و نزد خداوند دعا نموده گفت : آه ای خداوند، آیا این سخن من نبود حینی که در ولایت خود بودم و از این سبب به فرار کردن به ترشیش مبادرت نمودم زیرا می دانستم که تو خدای کریم و رحیم و دیر غضب و کثیر احسان هستی و از بلا پشیمان می شوی؟»

فصل کلیدی : ۳

در این فصل، بیک واقعه بی سابقه تاریخی، یعنی بیداری شهر نینوا ثبت شده است.

بررسی

خدا قلب آماده افراد شریر در نینوا را دیده و می خواهد نبی خود را بفرستد تا آنها را نجات دهد. در این کتاب همه چیز و همه کس از جمله طوفان، قرعه در کشتی، ملاحان، ماهی، اهالی نینوا، کدو، کرم و باد شرقی از خداوند اطاعت می کنند اما نبی او از او اطاعت نمی کند! اما خدا نبی خود یونس را نیز دوست دارد. خدا از همه اتفاقات استفاده می کند که به یونس درس محبت و اطاعت بدهد.

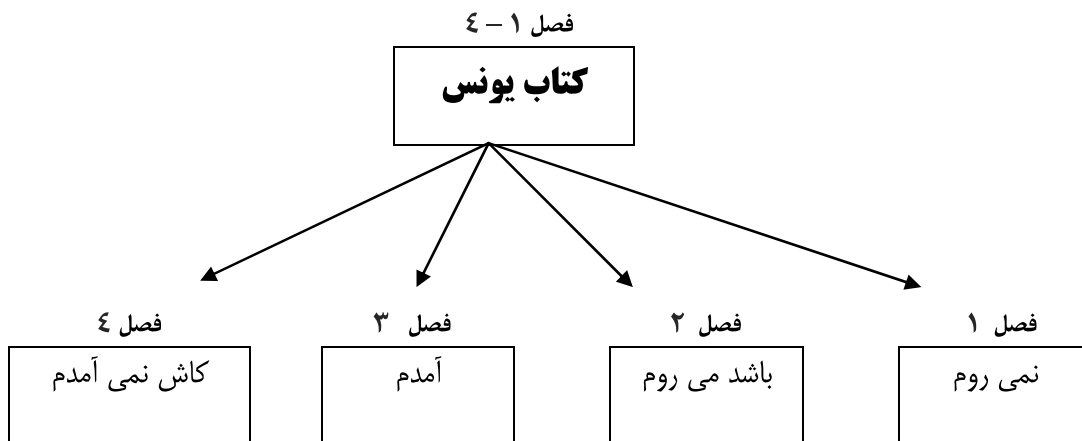
هر فصل کتاب یونس را می توان یک بخش دانست :

(۱) نمی روم (فصل ۱) _ خدا یونس را می خواند تا به اهالی نینوا بشارت دهد. اما او نمی خواهد ببیند که آشوری ها که دشمنان اسرائیل هستند نجات پیدا کنند. در نتیجه بجای آنکه ۵۰۰ مایل به مشرق به شهر نینوا برود، ۲۰۰۰ مایل به مغرب به شهر ترشیش (واقع در اسپانیا) فرار می کند. اما خدا جلوی فرار او را گرفته و بوسیله ماهی بزرگی، به او فرصت دوباره می دهد که از او اطاعت کند.

(۲) باشد می روم (فصل ۲) _ در دل ماهی (بهترین محل دعا)، یونس دعای زیبایی می کند. او خدا را شکر نموده و مزمور زیبایی را در دل ماهی می سراید. سپس ماموریت خود را قبول کرده و اعلام می کند « نجات از آن خداوند است.»

(۳) آمدم (فصل ۳) _ یونس وارد نینوا می شود. پوست و موی او بخاطر ماندن در شکم ماهی احتمالاً سفید شده و خود این جلب نظر می کند. یونس در شهر می گردد و با یک موعظه یک جمله ای او، صدها هزار نفر ایمان می آورند. حتی پادشاه شهر روزه گرفته و توبه می کند

(۴) کاش نمی آمدم (فصل ۴) _ در فصل آخر، محبت و فیض خدا در مقابل خشم و عدم دلسوزی یونس دیده می شود. یونس از تاثیری که وعظ او داشته، یعنی توبه و بیداری در نینوا، به هیچوجه خوشحال نیست بلکه باعث افسردگی او می باشد. اما خدا یونس را نیز دوست دارد و با ملایمت و مهربانی، به او نشان می دهد که یونس برای یک گیاه بیشتر رحمت دارد تا صدها هزار انسان. (اگر منظور آیه ۴ : ۱۱، ۲۱۰۰۰۰ بچه می باشد که راست و چپ خود را تشخیص می توانند بدهند، آنگاه می توان نتیجه گرفت که جمعیت نینوا حدود ۶۰۰۰۰۰ بوده است



مکاشفه عیسای مسیح

یونس _ یونس تنها پیامبری است که عیسای مسیح خود را شبیه او می داند و می گوید همانطور که یونس سه روز در شکم ماهی قرار داشت، او نیز سه روز در دل زمین خواهد بود (متی ۱۲ : ۳۹ _ ۴۱). تجربه یونس شبیه تجربه مسیح در مرگ، دفن و رستاخیز او می باشد که دفن شد و بعد از سه روز از مرگ برخاست.

مکاشفه روح القدس

روح توبه _ گرچه از روح القدس در یونس بطور مستقیم اسم برده نشده است، اما کار روح القدس در مجاب کردن و به توبه آوردن اهالی نینوا آشکار می باشد.

دروس اصلی روحانی

۱ _ خادم خدا هیچ تعصب بر علیه هیچکس حتی دشمن خود نداشته و حامل پیام صلح و نجات برای همگان می باشد.

آنچه باعث بی اطاعتی یونس شد، نفرت و تعصبی بود که او بر علیه قوم آشور، دشمن اسرائیل داشت. او خدا را می شناخت اما قلب خدا را کاملاً "درک نکرده بود.

خادم خدا همه را از چشم خدا می بیند. قلب او با قلب خدا یکی شده و برای نجات همه می طپد. قلب خدا را می توان در ۴ : ۱۰ _ ۱۱ دید. نباید اجازه داد که بدی هایی که دیگران به ما کرده اند و ضربه هایی که دشمنانمان به ما زده اند باعث شود قلب ما کدر شده و محبت و پیغام نجات بخش عیسای مسیح را از آنها دریغ بداریم.

متأسفانه بعضی ایمانداران ایرانی، اقوامی چون افغانی ها، مکزیکی ها یا هندی ها را از خود پایین تر دانسته و آنها را مسخره می کنند. در نتیجه نه می توانند به آنها بشارت دهند و نه می توانند از ایمانداران آنها درسی روحانی بگیرند. این روحیه از خدا نمی باشد و روح القدس را محزون می کند. بخصوص خداوند در این زمان دارد ما ایرانی ها را برکت داده و نجات می دهد. او می خواهد این نجات را با همه و بخصوص با افغانی ها، ترک ها و

تاجیکی ها در میان بگذاریم. نباشد که بخاطر غرور انسانی و تعصب این وظیفه خود را انجام نداده و دل خدای پر مهر خود را بشکنیم.

دشمن شما چه کسی می باشد؟ چه کسی به شما توهین کرده، شما را بدنام کرده، پشت سر شما بدگویی کرده یا پول و مال شما را خورده است؟ او را چگونه می بینید؟ آیا قلب شما نسبت به او با قلب خدا یکی است؟ خدا می خواهد چه پیغامی را با او در میان بگذارید؟ آیا اطاعت می کنید و یا مانند یونس از این مأموریت فرار می کنید؟ خدا می خواهد دشمنان خود را محبت نماییم.

۲- قلب خدا برای نجات همه بشر می طپد و ایمانداران خود را برای نجات آنها می فرستد.

خدا ادم را داوری و محکوم می کند (کتاب عوبدیا). خدا حتی قوم خود را اگر سخت دل شوند داوری می کند. اما وقتی می بیند که مردم نینوا آماده توبه می باشند، از آنطرف دنیا به زور کسی که خودش هم مایل به رفتن نمی باشد را می فرستد تا آنها را نجات دهد. خداوند قلب کرنلیوس را دیده و پطرس را می فرستد که به او بشارت دهد. خداوند قلب همه را می بیند. اگر ببیند قلبی برای توبه آماده است، آنگاه او به دنبال ایمانداری است که از او اطاعت کند و برود و به آن شخص بشارت دهد. زیرا چگونه ایمان آورند اگر نشنوند و چگونه بشنوند اگر فرستاده نشوند (رومیان ۱۰: ۱۴-۱۵).

قلب من و شما باید با صدای روح القدس آشنا باشد تا هر موقع خدا قلبی آماده توبه را دید بتواند با ما صحبت کرده و ما را بفرستد. گاهی خدا افراد آماده را سر راه ما قرار می دهد که اگر به صدای او حساس نباشیم از کنار آنها بی تفاوت می گذریم. آیا امروز به خدا می گوئید که شما مطیع و آماده هستید که با هر که او تعیین می کند (حتی با دشمنان) در مورد نجات عیسای مسیح صحبت کنید؟ همین حالا در دعا این تعهد را به او بدهید. مطمئن باشید امروز یا فردا حتما صدای او را در این مورد خواهید شنید زیرا که او مشتاق نجات بشر می باشد.

۳- در سخت ترین موقعیت ها می توان بهترین دعاها را داشت.

یونس در شکم ماهی دعای بسیار عالی دارد. دعای او دارای سه قسمتِ شکرگزاری، توبه و تسلیم می باشد (۲: ۹). او در این شرایط سخت، می تواند ناله کرده و به حال خود افسوس بخورد. او می تواند از خدا گِله کند و یا حتی نسبت به خدا تلخ شود. اما یونس دعای خود را با شکرگزاری شروع می کند! چه قدرت زیادی برای پیروزی در دعای شکرگزاری وجود دارد!

برای ما نیز وقتی در سختی ها می افتیم، می توانیم بجای ناله و شکایت و قهر کردن از خدا، از این موقعیت عالی استفاده کرده و مانند یونس (و داوود) بهترین مزامیر را برای خدا بسراییم و عمیق ترین توبه ها را بکنیم. در شکم ماهی، بهتری زمانی است که تمام جنبه های زندگی خود را کاملاً تسلیم خدا کنیم. شما در تجربه «شکم ماهی» چه عکس العمل دارید؟ شکایت، ناله و افسوس خوردن به حال خود و یا شکرگزاری و توبه و تسلیم کامل به خدا؟

۴- وقتی سرکشی کرده و از اراده خدا خارج می شویم سختی خواهیم داشت.

بهترین کاری که می توانیم برای خود بکنیم این است که مطمئن باشیم در مرکز اراده خدا قرار داریم. اطاعت از خدا ما را در مرکز اراده او قرار می دهد. وقتی از او سرکشی کرده و از مرکز اراده خدا خارج می شویم، خدا بخاطر محبتش مجبور می شود از طوفانها، ملاحان و ماهی ها استفاده کند تا ما را به توبه آورد. شما در چه مورد از اراده خدا بی اطاعتی کرده اید؟ چه چیزی از شما در زندگی خواسته است که به او جواب مثبت نداده اید. به شما چه ماموریتی داده است؟ چرا قبل از طوفانها با زبان خوش توبه نکرده و از او اطاعت نمی کنید؟

سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی یونس چه می باشد؟
- (۲) کتاب یونس شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- (۳) یونس چه شباهتی به عیسای مسیح دارد؟
- (۴) دو درس روحانی از کتاب یونس را بیان کنید.
- (۵) کلمه «یونس» به معنی می باشد.
- (۶) چرا یونس از خدا بی اطاعتی می کند؟

میکاه

نویسنده و تاریخ نگارش

خود میکاه نویسنده این کتاب است که آنرا حدود ۷۳۰ قبل از میلاد نوشته است. میکاه بیشتر با یهودا کار دارد اما آینده اسرائیل را نیز پیشگویی می کند. خدمت میکاه همزمان با هوشع (که در حکومت شمالی خدمت می کرد) و اشعیا (که در اورشلیم خدمت می کرد) می باشد. در طول خدمت میکاه، اسرائیل سیر قهقرایی را طی می کند و در نتیجه میکاه خود شاهد سقوط آن در ۷۲۲ قبل از میلاد می باشد. کلمه «میکاه» به معنی «کسی که مانند خداست» می باشد.

زمینه و موضوعات اصلی

میکاه زمانی در یهودا خدمت خود را آغاز کرد که ظلم و بی عدالتی اجتماعی بیداد می کرد. انبیای دروغین با گرفتن پول، برای ثروتمندان نبوت می کردند. زندگی شاهزادگان از بی رحمی، خشونت و فساد پر بود. کاهنان بیشتر بخاطر طمع و نفع شخصی خدمت می کردند تا بخاطر خدا. صاحبان زمین و ثروتمندان از فقرا و بیوه زنان می دزدیدند تا به آنها کمک کنند. تاجران از ترازوها و وزنه های نامیزان استفاده می کردند. گناه هر بافت جامعه را لکه دار کرده بود.

میکاه گناهان ملت را شمرده و سپس خرابی و اسارت را پیشگویی می کند. گرچه در زمان نوشتن میکاه، حکومت بابل بسیار ضعیف بود، اما میکاه پیشگویی می کند که یهودا بوسیله بابل به اسارت برده خواهد شد. این پیشگویی تقریباً صد سال بعد به انجام رسید. مانند پیغام بسیاری از انبای دیگر، همراه با پیغام هشدار و داوری، میکاه پیغام امید نیز دارد. او می گوید گرچه اکنون عدالتی وجود ندارد، زمانی خواهد آمد که نجات دهنده آمده و عدالت را برقرار خواهد کرد. در میکاه پیشگویی های زیادی در مورد آینده قوم اسرائیل و آمدن و سلطنت مسیح وجود دارد.

کتاب میکاه مانند میناتور کتاب اشعیا می باشد. هردوی آنها همزمان بر یک مشکل در یک ملت دست می گذارند. میکاه بیشتر روی مسائل اخلاقی و مشکلات جامعه دست می گذارد اما اشعیا بیشتر روی مسائل سیاسی و جهانی تاکید می کند.

کلمه کلیدی : داوری و بازسازی یهودا

آیات کلیدی : ۸ : ۶ و ۷ : ۱۸

۸ : ۶ ... « ای مرد از آنچه نیکو است تو را اخبار نموده است. و خداوند از تو چه چیز را می طلبد غیر از اینکه انصاف را به جا آوری و رحمت را دوست بداری و در حضور خدای خویش با فروتنی سلوک نمایی. »

۷ : ۱۸ ... « کیست خدایی مثل تو که عصیان را می آمرزد و از تقصیر بقیه میراث خویش در می گذرد. او خشم خود را تا به ابد نگاه نمی دارد زیرا رحمت را دوست می دارد.»

فصل کلیدی : ۶ و ۷

در این دو فصل، میکاه صحنه دادگاهی را شرح می دهد که در آن خداوند پرونده ای را بر علیه قوم خود ارائه داده و از کوه ها و تپه ها می خواهد که به عنوان هیئت منصفه عمل نمایند. شکایت خدا بر علیه قومش این است که مردم رسوم مذهبی را حایگزین عبادت قلبی و واقعی کرده و فکر می کنند خدا با همین راضی می باشد. در این دادگاه و با توجه به شواهد، تنها یک رای می تواند بر علیه قوم صادر شود : گناهکار. اما با این وجود باز در فصل آخر از امید سخن گفته می شود. همان خدایی که داوری می کند، با خوشحالی رحمت نیز می کند.

بررسی

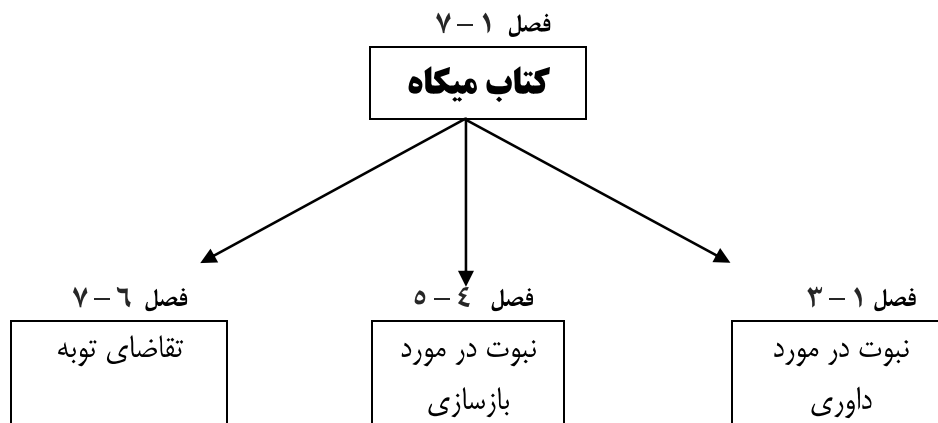
میکاه، نبی افرادِ مظلومِ جامعه می باشد. او در زمانی نبوت می کند که عدالت اجتماعی وجود ندارد. کتاب میکاه، ابتدا اوضاع فعلی را محکوم کرده و حکم داوری را صادر می کند. ولی در آخر با نقطه امید در آمدن مسیح کتاب را خاتمه می دهد.

کتاب میکاه شامل سه بخش اساسی می باشد :

(۱) نبوت در مورد داوری (فصل های ۱ تا ۳) _ میکاه هر دو مملکت یهودا (اورشلیم) و اسرائیل (سامره) را محکوم می کند. هر دو حکومت بخاطر خیانت شان به خدا و گناهانشان از بین خواهند رفت. اما خدا بقیه را از قوم خود باقی خواهد گذاشت (۲ : ۱۲ _ ۱۳).

(۲) نبوت در مورد بازسازی (فصل های ۴ تا ۵) _ در این دو فصل میکاه بیشتر راجع به امید بازگشت اسیران و آمدن مسیح صحبت می کند.

(۳) تقاضای توبه (فصل های ۶ تا ۷) _ در این دو فصل خداوند قوم خود را به دادگاه کشانده و پرونده قوی را بر علیه آنها ارائه می دهد. مردم فیض خدا را رد کرده و ترجیح داده اند که در گناه و شرارت زندگی کنند. کتاب با وعده های عالی ختم می شود. اینکه خداوند گناهان آنها را خواهد بخشید و طبق عهد خود آنها را بازسازی خواهد کرد.



مکاشفه عیسای مسیح

خدایی که می آید _ در ۱ : ۳ پیشگویی می شود که خود خدا از مکان خود بیرون آمده و نزول خواهد نمود.

شبان _ در این کتاب پیشگویی می شود که مسیح مانند شبان، گوسفندان پراکنده را در آغل خود جمع خواهد کرد (۲ : ۱۲ - ۱۳ و ۴ : ۵ - ۵).

محل تولد _ محل تولد مسیح در ۵ : ۲ پیشگویی می شود که در بیت لحم خواهد بود. بیت لحم در آن زمان دهکده ای کوچک و بی اهمیت در نزدیکی شهر اورشلیم بود.

سلطنت بر قوم خدا _ پیشگویی می شود که مسیح بر قوم خدا سلطنت خواهد کرد (۵ : ۲).

ازلی بودن _ گفته می شود که مسیح موعود فقط یک انسان نخواهد بود بلکه کسی است که از ازل وجود داشته است (۵ : ۲).

مکاشفه روح القدس

روح قوت و قدرت _ میکاه می گوید که قوت (اختیار و آتوریت) او در خدمت، از روح القدس می آید. همچنین می گوید روح القدس است که او را از انصاف و توانایی پر کرده است (۳ : ۸).

دروس اصلی روحانی

۱ - برای خداوند عدالت اجتماعی نیز مهم است.

گرچه خداوند ریشه هر ظلم و بی عدالتی را گناه می داند و راه حل آنرا عیسای مسیح می داند، اما وضع زندگی مردم نیز برای خداوند مهم می باشد. جامعه ای که در آن ظلم و بی عدالتی رایج است، مورد داوری خدا قرار می گیرد. خداوند برای فقیران، مظلومان، بیوه زنان و محرومان جامعه نیز دل می سوزاند. خدا فقط به فکر آینده انسان ها در آسمان نیست، بلکه برای امروز آنها بر زمین نیز فکر می کند.

انجیل عیسی مسیح فقط جنبه روحانی و آسمانی ندارد. البته مهم ترین کاری که عیسی مسیح روی صلیب کرد آوردن نجات روحانی برای بشر می باشد، اما انجیل عیسی مسیح جنبه زمینی و اجتماعی نیز دارد. برای همین است که خداوند از ما ایمانداران می خواهد که کارهای نیکو کرده و به دردهای جامعه و به محتاجین برسیم. رسیدن به احتیاجات و دردهای مردم جزو جدا نشدنی از بشارت ما و انجیل عیسی مسیح می باشد. یک کلیسای سالم نه تنها کلام خدا را بشارت می دهد و پخش می کند بلکه در رسیدن به احتیاجات و دردهای جامعه خود نیز پیشقدم و فعال می باشد. بیایید ما ایمانداران ایرانی و کلیسای ایرانیان تمام انجیل (خبر خوش) را زندگی کرده و اعلام نماییم. بیایید در این شهر به دردهای جامعه رسیده و مدافع فقیران و مظلومان باشیم.

۲- خداوند از ما چه می خواهد؟ انصاف و رحمت نسبت به مردم و رابطه با او در فروتنی.

در ۶ : ۸ ، خداوند بطور خلاصه می گوید که انتظار او از ما چیست. او می خواهد که رابطه درست با او داشته باشیم. این رابطه درست شامل این می شود که «درحضور» او زندگی کنیم و نسبت به او فروتن (کاملاً) وابسته به او باشیم. همراه با رابطه درست عمودی با خود او، در عین حال خدا می خواهد رابطه افقی ما نسبت به دیگران نیز درست باشد. او می خواهد قلباً "رحمت و گذشت را دوست داشته و در زندگی با انصاف عمل کنیم. آیا رابطه عمودی شما با خداوند درست است؟ آیا کاملاً" به او وابسته هستید؟ آیا در حضور او زندگی می کنید؟ رابطه افقی شما چطور است؟ آیا قلباً" آماده هستید که دیگران را ببخشید و آنچه که حقشان هست را کف دستشان نگذارید (معنی رحمت همین است)؟ آیا در همه امور منصفانه عمل می کنید؟ آیا همه فرزندان خداوند را یکسان دوست دارید و یا بین آنها به دلیلی فرق می گذارید؟ خدا بطور واضح در ۶ : ۸ می گوید که انتظار او از ما چیست. چونکه او را دوست داریم، بیایید انتظار او را برآورده کنیم.

۳- خادم خدا هیچگاه خدمت خود را برای پول و یا منفعت شخصی انجام نمی دهد.

پول هیچگاه نباید کنترل کننده خادم خدا باشد. یک خادم خدا هیچگاه فقط بخاطر پول بیشتر محل خدمت خود را تغییر نمی دهد. او بخاطر پول، به کسانی که ثروتمند هستند توجه بیشتری نمی کند. او برای خدمت خاص خود نرخی را تعیین نمی کند (عروسی، دفن، مشورت، نبوت، سخنگویی کردن، ...) البته دریافت پول برای خدمتی که یک شخص انجام می دهد طبق کلام خدا اشکالی ندارد اما نباید خدمت را به پول فروخت. خادمی ایرانی را می شناسم که مسح عالی داشته و این قابلیت را دارد که برای خدا کارهای عظیم نماید. اما مسائل مالی باعث می شود که او محدود فکر نماید و در نتیجه خدمت محدودی را نیز دارد. او همواره نگران مسایل مادی می باشد و می ترسد که زمانی خود او و خانواده اش تامین نشوند. او هنوز یاد نگرفته است که در امور مالی به خدا اعتماد نماید. در نتیجه در جایی مانده است که خدمت محدودی دارد اما تأمین مالی نیز می باشد. بیایید با خدا هم اکنون عهد ببندید که هیچگاه خدمت خود را به پول نفروشید. هیچوقت نگذارید پول محل خدمت شما را تعیین کند بلکه روح القدس بگوید در کجا خدمت نمایید. نگذارید وضع مالی افراد تعیین کند که شما چقدر به آنها توجه می کنید یا چگونه آنها را خدمت می کنید. نباشد که به خاطر پول به بعضی توجه بیشتر و به بعضی بی توجهی کنید.

سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی میکاه چه می باشد؟
- (۲) کتاب میکاه شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- (۳) سه مکاشفه عیسای مسیح در کتاب میکاه را بیان کنید.
- (۴) دو درس روحانی از کتاب میکاه را بیان کنید.
- (۵) کلمه «میکاه» به معنی می باشد.
- (۶) شرایط اجتماعی در زمان خدمت میکاه چگونه بود؟

ناحوم

نویسنده و تاریخ نگارش

ناحوم نویسنده این کتاب است که آنرا حدود ۶۶۰ قبل از میلاد نوشته است. کلمه « ناحوم » به معنی « تسلی » می باشد. این کلمه، کوتاه شده کلمه « نحمیا » که به معنی « یهوه تسلی می دهد » می باشد.

زمینه و موضوعات اصلی

به هر که بیشتر داده شود از او بیشتر خواسته می شود (لوقا ۱۲ : ۴۸). یونس صد سال قبل (۷۶۰ قبل از میلاد) به نینوا بشارت داده بود و همه نجات پیدا کرده و خدای یکتا یعنی یهوه را شناخته بودند. اما حالا بعد از گذشت فقط ۱۰۰ سال، آشوری های نینوا به راه های قبلی خود، یعنی فساد و خشونت و بت پرستی برگشته اند. ناحوم داوری خدا بر نینوا را اعلام کرده و پیشگویی می کند که بابلی ها آنرا تسخیر و نابود خواهند کرد. به سه دلیل پیشگویی های ناحوم به نظر کاملاً غیر ممکن به نظر می آمد. (۱) بابل در زمان این پیشگویی، کشوری ضعیف بود و (۲) برعکس، آشور در قدرت بود. (۳) بخصوص شهر نینوا مانند قلعه ای تسخیر ناپذیر بود. این شهر دارای صدها برج دفاعی بود و دور آن خندق عمیقی کنده بودند. دیوارهای آن به بلندی ۳۰ متر و طوری پهن بودند که یک عرابه سه اسبه می توانست از آن عبور کند. ناحوم با ده ها پیشگویی، بطور دقیق شکست و تسخیر این شهر را نبوت می کند. به عنوان مثال :

پیشگویی	آیات
خراب شدن نینوا بوسیله سیل	۸ : ۱ و ۶ : ۲
نابود شدن آن بوسیله آتش	۱۰ : ۱ و ۱۳ : ۲ و ۱۳ : ۳ و ۱۵ : ۳
خراب شدن معبد و بت های آن	۱۴ : ۱
نینوا دیگر بنا نخواهد شد	۱۴ : ۱ و ۱۳ : ۲
رهبران شهر فرار می کنند	۵ : ۲ و ۱۷ : ۳
شهر خیلی راحت تسخیر می شود	۱۲ : ۳
سوخته شدن دروازه هایش	۱۳ : ۳
محاصره شدن آن و دفاع شهر	۱۴ : ۳

تمام این پیشگویی ها مو به مو در سال ۶۱۲ قبل از میلاد که بابلی ها نینوا را تسخیر کردند انجام شد. تاریخ و مکاشفات باستانشناسی انجام همه این پیشگویی ها را تأیید می کند.

ناحوم یکی از سه انبیایی است که اصل خدمت آنها نبوت بر علیه دشمنان یهود می باشد. آن دوی دیگر عوبدیا که بر علیه ادوم نبوت کرد و حبقوق که بر علیه بابل نبوت کرد می باشند.

کلمه کلیدی : داوری نینوا

آیات کلیدی : ۱ : ۷ _ ۸ و ۳ : ۵ _ ۷

۱ : ۷ _ ۸ ... « خدا نیکو است و در روز تنگی ملجا می باشد و متوکلان خود را می شناسد. و به سیل سرشار، مکان آن را بالکل خراب خواهد ساخت و تاریکی دشمنان او را تعاقب خواهد نمود.»

۳ : ۵ _ ۷ ... « اینک یهوه صباپوت می گوید : من به ضد تو هستم و دامن هایت را بر تو منکشف ساخته، عورت تو را بر امت ها و رسوایی تو را بر مملکت ها ظاهر خواهم ساخت. و نجاسات بر تو ریخته تو را ذلیل خواهم ساخت و تو را عبرت خواهم گردانید. و واقع خواهد شد که هر که تو را ببند از تو فرار کرده، خواهد گفت : نینوا ویران شده است! کیست که برای وی ماتم گیرد و از کجا برای تو تعزیه کنندگان بطلبیم؟»

فصل کلیدی : ۱

در این فصل اصل داوری خدا بر نینوا اعلام می شود.

بررسی

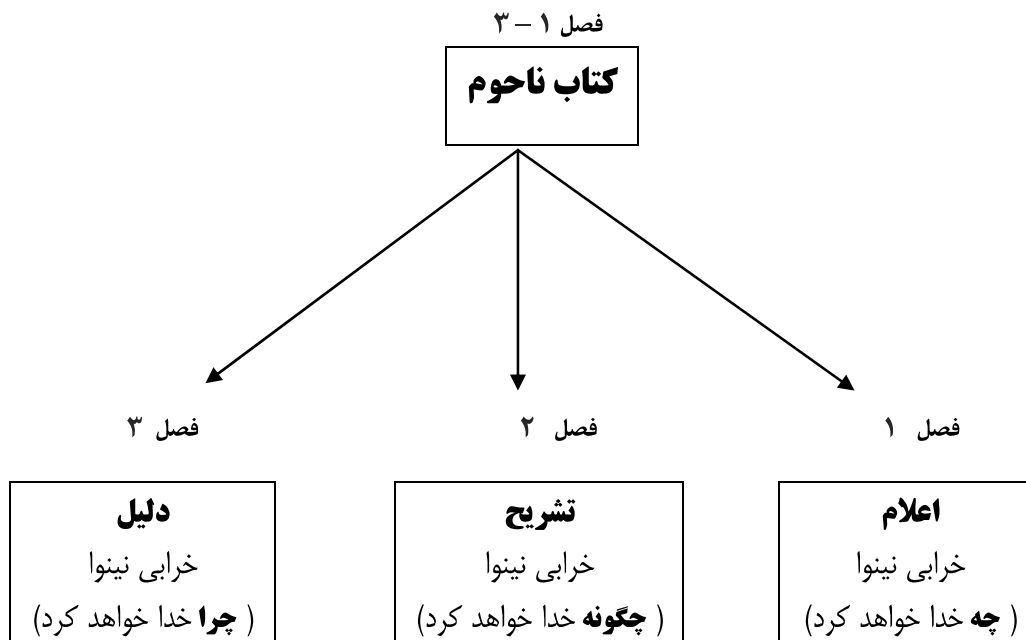
یک قرن بعد از خدمت یونس و بیداری روحانی در نینوا، ناحوم داوری خدا را برای این شهر پیشگویی می کند. ناحوم مانند یونس خود به شهر نینوا نمی رود بلکه از دور این آینده را نبوت می کند.

کتاب ناحوم به سه بخش اصلی تقسیم می شود :

(۱) اعلام خرابی نینوا (فصل ۱) _ ناحوم با تشریح شخصیت یهوه شروع می کند (آیات ۱ _ ۸). سپس خرابی نینوا را اعلام کرده (آیات ۹ _ ۱۴) و به یهودا دلداری می دهد (آیات ۱۲ _ ۱۵).

(۲) تشریح خرابی نینوا (فصل ۲) _ در این فصل جزئیات تسخیر و خرابی نینوا بوسیله بابل پیشگویی می شود. در آیات ۸ _ ۱۳ می توان دید که دشمن از شکاف دیوار وارد شده و مردم در حال فرار هستند. این پیشگویی دقیقاً به همین صورت در تاریخ به وقوع پیوست.

(۳) دلیل خرابی نینوا (فصل ۳) _ خدا می گوید که دلیل داوری او خونریزی و سنگدلی اهالی شهر نینوا می باشد. گرچه این شهر از قدرت مغرور و مست شده است، اما نابودی آن نزدیک است.



مکاشفه عیسای مسیح

داور عادل _ گرچه از مسیح بطور مستقیم اسم برده نشده است، اما خصوصیات خدا که در ۱ : ۲ _ ۸ ، ذکر می شود همانا خصوصیات عیسای مسیح است که در بازگشت ثانوی دارد و دنیا را به عدالت داوری خواهد کرد.

مکاشفه روح القدس

روح وحی و رویا _ گرچه از روح القدس بطور مستقیم نام برده نشده است، اما روح القدس است که به ناحوم، رویا و وحی می دهد (۱ : ۱). روح القدس نقشه خداوند و وقایع آینده را به خادمین خدا مکشوف می سازد.

دروس اصلی روحانی

۱ - خدا دیر غضب است اما گناه را هرگز بیسزا نمی گذارد.

خدا بسیار صبور است و به انسان مدتی فرصت توبه و بازگشت می دهد اما در عین حال عادل است و گناه را نادیده نمی گیرد (۱ : ۲ _ ۱۱) کلام خدا مرتب هشدار می دهد که از صبر و فیض خدا سوء استفاده نکنیم. « خداوند قوم خود را داوری خواهد نمود. افتادن به دستهای خدای زنده چیزی هولناک است » (عبرانیان ۱۰ : ۳۰ _ ۳۱).

این برای ما هم هشدار است و هم تسلی. هشدار این است که تا وقت است توبه کنیم وگرنه داوری خدا شامل حال ما نیز می شود. تسلی این است که به راحتی می توانیم دیگران را بخشیده و به خدا واگذار کنیم و

مطمئن باشیم یا خدا آنها را به توبه خواهد آورد و یا شامل داوری خداوند خواهند شد زیرا خدا حتی یک گناه را بیسزا نخواهد گذاشت.

۲- در جنگ روحانی، باید قوی شده و مواظب «حصار» و «راه‌ها» بود.

وقتی شریر (خراب کننده) به فکر ما، خانواده ما، گروه شباهنگ ما و کلیسای ما حمله می کند، روش همین است که در آیه ۲: ۱ گفته می شود:

(۱) باید مواظب حصار ها بود. باید دید آیا شکافی در حصار ما وجود دارد؟ آیا روزنه ای هست که شریر می تواند به فکر، خانواده، گروه شباهنگ یا کلیسای ما حمله کند؟ نبخشودگی، کدورت، گناه، بدبینی، عدم اتحاد و بی اطاعتی، در حصار فکری ما، در حصار خانواده ما، در حصار شباهنگ ما و در حصار کلیسای ما شکاف ایجاد می کند. آیا به طرف بالا، جای پایی دشمن داده ایم؟ اگر هست پس باید آنها را بست. دشمن وقتی از حصار وارد می شود برای خرابی وارد می شود. او به ما، خانواده ما، شباهنگ و کلیسای ما ضربه زده چرا که او هر جا وارد شود، می کشد، می دزد و نابود می کند.

(۲) سپس باید راه ها را دیده بانی کرد. راه وسیله ورود به شهر می باشد. پس باید دید چه چیزی وارد فکر ما می شود. باید هوشیار باشیم که چه چیزهایی و چه روحی وارد خانواده، گروه و کلیسای ما می شود. آنچه از خدا نیست را باید در همان جلوی در تشخیص داده و رد کرد. چه چیزهایی وارد فکر ما و خانواده ما می شود. ما و آنها از کجا تغذیه می شویم. چه فیلم هایی را می بینیم؟ چه موسیقی را می شنویم؟ باید هوشیار باشیم چه تعالیمی وارد شباهنگ و یا کلیسای ما می شود.

(۳) باید قوی شد و خود را برای جنگ با شریر آماده کرد. باید جلوی شریر ایستاد و او را با قدرت و اختیاری که خدا می دهد شکست داد.

خادم خدا و بخصوص کسی که در میان مسلمانان خدمت می کند باید در جنگ روحانی هوشیار و قوی باشد. چه بسیار خادمین که خدمت خود را بین مسلمانان شروع کردند با بی توجهی و عدم هوشیاری، خودشان و خانواده شان مورد ضربه های شدید شیطان قرار گرفته اند.

شما در این مورد در کجا هستید؟ آیا در مورد خراب کننده (شریر) و کارها و روش های او هوشیار هستید؟ آیا مواظب حصارهای زندگی و خانواده و خدمت خود هستید؟ آیا با هوشیاری را هایی را که شریر می تواند از آنها وارد شود را تحت نظر دارید؟ آیا وقتی حرکت شریر را تشخیص دادید، با قدرت و اقتدار جلوی او می ایستید تا خود شما، خانواده شما و گروه شباهنگ شما در سلامتی و پیروزی روحانی پیش رود؟

سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی ناحوم چه می باشد؟
- (۲) کتاب ناحوم شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- (۳) به چه سه دلیلی پیشگویی های ناحوم در مورد نابودی نینوا به نظر غیر ممکن می آمدند؟
- (۴) دو درس روحانی از کتاب ناحوم را بیان کنید.
- (۵) کلمه « ناحوم » به معنی می باشد.
- (۶) در عهد عتیق، سه نبی هستند که اصل خدمت آنها نبوت بر علیه دشمنان یهود می باشد. نام این سه نبی چیست و هر کدام بر علیه چه قومی نبوت می کنند؟
- (۷) از کتاب ناحوم می آموزیم که در جنگ روحانی، سه قدم برداریم. این سه قدم را توضیح دهید.

حقوق

نویسنده و تاریخ نگارش

حقوق نویسنده این کتاب است که آنرا حدود ۶۰۷ قبل از میلاد نوشته است. کلمه «حقوق» به معنی «کسی که به آغوش می گیرد» یا «کسی که می چسبد» می باشد.

زمینه و موضوعات اصلی

برخلاف معمول که خدا ابتدا با انبیای خود سخن می گوید، در این کتاب حقوق ابتدا از خدا سوال می کند و خدا جواب او را می دهد.

حقوق به هموطنانش در یهودا نگاه می کند و بیرحمی و بی عدالتی آنها را می بیند و از خدا می پرسد چرا کشورش به این روز افتاده است؟ چرا شریر دارد موفق می شود؟ چرا شخص عادل شکست می خورد؟ چرا خدا به ظاهر بی تفاوت است و کاری نمی کند؟ خدا جواب می دهد که او بیکار نیست بلکه او کلدانیان (بابلی ها) را بر خواهد انگیخت تا مانند چوب خدا عمل کرده و یهودیان را تنبیه کند. این جواب خدا، حقوق را بیشتر تکان داده، سوالات بیشتری برای او ایجاد می کند. این جواب آنقدر برای حقوق سنگین است که او را به زانو در می آورد چرا که بابلی ها از یهودیان شریر تر و فاسدتر بودند. برای حقوق این سوال است که چرا خدا از دشمن یهودیان که قومی شریرتر هستند برای تنبیه قوم خود (هرچند که خطاکار هستند) استفاده می نماید.

اما خدا با صبر و حوصله به حقوق تعلیم می دهد تا اینکه حقوق فهمیده و می گوید: «من در خداوند شادمان خواهم شد و در خدای نجات خویش وجد خواهم نمود» (۳: ۱۸).

خدا به او می گوید که نقشه هایش کامل و بی نقص است. او خدای نیکوست و گرچه گاهی در ظاهر به نظر نمی آید، اما کنترل تاریخ در دست اوست و می توان به او در همه حال اعتماد کرد. در نتیجه حالت حقوق در آخر کتاب از بار به برکت، از شک به عبادت و از ناآرامی به آرامش تبدیل می شود.

کلمه کلیدی : ایمان

تم اصلی این کتاب، ایمان می باشد که از این لحاظ، شبیه سه کتاب در عهدجدید می باشد (رومیان ۱: ۱۷ و غلاطیان ۳: ۱۱ و عبرانیان ۱۰: ۳۸). آیه معروف آن این است که «مرد عادل به ایمان خود زیست خواهد نمود» (۲: ۴) که حقیقتی است که بیشتر به عهد جدید می خواند تا به عهد عتیق.

آیات کلیدی : ۴: ۲ و ۳: ۱۷ _ ۱۹

۴: ۲ ... «اینک جان مرد متکبر در او راست نمی باشد، اما مرد عادل به ایمان زیست خواهد نمود.»
۳: ۱۷ _ ۱۹ ... «اگر چه انجیر شکوفه نیاورد و میوه در موها یافت نشود و حاصل زیتون ضایع گردد و مزرعه ها آذوغه ندهد و گله ها از آغل منقطع شود و رمه ها در طویله نباشد، لیکن من در خداوند شادمان خواهم

شد و در خدای نجات خویش وجد خواهیم نمود. یهوه خداوند قوت من است و پایهایم را مثل پایهای آهو می گرداند و مرا بر مکان های بلندم خرامان خواهد ساخت.»

فصل کلیدی : ۳

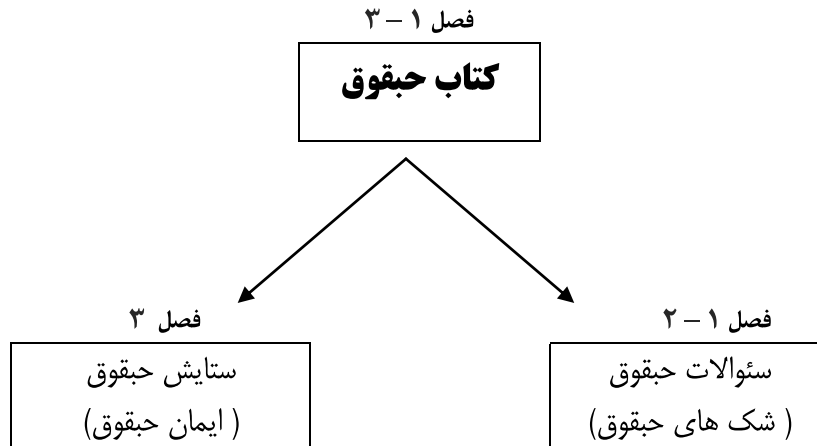
در این فصل با کمک خدا، روحیه پیروزی بر حقوق می آید. سوالات او جواب داده می شود. این فصل یکی از زیباترین فصل های کتاب مقدس می باشد که در آن جلال خدا در تاریخ گذشته و اتفاقات آینده در فرم یک مزمور زیبا بیان می شود. مانند مزامیر ۱۸ و ۶۸، در این مزمور، ایمان و اعتماد به شخصیت و راه های خدا بیان می شود.

بررسی

در این کتاب، بعد از دو دوره سوال و جواب با خداوند، برای حقوق شخصیت و نقشه های خدا تفهیم شده و با یک مزمور این را بیان می کند.
کتاب حقوق به دو بخش اصلی تقسیم می شود :

(۱) سوالات حقوق (فصل های ۱ تا ۲) _ حقوق ابتدا از خدا سوال می کند که چرا می گذارد شرارت یهودا بدون مجازات ادامه پیدا کند. خدا به او جواب تکان دهنده ای می دهد : او بابل را بخواهد انگیخت تا یهودا را داوری کند.
این جواب باعث می شود حقوق سوالات سری دوم را بکند که چطور خدا از یک ملت حتی شریرتر استفاده می کند که یهودا را داوری کند. حقوق به بالای برج رفته و منتظر جواب خداوند می شود.
خداوند با ۵ «وای» جواب او را می دهد. خداوند می گوید که او از گناهان بابل نیز آگاه است و آنها را هم داوری خواهد کرد. در آخر خدا با یک جمله، قدرت مطلق خود را یادآوری می کند : « خداوند در هیکل قدس خویش است پس تمامی جهان به حضور وی خاموش باشد.» (۲ : ۲۰)

(۲) ستایش حقوق (فصل ۳) _ جواب خدا، حقوق را به ستایش و پرستش وا می دارد. او حکمت خدا را در مورد حمله بابل به یهودا اعتراف می کند. گرچه این پیشگویی ها او را می ترساند اما به خدا و نقشه های او اعتماد می کند. حقوق به گذشته نگاه کرده و دست خدا را می بیند و نتیجه می گیرد که به کارهای آینده خدا نیز می توان اعتماد کرد. او تصمیم می گیرد در هر شرایط به خدا اعتماد کرده و سرود شادمانی بخواند.



مکاشفه عیسای مسیح

معرفت جلال خدا _ آیه ۲ : ۱۴ در مورد آمدن مسیح (بخصوص بازگشت ثانوی او) می باشد. آمدن مسیح طوری خواهد بود که جهان از معرفت جلال خدا مملو خواهد شد همانطور که آنها دریا را مستور می سازد.

عیسای مسیح _ در آیه ۳ : ۱۳ هم کلمه نجات (عیسی) و هم کلمه مسیح آمده است و اشاره به نجات دهنده و مسیح موعود می کند.

مکاشفه روح القدس

روح خوشی _ گرچه از روح القدس بطور مستقیم نام برده نشده است، اما شادی عمیقی که حبقوق در میان سختی ها و خبر های بد دارد از میوه های روح القدس می باشد (غلاطیان ۵ : ۲۲).

دروس اصلی روحانی

۱- اگر نقشه خدا به نظر ما غیر منصفانه می آید، باید به «نقشه کش» اعتماد کنیم.

اکثر مواقع راههای خدا برای ما قابل فهم و عاقلانه است اما نه همیشه. کلام خدا می گوید که راه های او مافوق راههای ما و افکار او مافوق افکار ما می باشد. در نتیجه طبیعی است که گاهی راههای او را درک نکنیم و حتی از نظر ما غیر منطقی و یا غیر منصفانه بیاید. در این شرایط باید به او اعتماد کرد چون به شخصیت نیکوی او اعتماد داریم. بعلاوه با نگاه کردن به تاریخ در می یابیم که گرچه راه های خدا عجیب می باشند اما حکمت الهی در آنها دیده شده و بعلاوه تاریخ نشان می دهد که این راه ها همواره به ثمر رسیده اند.

وقتی نوجوانی به مرگ سپرده می شود یا خادم امین و پرتیر خداوند شهید می شود (مانند برادر هایک) منطق انسانی ما اکثر اوقات نمی تواند برای آن جوابی منطقی پیدا کند. در این شرایط که نقشه های خداوند را درک نمی کنیم، باید به «نقشه کش» اعتماد کنیم.

۲- رویاهایی که خدا می دهد را باید جدی گرفت.

کلام خدا می گوید که نبوت ها را خوار نشماریم. اگر رویایی از خداوند نیست که بهتر است هرچه زودتر فراموش کنیم. اما اگر رویا و نبوتی داریم که از خداوند است، باید آنرا جدی بگیریم. آیات ۲ : ۲ _ ۴ دستور می دهد که در مورد رویاهای خدادادی چه بکنیم :

(۱) رویا را باید نوشت. (۲ : ۲) بخش های زیادی از کلام خدا همین رویاهای نوشته شده هستند. وقتی خدا با من صحبت می کند و یا خواب و رویا می دهد، اول دعا کرده و چک می کنم تا مطمئن شوم آن از خدا می باشد. اما وقتی که از الهی بودن آن مطمئن شدم، آن را می نویسم. وقتی کسی پیش من می آید و می گوید که خواب و یا رویایی از خدا دارد، معمولاً می گویم «آیا مطمئن هستی از خدا می باشد؟» اگر جواب مثبت داد، آنگاه می گویم « پس بنویس و به من بده چونکه خواب و رویایی که از خدا می باشد را می بایست جدی گرفت.»

(۲) رویا را باید جلوی چشم گذاشت که حتی در موقع دویدن بتوان آنرا دید. (۲ : ۲) اگر خدا به شما خواب و رویا می دهد، نه تنها باید آنرا بنویسید بلکه می بایست مرتب جلوی چشم شما باشد و فراموش نشود. چه خوب است که آن را نوشته و در کتاب مقدس خود بگذاریم یا روی آینه بچسبانیم که هر مرتب جلوی چشم ما باشد.

(۳) باید دانست که رویاهای خداوند در وقت معین خدا به انجام می رسند. (۲ : ۳) گرچه ممکن است از نظر ما انجام رویا ها دیر شود اما خداوند دروغ نمی گوید و رویا را به مقصد خواهد رساند. پس باید منتظر وقت های خداوند شد. بعضی افراد خواب و رویاهایی از کارهای عظیم خدا می بینند و یا در این مورد نبوتی می شنوند و فکر می کنند که این مسأله حتماً به زودی خواهد شد. اما خدا وقت های خود را دارد. باید با خدا همکاری کرد، خود را آماده کرد تا در وقت معین خدا آن را به انجام برساند. اگر خواب و رویا دیده اید که خدا شما را بطور عظیمی برای نجات ایران و ایرانی بکار خواهد برد. این بسیار عالی است. باید آن را جدی بگیرید، باید آن را بنویسید و جلوی چشم بگذارید. اما این رویا ممکن است مال امروز و فردا نباشد چرا که خدا اول باید شما را و شرایط ایران را آماده کند تا روزی این رویا بوقوع بپیوندد. از انجام آنی آن دلسرد نشوید. با خدا همکاری کنید تا شخصیت شما را بالغ سازد و شما را در عطایا و مسح خود رشد دهد تا آماده انجام آن رویا گردید.

(۴) نباید از رویاهایی که خدا به ما می دهد مغرور شویم. (۲ : ۴) رویاهای بزرگ خداوند باید ما را فروتن تر کند نه مغرور تر. باید این روحیه در ما باشد که « ای خداوند، من ناچیز کیستم که می خواهی از طریق من چنین عمل کنی؟ ». غرور همواره داوری خدا را به همراه دارد و جلوی انجام شدن رویا ها را می گیرد.

(۵) برای انجام رویا، باید با ایمان زندگی کرد. (۲ : ۴) باید با ایمان زیست. باید با امان حرکت کرد و نترسید تا اینکه این رویا به انجام برسد. اگر خدا به شما رویایی داده است، با ایمان آن را پذیرفته و با ایمان در آن مسیر حرکت کنید. ترس ها و خودکم بینی ها را کنار بگذارید. به کمبودهای خود نگاه نکنید بلکه به خدایی نگاه کنید که قادر است در شما و از طریق شما همه کار بکند.

آیا خداوند به شما رویایی داده است؟ آیا برای شما نبوتی شده است که به طرق مختلف تایید شده که اراده خدا برای شما می باشد؟ خدا می خواهد که آن رویا و نبوت را جدی گرفته و همین امروز قدم های بالا را با دعا برای آن بردارید.

(۳) خادم خدا اجازه نمی دهد شرایط روحیه او را تعیین کند.

یک خادم خدا، در هر شرایط شکرگزار و شاد می باشد چرا که شادی و خوشی واقعی میوه روح القدس می باشد و به شرایط بستگی ندارد. ممکن است اوضاع و شرایط از کنترل ما خارج باشند اما عکس العمل و روحیه ما باید در کنترل ما و روح القدسی که در ما است باشد. ما می توانیم مانند حقوق در بدترین شرایط تصمیم بگیریم که «لیکن من در خداوند شادمان خواهم شد.» (۳ : ۱۷ _ ۱۹) طبق این آیات، نتیجه چنین روحیه مثبت، شاد و شکرگزار در میان سختی ها این است که :

(۱) قوت خداوند بر ما ساکن می شود.

(۲) طوری سبک می شویم که می توانیم برای خداوند مانند آهو بدویم.

(۳) اقتدار خداوند بر ما آمده و بر مکانهای بلند خرامان خواهیم شد.

(۴) از مکان های بلند مسایل را از چشم الهی (نه انسانی) خواهیم نگرست.

در شرایط مشکل و سخت، در مصیبت ها و از دست دادن ها، عکس العمل شما چیست؟ بسیار آسان است انسانی رفتار کرده اجازه دهیم شادی از زندگی ما رخت بسته و غم و شکست جایگزین شود. ساده است که از شکرگزاری دست برداشته و لب به شکوه و شکایت بگشاییم. در آن شرایط می خواهید انسانی و نفسانی زندگی کنید یا اینکه در مکان های بلند خدا خرامان باشید؟ انتخاب از شما است. بیایید بجای آنکه اجازه دهیم دنیا و شرایط رفتار و روحیه ما را کنترل کنند، ما با روحیه درست و پیروز خود، شرایط و دنیا را کنترل نماییم.

سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی حقوق چه می باشد؟
- (۲) کتاب حقوق شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- (۳) موضوع کتاب حقوق با کدام ۳ کتاب عهدجدید مشابه است؟
- (۴) دو درس روحانی از کتاب حقوق را بیان کنید.
- (۵) کلمه «حقوق» به معنی می باشد.
- (۶) حقوق چه سوالاتی از خدا می کند (دو سری سوالات)؟
- (۷) دو مکاشفه عیسای مسیح را در حقوق بیان کنید.
- (۸) وقتی خدا به ما رویایی می دهد کدام ۵ قدم را باید برداریم؟

صفنیا

نویسنده و تاریخ نگارش

صفنیا نویسنده این کتاب است که آنرا حدود ۶۳۰ قبل از میلاد نوشته است. صفنیا تنها نبی است که شاهزاده می باشد (از نسل چهارم حزقیای پادشاه). او در شهر اورشلیم ساکن بود. کلمه «صفنیا» به معنی «یهوه پنهان می کند» می باشد.

زمینه و موضوعات اصلی

در ابتدا، خدمت صفنیا در زمان یوشیای پادشاه، باعث بیداری قوم شد. اما این بیداری طولی نپایید و متأسفانه مردم به زودی به راه های گذشته خود برگشتند. خدا می خواست که قوم خود را از داوری نجات دهد اما آنها او را رد کردند. پیغام صفنیا این است که خدا گناهان آنها را داوری خواهد کرد. اما بعد از داوری سنگین، برکت در شخص مسیح خواهد آمد که باعث پرستش و سرود خواندن خواهد شد.

صفنیا همراه با ارمیاء و حبقوق، انبیایی هستند که در روزهای آخر یهودا خدمت می کردند.

تم کتاب صفنیا مانند کتاب یوئیل در مورد روز داوری (روز خداوند) می باشد. خداوند نه تنها قوم خود را بلکه تمام دنیا را داوری خواهد کرد. روز خداوند روز داوری همه جهان است. اما یک بقیتی خواهند ماند و هرکه نام او را بخواند، یهودی و غیر یهودی، برکت خواهد یافت. خدا قوم خود را جمع خواهد کرد و یک جشن در تمام دنیا برقرار خواهد شد. صفنیا خصوصیات روز خداوند را بسط داده و شرح می دهد.

کلمه «روز» به زبان عبری «یوم» می باشد (مانند زبان عربی) که هم به معنی یک «شبانه روز ۲۴ ساعته» می باشد و هم به معنی «دوره زمانی» می باشد. پس باید توجه کنیم که این «روز خداوند» ممکن است یک شبانه روز نباشد بلکه یک مدت زمانی باشد که شامل چند روز، یا چند هفته و حتی چند ماه باشد. آنطور که داوری خداوند در کتاب مکاشفه شرح داده شده است، بیشتر این را می رساند که «روز خداوند» یک دوره داوری می باشد که در روز آخر به داوری نهایی نیز ختم می شود. پس «روز خداوند» هم یک دوره زمانی می باشد و هم یک روز (روز آخر آن دوره).

کلمه کلیدی : داوری و نجات در روز خداوند

آیات کلیدی : ۱ : ۱۴ _ ۱۵ و ۲ : ۳

۱ : ۱۴ _ ۱۵ ... « روز عظیم خداوند نزدیک است، نزدیک است و بزودی هرچه تمام تر می رسد. آواز روز خداوند مسموع است و مرد زور آور در آن به تلخی فریاد برخواهد آورد. آن روز، روز غضب است، روز تنگی و اضطراب، روز خرابی و ویرانی، روز تاریکی و ظلمت، روز ابرها و ظلمت غلیظ.»

۲ : ۳ ... « ای جمیع حلیمان زمین که احکام او را بجا می آورید، عدالت را بطلیبید و تواضع را بجوید، شاید که در روز خشم خداوند مستور شوید.»

فصل کلیدی : ۳

در این فصل دو قسمت مهم روز خداوند شرح داده می شود : داوری و بازسازی. بعد از آنکه ملل جهان نجات پیدا کردند، اسرائیل نیز نجات خواهد یافت و وعده های خدا در مورد آنها به انجام خواهد رسید.

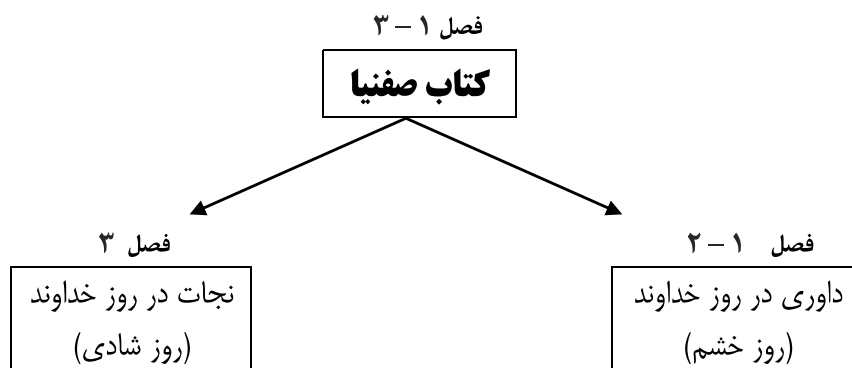
بررسی

بطور کلی، صنفیا کتابی است پر از هشدار در مورد آمدن روز خداوند. اما فقط به مساله داوری در روز خداوند نمی پردازد بلکه به ماورای آن نگاه کرده و بازسازی و شادی را نیز در روز خداوند می بیند.

کتاب صنفیا به دو بخش اصلی تقسیم می شود :

(۱) **داوری در روز خداوند (فصل های ۱ تا ۲)** _ در مورد داوری خداوند بر همه زمین صحبت می کند. خداوند از همه می خواهد قبل از آنکه دیر شود فروتن شده و توبه کنند تا این بلاها شامل حال آنها نشود.

(۲) **نجات در روز خداوند (فصل ۳)** _ بیشتر این فصل در مورد جنبه برکتی روز خداوند است. در آن روز ملت ها پاک شده و نام خداوند را خواهند خواند. بقیتی از ایمانداران جمع آوری شده و در نجات دهنده خود شادی خواهند کرد زیرا نجات دهنده در میان آنها خواهد بود.



مکاشفه عیسای مسیح

بازگشت ثانوی _ عیسای مسیح خود دو بار به کتاب صنفیا اشاره می کند (۱ : ۳ را در متی ۱۳ : ۴۱ و ۱۵ : ۱ را در متی ۲۴ : ۲۹ می بینیم) و خود اعلام می کند که این آیه ها مربوط به بازگشت ثانوی او در روز خداوند می باشند.

یهوه پادشاه اسرائیل _ عیسای مسیح ادعا کرد که او پادشاه یهود است. در روز خداوند، یهوه پادشاه اسرائیل به صورت مسیح «در میان قوم خود خواهد بود» (۳ : ۱۵ _ ۱۷) و این باعث شادی و جشن خواهد بود.

مستور کننده عادلان از خشم خداوند _ عیسای مسیح در روز خشم خداوند (روز خداوند)، حلیمان زمین و عادلان که به او ایمان آورده اند را از خشم خداوند مستور می گرداند (۲ : ۳). این شبیه کاری است که خون بره در مصر در شب آخر در مقابل فرشته مرگ کرد. در آن شب خون روی سردرها، ساکنان آن خانه را از داوری و خشم خداوند حفظ کرد.

مکاشفه روح القدس

روح توبه _ کار روح القدس این است که جهان را نسبت به گناه و داوری مجاب کند. آیات ۲ : ۱_۲ را می توان از دهان روح القدس دریافت کرد که جهانیان را دعوت می کند که تا دیر نشده توبه کنند.

زبان واحد پاک _ در زمان آخر، یک زبان به همه داده خواهد شد که با آن همه جمعا خداوند را بستانند. ریخته شدن روح القدس و عطیه زبانها مقدمه ای بر این وعده می تواند باشد.

دروس اصلی روحانی

۱ - خادم خدا روز داوری را جدی می گیرد.

اکنون دوران فیض خداوند است که هدیه نجات به رایگان در دسترس همه جهان می باشد. اما روزی این فرصت پایان یافته و جهان داوری می شود. این روز وحشتناک می باشد. روزی است که کسانی که به مسیح ایمان آورده اند از خشم خداوند مستور شده و با خداوند ملاقات می کنند و در جشن عروسی بره وارد می شوند. در عین حال روزی است که داوری وحشتناک خداوند به همه کسانی که نجات او را دریافت نکرده اند وارد می شود.

باید این حقیقت تلخ برای همه ما جا بیافتد. عزیزان ما که هدیه نجات را دریافت نکرده اند، آینده بسیار وحشتناکی در انتظار آنهاست. این حقیقت باید ما را تکان داده و باعث شود از بطالت این دنیا دست کشیده و با جدیت دعا کرده و روزه بگیریم، زندگی پاک و نمونه و جذاب در مقابل دیگران داشته باشیم و همه کس را همه چیز شویم تا به هر طریق تعدادی نجات پیدا کنند.

آیا روز خداوند برای شما ملموس و واقعی است؟ آیا مهیب بودن و وحشت آن را احساس می کنید؟ درک حقیقت آن باید در طرز زندگی من و شما و ارجحیت های ما تأثیر عمیقی داشته باشد وگرنه روز خداوند را درک نکرده ایم.

۲ - خادم خدا مواظب است که کلیسایش «نجس» نشود.

در ۳ : ۱ _ ۴ می خوانیم که از نظر خدا، چه چیزهایی جماعت او را نجس می سازد :

(۱) روحیه بی اطاعتی و گوش فرا ندادن ایمانداران، کلیسا را نجس می سازد (۳ : ۲).

(۲) روحیه تصحیح ناپذیری در کلیسا، فضای روحانی آن را نجس می سازد (۳ : ۲).

(۳) تکیه به قوت انسانی خود و عدم توکل به خدا، کلیسا را نجس می سازد (۳ : ۲).

- ۴) عدم اشتیاق قلبی در ایمانداران برای نزدیک شدن به خدا، نشانه نجس بودن کلیسا می باشد (۳ : ۲).
- ۵) خداوندی کردن و روحیه ریاست داشتن رهبران، کلیسا را نجس می سازد (۳ : ۳).
- ۶) خودخواهی و نفع خود را طلبیدن بخصوص در رهبران، نجاست را به کلیسا می آورد (۳ : ۳).
- ۷) غرور انبیاء و خیانت آنها به خدمتی که خدا به آنها سپرده، روح کلیسا را نجس می سازد (۳ : ۴).
- ۸) خادمین و رهبرانی که خود کلام را اطاعت نمی کنند، نجاست را به کلیسا می آورند (۳ : ۴).
- تک تک ما وظیفه داریم مواظب خود، گروه شباهنگ خود و کلیسای خود باشیم. روحیه های بالا فضای روحانی گروه شباهنگ و کلیسا را نجس کرده و روح القدس را محزون می کند. در نتیجه ممکن است که برنامه های کلیسا و گروه شباهنگ به روال قبل ادامه پیدا کند ولی روح القدس در آن کار نکند. بخصوص باید بسیار هوشیار باشد که نکند از طریق ما این روح نجاست وارد کلیسا یا گروه ما شود.

سوالات برای مرور درس

- ۱) کلمه کلیدی صفنیا چه می باشد؟
- ۲) کتاب صفنیا شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۳) غیر از صفنیا کدام دو پیامبر در روزهای آخر یهودا خدمت می کردند؟
- ۴) دو درس روحانی از کتاب صفنیا را بیان کنید.
- ۵) کلمه «صفنیا» به معنی می باشد.
- ۶) موضوع کتاب صفنیا مانند موضوع کتاب می باشد.
- ۷) دو مکاشفه عیسای مسیح را در صفنیا بیان کنید.
- ۸) دو مکاشفه روح القدس در صفنیا را بیان کنید.
- ۹) ۴ مورد که باعث نجس شدن گروه شباهنگ و کلیسا می شود را بیان کنید.

حجی

نویسنده و تاریخ نگارش

حجی نویسنده این کتاب است. او یکی از کسانی بود که تحت رهبری زروبابل از اسارت بابل به اورشليم بازگشت. نام او را در عزرا ۵ : ۱ و ۶ : ۱۴ می بینیم که همراه با زکریا مردم را تشویق به ساختن معبد می کند. کلمه «حجی» به معنی «جشن یهوه» می باشد. تاریخ نگارش این کتاب ۲۵۰ قبل از میلاد است.

زمینه و موضوعات اصلی

کوروش پادشاه فارس در سال ۵۳۸ قبل از میلاد دستور آزادی یهودیان را صادر کرد و به آنها اجازه داد به سرزمین خود بازگشته و معبد خود را دوباره بسازند. اولین سری اسیران تحت رهبری زروبابل بازگشتند و در سال ۵۳۶ قبل از میلاد کار ساختن معبد را شروع کردند. فصل های ۴ تا ۶ کتاب عزرا، زمینه تاریخی کتاب حجی را بیان می کند و شرح می دهد که چگونه سامری ها جلوی ساختن معبد را گرفته و شکایت نامه ای به داریوش اول، پادشاه فارس می نویسند.

برای بهتر فهمیدن این کتاب، باید شرایط یهودیان را درک کرد. آنها کسانی هستند که به تازگی از اسارت بازگشته اند. آنها راحتی نسبی که در بابل داشتند را کنار گذاشته بودند و بعد از یک مسافرت طولانی، زندگی را از نو شروع کرده بودند و این برای آنها آسان نبود. خشکسالی، خرابی ها و مخالفت و دشمنی اقوام اطراف آنها را دلسرد کرده بود. مخالفت سامری ها با ساخته شدن معبد و این شکایت نامه باعث شد به دلسردی آنها افزوده شود و در نتیجه در سال ۵۳۴، دست از ساختن معبد برداشتند. آنها دیگر آن حرارت و اشتیاق اولیه را برای خدا نداشتند و بیشتر به ساختن خانه های خود و تجارت های خود مشغول بودند.

آنها فراموش کرده اند که ساخته شدن معبد چقدر مهم است. چراکه داشتن معبد، آنها را از لحاظ قومی و ایمانی متحد و متشکل می کند و آنها را برای آمدن مسیح موعود آماده می سازد.

حجی در این موقعیت است که خدمت خود را شروع می کند و با یک سری موعظه های آتشین یهودیان را برمی انگیزاند تا کار ساختن معبد را که ۱۶ سال قبل شروع کرده بودند (و ۱۴ سال بود که متوقف شده بود) به پایان برسانند. در نتیجه کار ساختن معبد دوباره در سال ۵۲۰ قبل از میلاد شروع شده و در سال ۵۱۶ قبل از میلاد به پایان می رسد (عزرا ۶ : ۱۵).

پیغام حجی به یهودیان این است که باید ارجحیت هایشان را در زندگی تغییر دهند و معبد را بنا کنند و گرنه برکات خداوند در زندگی آنها جاری نخواهد شد. او به قوم می گوید که مشکلات فعلی آنها به این دلیل است که به خدا و مسائل روحانی اهمیت نداده و به دنبال کارهای خود هستند.

حجّی یکی از معدود انبیاء است که پیغام او نتیجه آنی در مردم دارد. ۲۳ روز بعد از پیغام اولش، کار ساخته شدن معبد دوباره شروع می شود. پیغام های او با اقتدار آسمانی همراه است. در ۳۸ آیه این دو فصل، ۲۶ بار کلمه «خداوند می گوید» یا «یهوه صبايوت می گوید» تکرار می شود.

کلمه کلیدی : بازسازی معبد

آیات کلیدی : ۱ : ۷ - ۸ و ۲ : ۷ - ۹

۱ : ۷ - ۸ ... « پس یهوه صبايوت چنین می گوید : دل خود را به راه های خویش مشغول سازید. به کوه برآمده و چوب آورده، خانه را بنا نمایید و خداوند می گوید : از آن راضی شده، جلال خواهم یافت.»

۲ : ۷ - ۹ ... « و تمامی امت ها را متزلزل خواهم ساخت و فضیلت جمیع امت ها خواهند آمد و یهوه صبايوت می گوید که این خانه را از جلال پر خواهم ساخت. یهوه صبايوت می گوید : نقره از آن من و طلا از آن من است. یهوه صبايوت می گوید : جلال آخر این خانه از جلال نخستین اش عظیم تر خواهد بود و در این مکان، سلامتی را خواهم بخشید. قول یهوه صبايوت این است.»

فصل کلیدی : ۲

در این فصل (بخصوص آیات ۶ تا ۹) پیشگویی های تکان دهنده در مورد آمدن مسیح بیان می شود.

بررسی

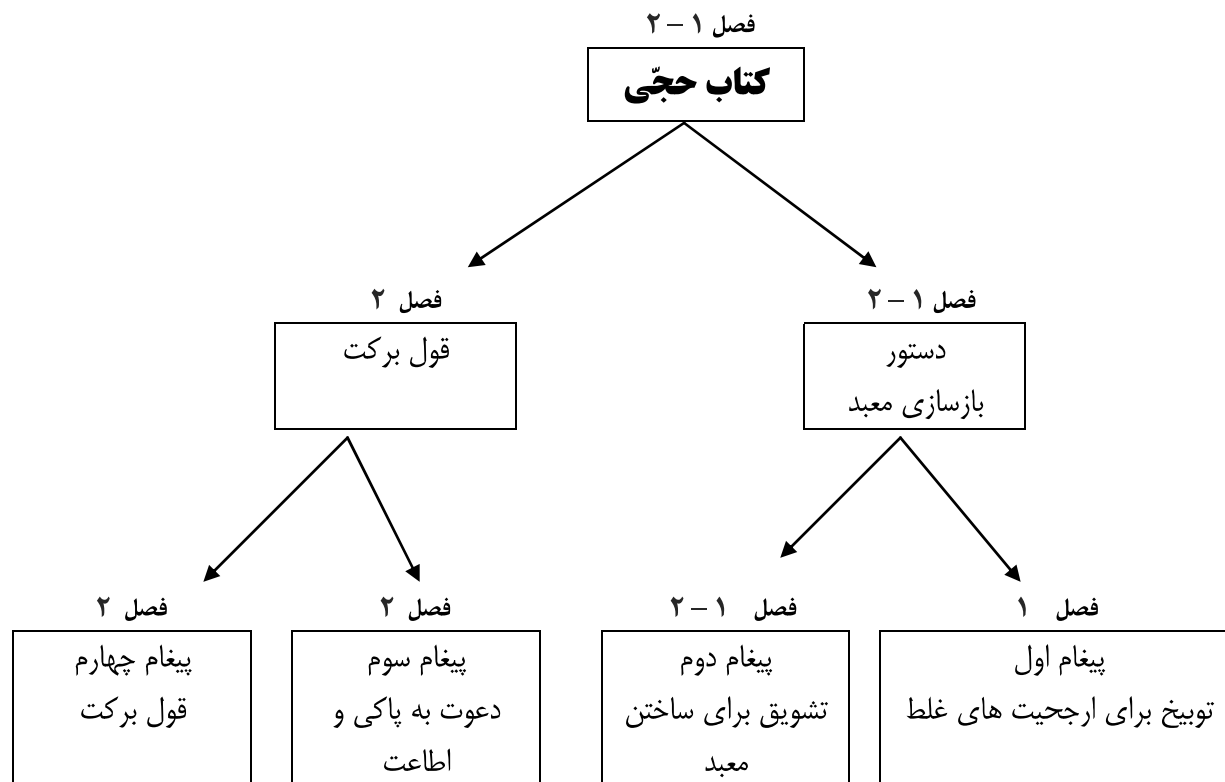
حجّی با ۴ موعظه کوتاه به یهودیان تفهیم می کند که دلیل اینکه برکت از کار و زندگی آنها رفته است این است که کار خود را قبل از کار خدا قرار داده اند. معبد را فراموش کرده اند و به دنبال ساختن خانه ها و تجارت خود هستند. فقط وقتی خدا را اول قرار دهند می توانند انتظار برکت از خدا را داشته باشند.

۴ پیغام خداوند از طریق حجّی به شرح زیر است :

۱) دستور بازسازی معبد (فصل های ۱ تا ۲ : ۹) _ این قسمت شامل دو پیغام می شود. در پیغام اول

(فصل ۱) خداوند قوم را توبیخ می کند که ارجحیت های غلط در زندگی خود را کنار بگذارند و به کار ساختن معبد بپردازند. در پیغام دوم (۲ : ۱ تا ۲ : ۹)، خداوند قوم را تشویق می کند که قوی دل باشند و در ساختن معبد دلسرد نباشند چراکه خدا با آنهاست. خدا این را می گوید چونکه پیرمردانی یهودی که با آنها از اسارت برگشته بودند، جلال معبدی که می ساختند را با معبد پر جلال سلیمان مقایسه می کردند و به قوم می گفتند که آن معبد اولیه (معبد سلیمان) چقدر عظیم و پر جلال بوده است و این معبد جدید چقدر در مقابل آن حقیر و ناچیز می باشد. بدیهی است که این مقایسه باعث دلسردی قوم شده بود.

(۲) قول برکت (فصل ۲: ۱۰ تا ۲: ۲۳) _ در پیغام سوم (۲: ۱۰ - ۱۹)، خدا می خواهد که قوم او پاک زندگی کرده و از خدا اطاعت کنند تا برکت های خدا در زندگی آنها جاری شود. در پیغام چهارم (۲: ۲۰ - ۲۳)، خدا قول می دهد که ممالک جهان را هلاک خواهد کرد اما قوم خود و زروبابل (سمبل مسیح) را برکت خواهد داد.



مکاشفه عیسی مسیح

جلال معبد _ یهودیان به ظاهر معبدی که می ساختند نگاه می کردند و آنرا با معبد سلیمان مقایسه می کردند و فکر می کردند جلالی ندارد. در ۲: ۹، خداوند به آنها قول می دهد که در آخر، جلال آن خانه از جلال اولش بیشتر خواهد بود. این جمله وقتی به وقوع پیوست که خودِ خدای پرجلال، عیسی مسیح، ۴۰۰ سال بعد قدم در آن گذاشت. طبق این پیشگویی، او سلامتی را آورد چراکه خود شاهزاده صلح و سلامتی بود.

فضیلت (اشتیاق) همه امت ها _ در ۲: ۷ پیشگویی می شود که زمانی خواهد آمد که همه امت ها به سوی «اشتیاق همه امتها» خواهند آمد. همه امت ها مشتاق «خدا» هستند اما نمی دانند که عیسی مسیح همان خدایی است که دل تشنه آنها مشتاق اوست. در طی این ۲۰۰۰ سال امت های بیشماری به سوی عیسی مسیح، (اشتیاق همه امت ها) آمده اند و این پیشگویی به این صورت تا حدودی انجام شده است. اما در بازگشت ثانوی، این پیشگویی به کمال انجام خواهد شد و همه ملت ها بسوی او خواهند آمد و هر زانویی خم خواهد شد و هر زبانی اقرار خواهد نمود که او خداوند می باشد.

زروبابل _ زروبابل نمونه ای از مسیح است که خدا به او قول می دهد او را « نگین خاتم» بسازد (۲: ۲۳). نگین نشانه و یادآورنده یک قول می باشد. پس خدا به زروبابل قول می دهد که او را نشانه ای بسازد از قولی که خدا به بشر در مورد آمدن مسیح نجات دهنده داده بود. زروبابل کسی بود که خدا او را از بابل به اورشلیم آورد نه فقط برای اینکه معبد را بنا کند بلکه تا از نسل او مسیح موعود بیاید. زروبابل از نسل داود بود و طبق پیشگویی ها مسیح می بایست از نسل داود باشد.

مکاشفه روح القدس

روح جرأت _ در ۲: ۵ به روح القدس اشاره می شود که چگونه حضور او در بین قوم خدا، به آنها جرأت بخشیده و ترس را دور می کند.

دروس اصلی روحانی

۱ - بدون ارجحیت درست، در زندگی برکتی نمی باشد.

خدا به قوم یهود نگاه می کند و دلیل کار زیاد و عدم موفقیتشان را به آنها گوشزد می کند که ارجحیت غلط در زندگی شان می باشد. آنها خانه و کار خود را قبل از کار خدا قرار داده اند: « بسیار کاشته اید و اندک حاصل می کنید، می خورید اما سیر نمی شوید و می نوشید لیکن سیراب نمی گردید. رخت می پوشید اما گرم نمی شوید و آنکه مزد می گیرد، مزد خویش را در کیسه سوراخ دار می گذارد. یهوه صباوت می پرسد که سبب این چیست؟ سبب این است که خانه من خراب می ماند و هرکدام از شما به خانه خویش می شتابید.» (۱: ۵ - ۹)

در زندگی ما نیز اگر خداوند و بنای ملکوت او اول نباشد، بسیار کار می کنیم اما چیزی دست ما را نمی گیرد. شبانه روز زحمت می کشیم ولی آخر ماه چیزی در حساب خود نداریم. دل ما به دنبال بسیار چیز ها می باشد اما هیچکدام ما را ارضا نکرده و تشنگی روحانی ما را سیراب نمی کند.

روحیه ما نسبت به کار و امور خداوند چگونه است؟ آیا روحیه ما این است که اگر وقتی باقی ماند، آنرا صرف خدمت خدا می کنیم؟ آیا اگر پولی باقی ماند، آنرا به خدا هدیه می دهیم؟ یا اینکه خدا، رابطه با خدا، امور روحانی و پیشرفت ملکوت او برای ما ارجحیت دارد. خدا **قول می دهد** روحیه درست را برکت بدهد. نه تنها برکت روحانی بلکه برکت مالی نیز. آیا به قول های او اعتماد داریم؟ آیا وقت گذاشتن با خدا برای شما ارجحیت می باشد یا به همه کار می رسید و اگر وقت کردید با خدا و کلام او می گذرانید؟ آیا می گوئید آنقدر سرم شلوغ است که وقت خدمت کردن خدا را ندارم. وقت ندارم در شباهنگ شرکت کنم چه برسد که در آن خدمت هم بکنم؟ آیا خدا را اول قرار داده و ده یک خود را از درآمد خود اول می دهید یا همه خرج ها را می کنید و اگر پولی باقی ماند کمی هدیه می دهید؟ اگر می گوئید « خداوند، خداوند»، آیا عمل شما با زبان شما می خواند و عیسای مسیح به عنوان خداوند در همه امور ارجحیت دارد؟

۲ - خادم خدا دل خود را به راههای خود مشغول می سازد.

خدا می خواهد که ما به روش های زندگی خود توجه کنیم (۱: ۵ و ۷). او می خواهد ما به دقت، زندگی و روش های خود را ارزیابی کرده و از آنها درس بگیریم.

اگر زیاد کار می کنیم ولی کمبود مالی داریم باید از خدا پرسید چرا؟ باید روش زندگی خود را در حضور خدا تفتیش کنیم وگرنه به کار زیاد ولی بیهوده و ناموفق خود ادامه می دهیم. اگر خدمت می کنیم ولی کسی نجات پیدا نمی کند و زندگی کسی عوض نمی شود، خدا می خواهد سوال کنیم چه اشکالی در کار ما است تا روش های خود را عوض کنیم و یا در صورت لزوم توبه کنیم. ما **باید انتظار داشته باشیم** که کار ما به ما برکت مالی برساند و خدمت ما نتایج روحانی بدهد. اگر این طور نیست باید به خود آمد و دلیل را جستجو کنیم.

متأسفانه بسیاری از خادمین ایرانی را می بینم که خدمت موثری ندارند و خدمت آنها آنطور که مسیح می خواهد میوه فراوان که بماند ندارد. تاسف بیشتر این است که این خادمین بجای آنکه خود و روش های خود را چک کرده و سوال کنند: «خداوندا چرا خدمت من میوه نمی آورد؟ چه چیزی باید در من عوض شود؟ چه روشهایی دارم که غلط است و باید عوض کنم؟» به خدمت ناموفق خود سالها ادامه می دهند. وقتی هم که خدمت پیش رونده و مؤثر خادم دیگر و کلیسای دیگری را می بینند، بجای آنکه خود و روش های خود را زیر سوال بگذارند و یا حداقل سوال کنند که «من چه چیزی می توانم از آنها یاد بگیرم؟ من کجا دارم اشتباه می کنم؟» بلافاصله عذر و بهانه ها می آورند: «آسمان شهر شما با شهر ما فرق می کند. آسمان شهر شما باز است و آسمان شهر ما بسته است.» «ایمانداران شما متعهد تر از ایمانداران ما هستند» (حتی از خود نمی پرسند چرا اینطور است) «ایمانداران شما تحصیل کرده تر از ایمانداران ما هستند.» «ایمانداران شما ده یک می دهند و شما مشکل مالی ندارید و ما داریم.» کسی که این طرز فکر را دارد، هیچگاه عوض نمی شود و سالها نه خودش رشد می کند و نه کلیسایش.

بعضی از خادمین وقتی کلیسا و خدمت موفقی را می بینند، حتی یک قدم از این فراتر رفته و پیش خود استدلال می کنند: «من که همه چیزم درست است. از آنها که روحانی تر هستم. از آنها که فکرم درست تر کار می کند. روش هایم که خداپسندانه تر از آنها است ولی خدمت و کلیسای من آنطور پیش نمی رود. پس آن کلیسای دیگر و شبان آن حتما کاری غلط و غیر روحانی و خدا ناپسندانه می کنند که افراد به آن اضافه می شوند. این افراد حتما اصلاً "نجات ندارند و این کلیسا کلوپ است.» چنین خادمی در غرور و خود فریبی و خواب روحانی می باشد که شیطان نیز لالایی های زیبایی برای او می خواند.

خوشبختانه خداوند دارد نسل جدیدی از خادمین نمونه در بین ایرانیان بلند می کند. نسلی فروتن، تعلیم جو و تصحیح جو. خادمینی که همواره خود و روش های خود را چک کرده، حاضرند خود عوض شوند و روش های خود را تغییر دهند تا خدمت مؤثری داشته باشند. آنها حاضرند هر بهایی را با فروتنی بپردازند تا ببینند که ملکوت خدا در بین ایرانیان پیش می رود. آنها به دنبال خدمات موفق می گردند تا از آنها یاد بگیرند. خدا را شکر آینده کلیسای ایران در دست چنین افرادی می باشد و بزودی شاهد نسل جدیدی از خادمین در بین ایرانیان خواهیم بود که باعث خجالت بسیاری از قدیمی ها که در چشم خود حکیم می باشند خواهند شد.

امروز تصمیم بگیرید شما می خواهید چه نوع خادمی باشید؟ مطمئن باشید که خدا سر حرف خود باقی می ماند و هیچگاه کوتاه نمی آید. او می گوید که فروتنان را بلند می کند و با مغروران مقاومت می کند. هرچقدر هم که مغروران عدم پیشرفت خود را از شیطان بدانند و شیطان را نهیب بزنند، فایده ندارد چون این شیطان نیست که جلوی آنها را گرفته است بلکه خود خدا می باشد!

راه های خود را چک کنید. آیا بشارت شما نتیجه می دهد؟ آیا اخیراً کسی بوسیله شما به مسیح ایمان آورده است؟ آیا خدمت شما در شباهنگ باعث رشد افراد می شود؟ آیا کلیسای شباهنگ شما از لحاظ روحانی و تعداد در حال رشد است. اگر نه باید از خود بپرسید چرا نه؟ چه کار اشتباهی می کنید؟ راه درستش چیست؟ چه چیزی را باید در خود و روش های خود تغییر بدهید؟

۳- در خدمت خدا دلسردی وجود دارد اما نباید دست از کار کشید.

شیطان به طرق مختلف سعی کرد که جلوی کار ساخته شدن معبد را بگیرد. در آخر موفق شد که با دلسرد کردن و به تعویق انداختن کار را متوقف کند (۱ : ۲). اما خدا از طریق انبیای خود مانند حجی، به قوم این درس را داد که بهترین جواب به دشمن این است که کار را ادامه داده و کامل کنند (مانند نحمیا).

در هر خدمت گاهی می رسد که مخالفت و مشکلات آنقدر می شود که برای انسان این وسوسه بوجود می آید که کار خدا را ول کرده و راه ساده تر و بی دردسترتر را انتخاب کند. شیطان در این شرایط مرتب در گوش ما می خواند : « فایده ندارد، ول کن. چقدر زور زدی و به نتیجه نرسیدی، هیچوقت موفق نخواهی شد، زور بیخود زن، ول کنی سنگین تر هستی. امیدی نیست، تو برای این کار ساخته نشدی. قبول کن و محترمانه کنار برو. » اگر به این وسوسه تن در دهیم، آنگاه است که شیطان به هدف خود رسیده است.

حمله ها و سختی ها و دلسردی ها در کار خداوند طبیعی است چرا که جنگ ما با خود شریر است و او به هر طریق می خواهد جلوی کار خدا را بگیرد. حتی اکثر مواقع این حملات و سختی ها ممکن است از طرف ایمانداران و کسانی باشد که نه تنها شما از آنها انتظار مخالفت ندارید، بلکه انتظار دارید همراه و همکار و مشوق شما باشند. چنین افرادی بخاطر گناه یا ضعف انسانی ندانسته بازیچه دست شیطان می شوند تا جلوی کار خدا را بگیرند. در این لحظات سخت باید چه کرد؟ باید از روح خدا پر شده و قوی دل شد و با جرات و شهامت به شیطان گفت که « کور خوندی! هر چه فشار را بیشتر کنی من نیز دعا و خدمت را بیشتر می کنم. من برای خدا ایستاده ام تا شکست کامل تو را در زندگی شخصی ام و در بین ایرانیان ببینم. »

در کدام قسمت زندگی یا خدمت خود دارید دلسرد می شوید؟ آیا مسائلی در کار، خانواده و یا خدمت شما اتفاق افتاده که شما را دلسرد کرده باشد؟ پس از روح القدس پر شده، قوی دل گردید و برای خدا با جرأت بایستید تا به زودی پیروزی خود و شکست شیطان را ببینید.

سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی حجی چه می باشد؟
- (۲) کتاب حجی شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- (۳) دو مکاشفه از عیسای مسیح در کتاب حجی را بیان کنید؟
- (۴) دو درس روحانی از کتاب حجی را بیان کنید.
- (۵) کلمه «حجی» به معنی می باشد.
- (۶) به چه دلایلی مردم از ساختن معبد دست برداشته بودند؟

زکریا

نویسنده و تاریخ نگارش

زکریا نویسنده این کتاب است. او نیز یکی از کسانی بود که تحت رهبری زروبابل از اسارت بابل به اورشلیم بازگشت. کلمه «زکریا» به معنی «یهوه بخاطر می آورد» می باشد که اسم با مسمایی است چرا که در این کتاب خداوند قول می دهد که عهد خود را بخاطر آورده و اسرائیل را برکت دهد. متی ۲۳ : ۳۵ توضیح می دهد که زکریا «بین هیکل و مذبح» بوسیله هموطنان خود کشته شد. فصل های ۱ تا ۸ هنگام ساخته شدن معبد در سالهای ۵۲۰ تا ۵۱۸ قبل از میلاد نوشته شده است (در زمان پادشاهی داریوش اول) و فصل ۹ تا ۱۴ بعد از ساخته شدن معبد در سال ۴۷۰ قبل از میلاد نوشته شده است (در زمان پادشاهی خشایارشا و داستان استر).

زمینه و موضوعات اصلی

هنگام نوشتن این کتاب، کار ساختن معبد بیشتر از ۱۲ سال است که متوقف شده است. خدا به زکریا مأموریت می دهد که مردم را تشویق کند تا کار نیمه تمام ساختن معبد را کامل کنند. زکریا برخلاف حجّی، بجای کلمات توبیخی قوم را بیشتر تشویق می کند و به آنها یادآوری می کند که ساختن این معبد چقدر مهم است زیرا که روزی جلال مسیح موعود آنها پر خواهد ساخت. پس به آنها می گوید برکات آینده به اطاعت کنونی آنها بستگی دارد. به آنها یادآوری می کند که دید باز داشته باشند زیرا که فقط ساختمان نمی سازند بلکه دارند آینده خود را می سازند.

زکریا و حجّی هر دو مردم را به ساختن معبد تشویق می کنند اما روش آنها با هم فرق دارد. در حجّی توبیخ نیز وجود دارد اما زکریا فقط تشویق می کند. حجّی بیشتر به امور روزانه توجه می کند اما زکریا بیشتر به آینده نگاه می کند.

کلمه کلیدی : آماده شدن برای مسیح

آیات کلیدی : ۸ : ۳ و ۹ : ۹

۸ : ۳ ... « خداوند چنین می گوید : به صهیون مراجعت نموده ام و در میان اورشلیم ساکن خواهم شد و اورشلیم به شهر حق و کوه یهوه صباوت به کوه مقدس مسمی خواهد شد. »
۹ : ۹ ... « ای دختر صهیون بسیار وجد بنما و ای دختر اورشلیم آواز شادمانی بده! اینک پادشاه تو نزد تو می آید. او عادل و صاحب نجات و حلیم می باشد و بر الاغ و بر کَرّه ، بچّه الاغ سوار است. »

فصل کلیدی : ۱۴

در این فصل حمله زمانهای آخر به اورشلیم شرح داده شده است و اینکه چطور خداوند خودش از کوه زیتون در این امر دخالت کرده از اورشلیم دفاع می کند و امت ها را داوری می کند. سلطنت هزارساله مسیح در این فصل شرح داده شده است.

بررسی

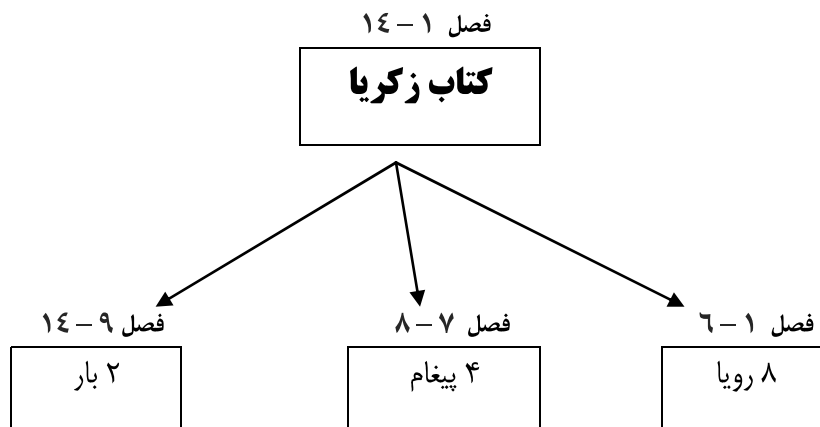
۸ فصل اول این کتاب هنگام ساختن معبد نوشته شده است و در آن مردم تشویق می شوند که کار را تمام کنند. برای تشویق بیشتر آنها، وعده آمدن مسیح برایشان یادآوری می شود. ۶ فصل بعدی بعد از ساخته شدن معبد نوشته شده است و چشم مردم را به آینده و به آمدن مسیح موعود می دوزد. این کتاب، تاریخ را در طول ۴۰۰ سال آینده تا آمدن مسیح پیشگویی می کند.

زکریا با ۸ رویا، ۴ پیغام و شرح دو «بار» نقشه خدا را برای قوم خود بیان می کند.

(۱) ۸ رویا (فصل های ۱ تا ۶) _ در این قسمت در رویا ها، کار مسیح در آمدن اول و بازگشت ثانوی او شرح داده می شود. اما این دو واقعه با هم بیان می شوند و مانند نگاهی به دو قله کوه، دره چند هزارساله بین این دو واقعه دیده نمی شود. ۵ رویای اول، رویاهای تسلی دهنده و ۳ رویای آخر، در مورد داوری می باشد.

(۲) ۴ پیغام (فصل های ۷ تا ۸) _ در جواب سوالی که در مورد روزه ها شده بود، خداوند به زکریا ۴ پیغام می دهد.

(۳) ۲ بار (فصل های ۹ تا ۱۴) _ اولین «بار» در مورد آمدن نوبت اول مسیح و طرد شدن او به عنوان پادشاه یهود می باشد (۹ _ ۱۱). «بار» دوم در مورد بازگشت ثانوی مسیح و قبول شدن او به عنوان پادشاه یهود می باشد. مسیح به عنوان پادشاه با قدرت می آید تا قوم خود را رهنانیده و ملت ها را داوری کند (فصل های ۱۲ _ ۱۴).



مکاشفه عیسی مسیح

در زکریا مانند اشعیاء پیشگویی های بیشماری در مورد آمدن مسیح وجود دارد. این پیشگویی ها هم در مورد آمدن بار اول او به عنوان یک خادم و آمدن بار ثانوی او به عنوان یک پادشاه می باشند. مسیح، هم به عنوان انسان و هم به عنوان خدا معرفی می شود. در فهرست زیر تعدادی از پیشگویی های در مورد مسیح در زکریا ذکر شده است :

اشاره به مسیح

آیه

سکونت خدا در میان قوم خود	۱۱ - ۱۰ : ۲
فرشته خداوند	۲ - ۱ : ۳
شاخه عادل	۱۳ - ۱۲ : ۶ و ۸ : ۳
سنگ هفت چشم	۹ : ۳
کاهن و پادشاه	۱۳ : ۶
پادشاه فروتن	۹ : ۹
سوار بر کره الاغ	۹ : ۹
سنگ زاویه	۴ : ۱۰
فروخته شده به سی پاره نقره	۱۲ : ۱۱
نیزه زده شده (برمن)	۱۰ : ۱۲
(این آیه الوهیت مسیح را نشان می دهد چرا که به خداوند نیزه خواهند زد)	
ماتم اورشليم برای مرگ مسیح	۱۱ - ۱۰ : ۱۲
چشمه پاک کننده گناه	۱ : ۱۳
شبان زده شده	۷ : ۱۳
یهوه ، خدایی که می آید	۵ : ۱۴
بازگشت او به کوه زيتون	۴ : ۱۴
یهوه پادشاه	۹ : ۱۴
بنا کننده هيكل خداوند	۱۲ : ۶

مکاشفه روح القدس

روح قدرت و قوت _ آیه ۴ : ۶ در مورد کار روح القدس بسیار مورد استفاده قرار می گیرد (نه به قدرت و نه به قوت بلکه به روح من). خدمت خدا را نباید با زور و قدرت و قوت انسانی کرد بلکه باید با قدرت و قوت روح القدس آنرا انجام داد.

روح نبوت _ آیه ۷ : ۱۲ بیان می کند که یهوه بوسیله روح خود به انبیاء کلام خود را می داد اما مردم دل خود را مثل الماس سخت کردند تا کلام خدا را نشنوند.

روح فیض _ در آیه ۱۲ : ۱۰ روح خداست که فیض خدا را بخصوص در مواقع سوگواری آشکار و ملموس می کند.

روح تضرع _ آیه ۱۲ : ۱۰ کار روح القدس را در مورد مجاب کردن به گناه و روح تضرع برای گناهان بیان می کند.

دروس اصلی روحانی

۱ - قوم خدا باید مشغول ساختن هیكل خداوند باشند زیرا مسیح به زودی می آید.

شرایط امروز شباهت زیادی به شرایط زمان زکریا دارد و پیغام زکریا کاملاً به ما می خورد. امروز نیز هیكل (بدن) عیسی مسیح نیمه کاره است و ما بجای آنکه به دنبال کار خود باشیم، باید با شور و شوق مشغول ساختن کلیسای خداوند در بشارت و شاگردسازی باشیم. چراکه آمدن و بازگشت ثانوی مسیح نزدیک می باشد. حقیقت بازگشت مسیح باید همان اثری را بر ما بگذارد که حقیقت آمدن مسیح برای یهودیان آن زمان داشت. یعنی باید این حقیقت مانند یهودیان آن زمان ما را به خود بیاورد تا با جدیت و ذوق و شوق، از این دنیا دست برداشته و به خدمت خداوند در زندگی خود ارجحیت دهیم.

شما تا چه حد مشغول ساختن هیكل عیسی مسیح هستید. اگر مشغول هستید، آیا این کار را با شوق و ذوق انجام می دهید؟ آیا بازگشت ثانوی مسیح برای شما ملموس است؟ اگر بله، آنگاه با جدیت و با شوق و ذوق مشغول کار خواهید شد. این دل خدا را می شکند که می بیند وقت کم است اما بسیاری از مسیحیان، به دنبال کار و زندگی خود هستند. آنها به دنبال بنای خانه و ماشینی هستند که در هر صورت نابود و ذوب خواهد شد و توجهی به ساخته شده بدن عیسی مسیح یعنی کلیسا ندارند. آیا زندگی شما باعث خوشحالی خداوندان می گردد و یا باعث حزن او هستید؟

۲ - در روزه درست، باید رابطه درست با دیگران داشت.

ما معمولاً جنبه عمودی روزه را در نظر می گیریم و فکر می کنیم روزه فقط به رابطه ما و خدا مربوط می شود. اما در این کتاب می بینیم که در روزه فقط رابطه ما با خدا مطرح نیست بلکه رابطه ما با دیگران نیز مطرح می باشد. خداوند می گوید روزه ای درست است که (۷: ۹-۱۰):

(۱) به راستی در حق یکدیگر داوری کنیم.

(۲) با یکدیگر احسان و لطف داشته باشیم.

(۳) به بیوه زنان و یتیمان و غریبان و فقیران برسیم.

(۴) در دلهای خود بر یکدیگر بدی نیاندیشیم.

پس بار آینده که روزه می گیرید، نه تنها رابطه خود را با خدا نزدیک تر کنید بلکه رابطه خود را با دیگران نیز پاک و نزدیک کنید. در طول روزه دعا کنید که احساس لطف و شفقت نسبت به محتاجین به کسانی که در درد و احتیاج هستند به قلب شما بیاید. همچنین در طول روزه، قلب خود را از هر فکر منفی و بد نسبت به دیگران (بخصوص برادران و خواهران مسیحی) پاک نمایید.

۳ - خداوند قوم خود را مانند مردمک چشم دوست داشته و برای آن غیرت دارد.

خدا ما را مانند مردمک چشم خود دوست دارد (۲ : ۸) بطوریکه هر که ما را دست بزند، مردمک چشم او را دست زده است. او برای عروس خود غیرت عظیمی دارد (۸ : ۲) و شدت غضب او شدت غیرت او را می رساند. آیا این محبت عمیق خدا را احساس می کنید؟ خداوند می خواهد در محبت او ساکن شده و از محبت او بنوشیم تا قادر باشیم او و دیگران را با محبت خالصانه دوست بداریم. آیا غیرت خدا را برای خود حس می کنید؟ این احساس باید ما را وادار کند که از گناه دوری بجوییم. غیرت خدا برای ما که از محبت او سرچشمه می گیرد باید به ما این اعتماد و ایمان را بدهد که با جرات او را خدمت کرده و از هیچ چیز نترسیم.

۴ - نجات عظیمی در پیش است.

در آینده زمانی پیش خواهد آمد که قوم ها و امت ها به دنبال خدا بگردند. در آن روزها آنقدر تشنگی خواهد بود که ده نفر از یک ایماندار خواهند پرسید که آنها را با خدا آشنا کند (۸ : ۲۰ - ۲۲). آیا مانند من در روح خود احساس می کنید که چنین زمانی در ایران آمده است؟ ایماندارانی که اخیرا به ایران رفته اند شهادت می دهند که چگونه مردم آنقدر مشتاق هستند که خود به در خانه آنها آمده و در مورد نجات عیسای مسیح سوال می کنند و خواستار داشتن کتاب مقدس می باشند. صدها هزار و بلکه میلیونها ایرانی در حال حاضر مشتاق شنیدن مژده هستند. اما طبق این آیات، حداقل آن یک نفر ایماندار باید در دسترش باشد که آن ده نفر از او سوال کنند. آیا شما می خواهید آن یک نفر باشید که در داخل ایران خدمت کنید و دهها و صدها خود به دنبال شما بگردند تا پیغام را از شما بشنوند؟ لطفا" در این مورد دعا کنید و از خدا بشنوید که نقش شما برای نجات ایران و ایرانی در این شرایط استثنایی که تشنگی بین ایرانیان وجود دارد چیست؟ آیا حاضرید زمانی را در خدمت در داخل ایران صرف نمایید؟ هیچ تضمینی وجود ندارد که این تشنگی به این صورت ادامه پیدا کند. زمان حرکت امروز است نه فردا.

سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی زکریا چه می باشد؟
- (۲) کتاب زکریا شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- (۳) ۴ مکاشفه از عیسای مسیح در کتاب زکریا را بیان کنید.
- (۴) دو مکاشفه از روح القدس را در کتاب زکریا بیان کنید.
- (۵) دو درس روحانی از کتاب زکریا را بیان کنید.
- (۶) کلمه «زکریا» به معنی می باشد.
- (۷) پیغام زکریا و حجتی، چه شباهت هایی به هم دارد؟
- (۸) پیغام زکریا و حجتی، چه فرق هایی با هم دارد؟

ملاکی

نویسنده و تاریخ نگارش

ملاکی نویسنده این کتاب می باشد که آنرا حدود سال ۴۳۰ قبل از میلاد نوشته است. کلمه ملاکی به معنی «فرستاده من» می باشد. ملاکی همزمان با نحمیاء خدمت می نمود و در اورشلیم خدمت می نمود.

زمینه و موضوعات اصلی

ملاکی آخرین کتاب عهد عتیق می باشد که بعد از آن، یک دوره ۴۰۰ ساله سکوت بین عهد عتیق و عهد جدید وجود دارد. این کتاب در شرایطی نوشته می شود که حدود ۸۰ سال از ساخته شدن معبد (وقایع عزرا، حجی و زکریا) می گذرد. گذراندن مراسم قربانی ها در معبد سالهای سال انجام شده و به صورت یک سنت تکراری و توالی درآمده است. کاهن ها از این مراسم خسته شده و آن را فقط به صورت وظیفه انجام می دهند. بعلاوه فساد نیز وارد سیستم مذهبی شده است. مردم در ظاهر مراسم را انجام می دهند ولی دل آنها با خدا نیست. در نتیجه ریاکاری و ظاهر سازی در روحانیت شایع شده است. کاملاً مشهود است که متأسفانه فرزندان و نوه های سیران بازگشته از اسارت، درسهای دوران اسارت را فراموش کرده اند.

در ملاکی، خدا با روش سوال و جواب این ریاکاری های روحانی و همچنین گناهای از قبیل طلاق، خیانت، غرور، ازدواج با افراد غیر ایماندار را زیر ذره بین قرار می دهد. برای مردم سوال است که آنها که مراسم مذهبی را انجام می دهند پس چرا در زندگی شان برکتی نیست؟ ملاکی جواب می دهد که اگر با صداقت و از ته قلب توبه کنند و به خدا برگردند، مانعی که جلوی برکات خداوند را گرفته برداشته شده و برکات خداوند جاری خواهد شد.

نحمیا در سال ۴۴۴ قبل از میلاد (۱۳ سال بعد از بازگشت عزرا) به اورشلیم آمد تا دیوارهای آنرا بنا کند. سپس در سال ۴۳۲ قبل از میلاد به ایران برگشت. اما در سال ۴۲۵ قبل از میلاد دوباره به اورشلیم برگشت. کتاب ملاکی در همین سالهایی که نحمیا در ایران بود (۴۳۲ تا ۴۲۵) نوشته شده است. به همین دلیل است که می بینیم وقت نحمیا به اورشلیم بازگشت، دست روی همان گناهای گذاشت که در کتاب ملاکی نیز اسم برده شده است. در کتاب ملاکی، خداوند یک سری اتهامات به قوم وارد می کند و قوم از خود دفاع می کنند. اما خدا با توضیح بیشتر به قوم ثابت می کند که اتهامات او به جا و درست است. از ۵۵ آیه در این کتاب، ۴۷ تای آن مستقیم از زبان خدا می باشد.

کلمه کلیدی: آماده شدن برای مسیح با توبه

آیات کلیدی: ۱۷:۲ _ ۱:۳ و ۴:۵ _ ۶

۱۷ : ۲ _ ۱ : ۳ « شما خداوند را به سخنان خود خسته نموده اید و می گوئید : چگونه او را خسته نموده ایم؟ از اینکه گفته اید همهٔ بدکاران به نظر خداوند پسندیده می باشند و از ایشان مسرور است یا اینکه خدایی که داوری کند کجا است؟ اینک من رسول خود را خواهم فرستاد و او طریق را پیش روی من مهیا خواهد ساخت و خداوندی که شما طالب او می باشید، ناگهان به هیكل خود خواهد آمد، یعنی آن رسول عهدی که شما از او مسرور می باشید. هان او می آید! قول یهوه صباوت این است.»

۴ : ۵ _ ۶ « اینک من ایلیای نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند نزد شما خواهم فرستاد. و او دل پدران را بسوی پسران و دل پسران را بسوی پدران خواهد برگردانید، مبدا بیایم و زمین را به لعنت بزنم.»

فصل کلیدی : ۳

آخرین کتاب عهد عتیق با پیشگویی های تکان دهنده ای در مورد آمدن مسیح و یحیای تعمید دهنده به پایان می رسد. این آیات ۴۰۰ سال بعد به انجام رسید وقتی که یحیی در بیابان راه خداوند را مهیا ساخت (متی ۳ : ۳).

بررسی

در کتاب ملاکی می بینیم که مردم قلبا از خدا دور هستند اما در ظاهر به انجام مراسم مذهبی ادامه می دهند. از هدایا می دزدند، قربانی های ناشایسته می آورند و از لحاظ اخلاقیات نیز در گناه افتاده اند. کاهنان نیز فاسد گشته اند و تازه برایشان این سوال است که چرا در زندگیشان برکت نیست. خدا با سوال و جواب می خواهد به قلب سنگی آنها رسوخ کند چرا که گناه خود را نمی بینند و با خدا بحث هم می کنند.

با وجود همه اینها، خدا آنها را دوست دارد و فیض خود را به کسی می دهد که با فروتنی و توبه به سوی او بیاید.

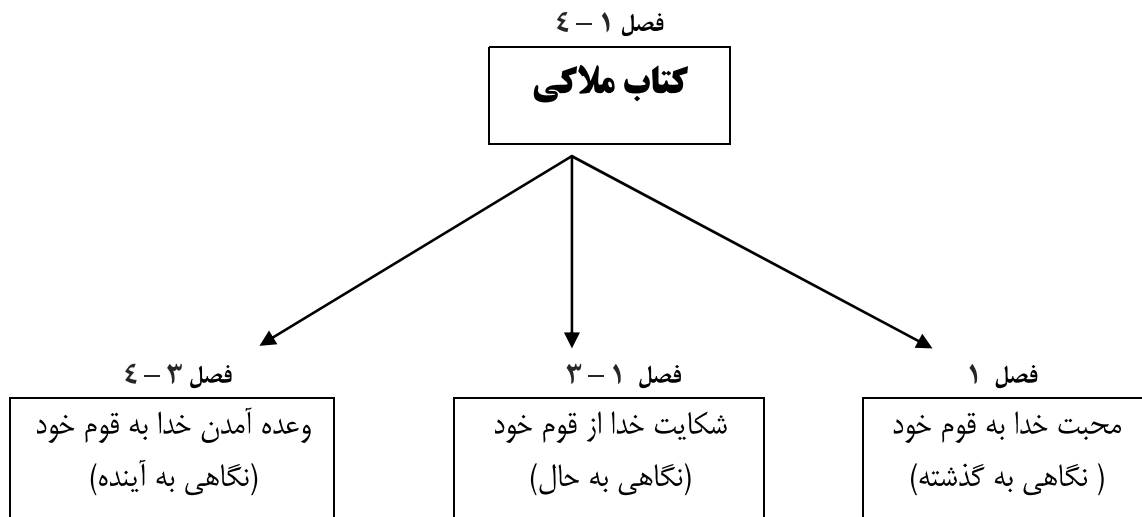
کتاب ملاکی شامل ۳ بخش اصلی می شود :

(۱) محبت خدا به قوم خود (۱ : ۱ تا ۵ : ۵) _ قوم خدا به محبت خدا نسبت به خود کور هستند. خدا ابتدا با مرور داستان عیسو و یعقوب، به آنها یادآور می شود که برای قوم خود محبت خاصی دارد. همچنین در این داستان به آنها هشدار می دهد که آنها نیز مانند عیسو دارند این حق فرزندی خود را بسیار ارزان به گناهان این دنیا می فروشند.

(۲) شکایت خدا از گناهان قوم خود (فصل های ۱ تا ۳) _ کاهنان ترس و احترام خود را به خداوند از دست داده اند و قربانی های معیوب را تقدیم خداوند می کنند. آنها به فرماندار ایرانی که بر آنها حکومت می کنند بیشتر احترام می گذارند تا به خدا. بخاطر این بی اطاعتی، خداوند برکت را از زندگی آنها گرفته است. مردم همسران جوانی خود را طلاق می دهند تا با زنان اقوام خدانشناس اطراف ازدواج کنند. آنها با ندادن ده یک و

هدایا، خدا را غارت کرده و از او دزدیده اند. خدا قول می دهد که اگر آنها خدا را اول قرار دهند، خداوند آنها را از لحاظ مالی برکت خواهد داد.

(۳) وعده آمدن خدا به قوم خود (فصل های ۳ تا ۴) _ خدا قول آمدن خودش را می دهد. در این فصل بیشتر از بازگشت ثانوی مسیح و روز خداوند صحبت شده است تا آمدن اولیه مسیح.



مکاشفه عیسای مسیح

آمدن خدا _ در ۳ : ۱، آمدن یحیای تعمید دهنده پیشگویی می شود (مانند اشعیا ۴۰ : ۳) و سپس اعلام می شود : «خداوندی که شما طالب او می باشید، ناگهان به هیکل خود خواهد آمد. یعنی آن رسول عهدی که شما از او مسرور می باشید. هان او می آید.»

بازگشت ثانوی مسیح _ ملاکی آیات بسیاری را به بازگشت ثانوی مسیح و روز خداوند اختصاص می دهد و در این مورد پیشگویی های متعدد می کند (۳ : ۲ _ ۵ و فصل ۴). در آمدن اولیه عیسای مسیح، یحیای تعمید دهنده در روح ایلیا آمد (متی ۱۷ : ۹ _ ۱۳) و قبل از بازگشت ثانوی مسیح نیز دوباره شخصی مانند یحیی با روح ایلیا خواهد آمد (۴ : ۵).

آفتاب عدالت _ عیسی مسیح در بازگشت ثانوی برای بی ایمانان، داور عادل خواهد بود اما برای کسانی که او را می شناسند، «آفتاب عدالت» خواهد بود که بر بالهای او شفا خواهد بود و ایمانداران در آن روز «مانند گوساله های پرواری» جست و خیز خواهند کرد!

مکاشفه روح القدس

روح نبوت _ روح القدس به ملاکی بطور واضح نبوت می دهد و وقایع آمدن مسیح و بازگشت ثانوی او را پیشگویی می کند.

دروس اصلی روحانی

۱ - عادت و روح مذهب، هر ایماندار و هر کلیسا را تهدید می کند.

در کتاب ملاکی می بینیم که عبادت و گذراندن قربانی برای قوم به صورت عادت و سنت در آمده است. قلب ها از خدا دور شده است ولی خودشان خبر ندارند و همچنان به مراسم مذهبی خود ادامه می دهند. خدا را «پدر» و «آقا» (خداوند) صدا می زنند اما زندگی آنها پدری و خداوندی خدا را نشان نمی دهد. فکر می کنند رابطه شان با خدا عالی است، اما نیست.

این روحیه مانند تله ای همواره هر ایماندار و هر کلیسا را تهدید می کند. برای هر کدام از ما این خطر وجود دارد که کم کم عبادت و حتی رازگهان مان به صورت عادت روزانه و رفتن به کلیسا جزو برنامه معمول روزهای یکشنبه شود. قلب و زندگی مان از روحانیت و رابطه سالم و زنده و نزدیک با خدا خالی شود ولی طبق برنامه و عادت گذشته به «کارهای مسیحی» و حتی خدمت های خود ادامه دهیم و تازه خود را گول بزنیم که مسیحی خوبی هم هستیم.

نشانه داشتن چنین روحیه ای چیست؟ اگر خودمان نسبت به آن کور هستیم، پس از کجا بفهمیم که در این حالت قرار داریم؟ واضح ترین نشانه اینکه در این وضع هستیم این است که در زندگی مان برکت واقعی وجود ندارد. به ظاهر همه کارهای یک مسیحی را می کنیم (دعا، رازگهان، کلیسا رفتن، عبادت و ...) اما شادی و آرامش در خود احساس نمی کنیم. در زندگی مان محبتی دیده نمی شود و برکات از زندگی مان رفته است.

چه بسیار دیده می شود که در دعا خدا را مرتب «ای پدر، ای پدر» صدا می زنیم و در هر جمله چند «ای خداوند» وجود دارد اما در زندگیمان رابطه پدری و فرزندی دیده نمی شود. خود در کنترل زندگی خود هستیم و خداوندی او در بسیاری از حوزه های زندگی مان (کار، خانه، پول، وقت، دوستی ها، خدمت، بشارت، ...) دیده نمی شود. در دعا و پرستش می گوئیم و می خوانیم که «تو خداوند و صاحب و مالک ما هستی» اما در عمل به کار خود مشغول هستیم و برای او و خدمت او وقت نمی گذاریم. می گوئیم «زندگی من و همه چیز من مال توست» اما ده یک خود را نمی دهیم. اگر این عمل را دانسته انجام می دهیم در دروغ و فریب زندگی می کنیم و اگر ندانسته انجام می دهیم، در خود فریبی زندگی می کنیم چرا که فکر می کنیم روحانی هستیم ولی در واقع خیلی هم نفسانی می باشیم.

آیا رابطه خود را با خداوند همیشه تازه نگاه می دارید. آیا تمامی قلب شما در عبادت و سرود و رازگهان است یا بر حسب عادت اینها را انجام می دهید. آیا عادت کرده اید که او را «پدر» و «خداوند» صدا بزنید یا واقعا او در زندگی شما پدر است و خداوندی او در زندگی و تصمیمات شما آشکار است. آیا آنطور که وقت و پول خود را صرف می کنید، خداوندی او را نشان می دهد؟

۲ - خصوصیات خادم خدا به عنوان کاهن خداوند -

در ۲: ۵ - ۷، خداوند خود خصوصیات یک کاهن نمونه را یادآور می شود. طبق این آیات، کاهن نمونه کسی است که :

- (۱) خدا ترس است و خدا با او عهد حیات و آرامش بسته است.
 - (۲) از دهان او کلام خدا و حق و حقیقت جاری است.
 - (۳) با خداوند راه می رود و بخاطر همین در آرامش و استقامت زندگی می کند.
 - (۴) بشارت می دهد و بنا می کند تا بسیاری را از گناه بر می گرداند.
 - (۵) مردم به او اعتماد داشته و از او نظر خواهی می کنند.
 - (۶) او می داند که نماینده و فرستاده خود خداوند است.
- در عهد جدید، من و شما کاهنان هستیم. آیا به عنوان خادم خدا وظیفه کهنات خود را بخوبی انجام می دهید؟ آیا خصوصیات بالا در شما دیده می شود و وظایف و مسئولیت های خود را بخوبی انجام می دهید؟ در موارد بالا دعا کنید. در کدامیک قوی و در کدامیک ضعیف هستید؟ این ضعف ها می تواند نشان دهنده گناهی باشد که احتیاج به توبه دارید.

۳- ده یک و هدیه ندادن به خدا، از چشم خدا دزدی است -

خداوند می گوید با هدیه ندادن و ده یک ندادن، نه تنها از او می دزدیم، بلکه برکات را داریم از خودمان هم می دزدیم. کتاب مقدس بطور کلی می گوید که نباید خداوند را امتحان کرد. اما در این مورد استثناء قائل می شود و خود خداوند می گوید که او را امتحان کنیم و با ایمان ده یک ها و هدایای خود را به خدا بیاوریم و ببینیم که آیا او به وعده خود وفا می کند و ما را برکت می دهد یا نه. با اول قرار دادن او در مسائل مالی و در ده یک دادن، خداوند نه تنها قول می دهد که روزنهای آسمان را بگشاید و بر ما برکت بریزد که گنجایش آنرا نداشته باشیم (نه لزوماً فقط برکات مالی)، بلکه قول می دهد که جلوی «خورنده» را نیز بگیرد تا اموال ما ضایع نشود.

یک دزد نمی تواند خادم خدا باشد و به دزدی خود ادامه بدهد. یک خادم نمی تواند خود در گناه بی اطاعتی و دزدی از خدا باشد اما بخواهد به دیگران تعلیم دهد که آنها از خدا اطاعت کنند، خدا را در زندگی اول قرار دهند، به خدا اعتماد کنند و ده یک و هدایای خود را به او بدهند.

در این مورد آیا شما در اطاعت و اراده خداوند هستید؟ یک مسیحی و بخصوص یک خادم خدا نمی تواند خود را مسیحی و خادم خدا بداند، خدا را «پدر» و «خداوند» بداند اما از او بدزدد. بیایید همین امروز در این مورد توبه کرده و در اراده خداوند قرار بگیریم.

سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی ملاکی چه می باشد؟
- (۲) کتاب ملاکی شامل چه بخش های اصلی می باشد؟ آنها را نام برده و بطور خلاصه توضیح دهید.
- (۳) ۲ مکاشفه از عیسای مسیح در کتاب ملاکی را بیان کنید.
- (۴) خدا در ملاکی در مورد هدیه دادن و ده یک دادن چه چیزهایی می گوید؟ (حداقل سه نکته را بیان کنید)
- (۵) دو درس روحانی از کتاب ملاکی را بیان کنید.
- (۶) کلمه «ملاکی» به معنی می باشد.

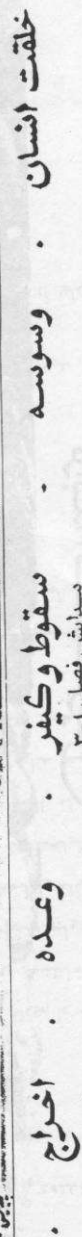
Old Testament Books

کتاب عهد عتیق

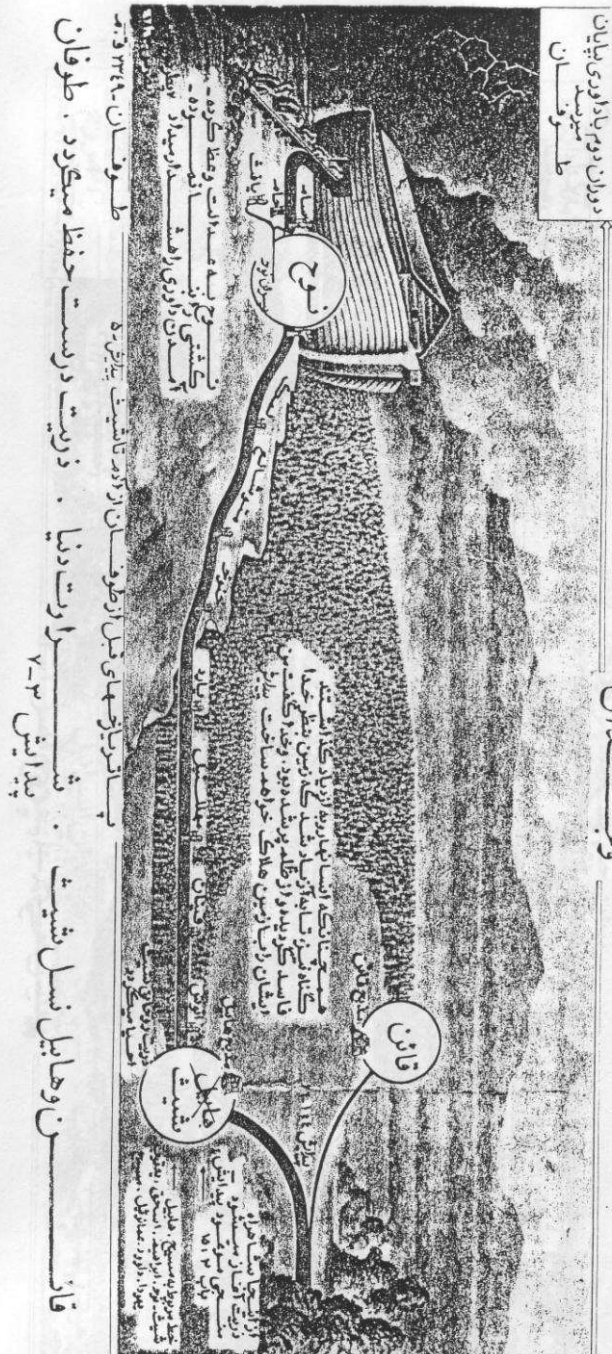
English Name	نام فارسی	Chapters فصل ها
Genesis	پیدایش	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42 43 44 45 46 47 48 49 50
Exodus	خروج	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40
Leviticus	لاویان	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27
Numbers	اعداد	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36
Deuteronomy	تثنیه	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34
Joshua	یوشع	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24
Judges	داوران	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21
Ruth	روت	1 2 3 4
1 Samuel	اول سموئیل	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31
2 Samuel	دوم سموئیل	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24
1 Kings	اول پادشاهان	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22
2 Kings	دوم پادشاهان	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25
1 Chronicles	اول تواریخ	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29
2 Chronicles	دوم تواریخ	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36
Ezra	عزرا	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10
Nehemiah	نحمیا	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13
Esther	استر	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10
Job	ایوب	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42
Psalms	مزامیر	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22

		23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42 43 44 45 46 47 48 49 50 51 52 53 54 55 56 57 58 59 60 61 62 63 64 65 66 67 68 69 70 71 72 73 74 75 76 77 78 79 80 81 82 83 84 85 86 87 88 89 90 91 92 93 94 95 96 97 98 99 100 101 102 103 104 105 106 107 108 109 110 111 112 113 114 115 116 117 118 119 120 121 122 123 124 125 126 127 128 129 130 131 132 133 134 135 136 137 138 139 140 141 142 143 144 145 146 147 148 149 150
Proverbs	امثال	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31
Ecclesiastes	جامعه	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12
Song of Solomon	غزل غزل ها	1 2 3 4 5 6 7 8
Isaiah	اشعيا	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42 43 44 45 46 47 48 49 50 51 52 53 54 55 56 57 58 59 60 61 62 63 64 65 66
Jeremiah	ارميا	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42 43 44 45 46 47 48 49 50 51 52
Lamentations	مراثی	1 2 3 4 5
Ezekiel	حزقیال	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42 43 44 45 46 47 48
Daniel	دانیال	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12
Hosea	هوشع	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14
Joel	یوئیل	1 2 3
Amos	عاموس	1 2 3 4 5 6 7 8 9
Obadiah	عوبدیا	1
Jonah	یونس	1 2 3 4
Micah	میکاه	1 2 3 4 5 6 7
Nahum	ناحوم	1 2 3
Habakkuk	حبقوق	1 2 3
Zephaniah	صفنیا	1 2 3
Haggai	حجی	1 2
Zechariah	زکریا	1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14
Malachi	ملاکی	1 2 3 4



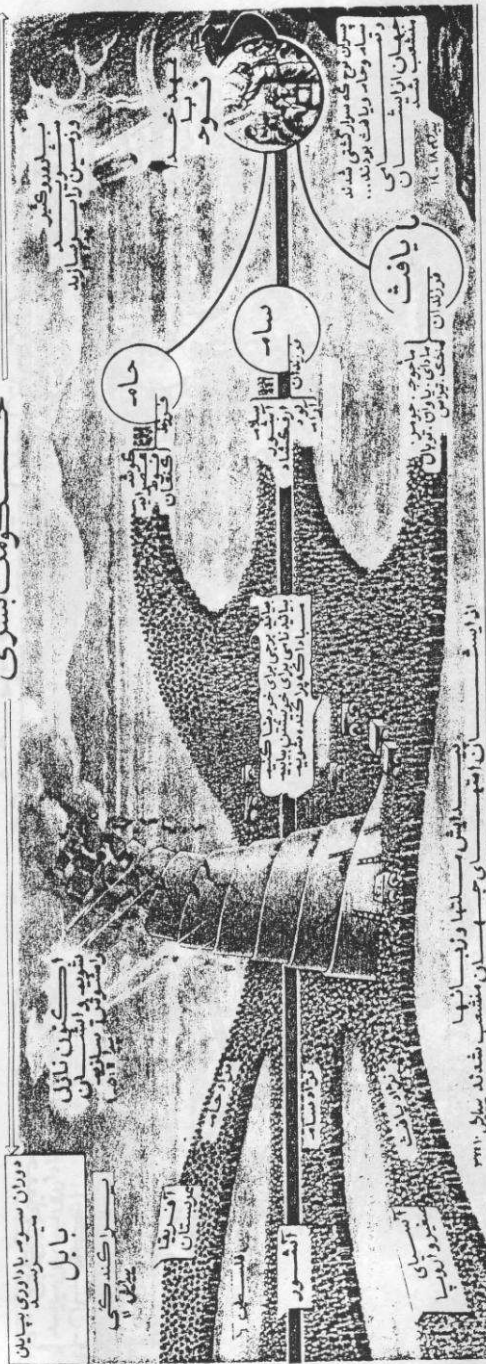


وحدان



دوران سوم - (بعد از طوفان)

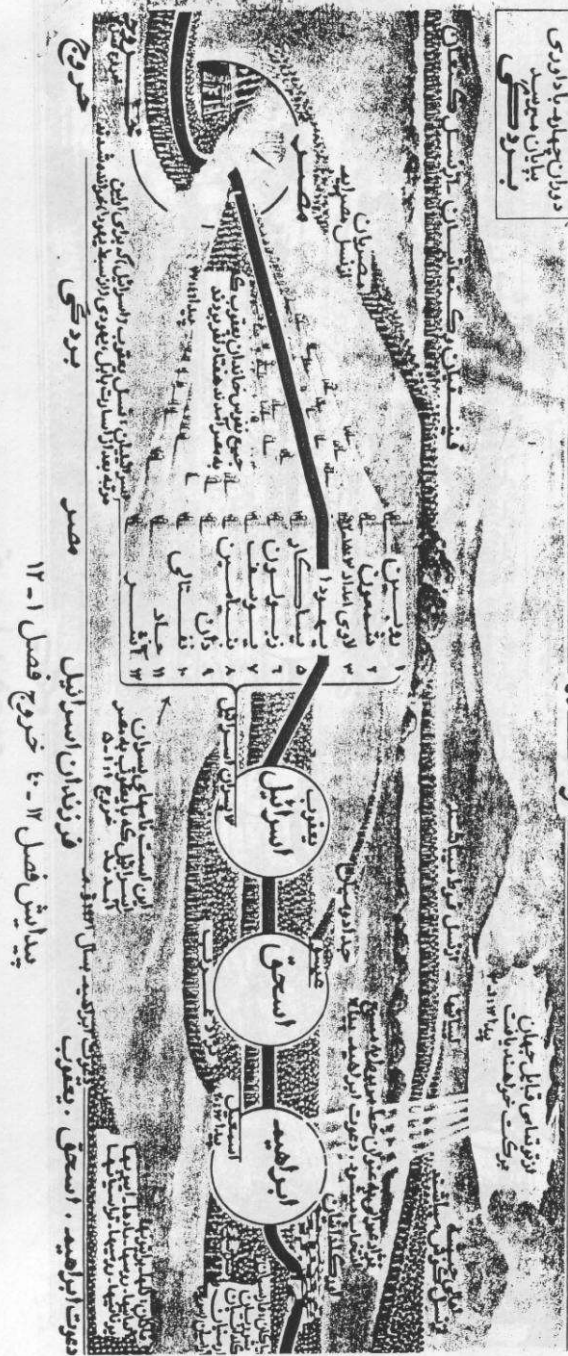
حکومت بشری



عهد خدا با نوح . از یاد جمعیت زمین توسط حام - سام و یافت . بابل . پراکندگی
پیدایش ۱۱۰۸

دوران چهارم - یادآوری
بنیان مسیحیت
برودگی

دوران چهارم - یادآوری
بنیان مسیحیت
برودگی



پیدایش فصل ۱۲ - خروج فصل ۱۲ - مصر

مصر

دعوت ابراهیم . اسحق . یعقوب . فرزندان اسماعیل

تبرکات



دريای سرخ • سینا
خروج
سفر دیریا بان • مرگ موسی • تشخیر کنگان • تنبیه یوشع
لاويان
اعداد
خدا به یادشاهی • داروان ارم سوتیل اړه پادشاهان

دوران پنجم - (شریعت) بنیه

